



تأسیس  
۱۴۰۲

**داد مهر**

نشریه علمی دانشجویی

شماره سوم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۴

# داد مهر

شماره سوم  
نشریه

- تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران
- آثار حقوقی تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی با بررسی تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های بین‌المللی
- حقوق صاحبان علائم تجاری در ایران
- پیش‌نویس لایحه قانونی به منظور ترویج و توسعه نقش آراء وحدت رویه قضایی

- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی نوری ناشی از منظومه‌های ماهواره‌ای: رویکردی بر پایه حقوق بین‌الملل فضا
- معذرت‌آرایی جزایی در آرای حقوقی و مدنی
- بررسی تناسبِ خیارات قانونی و مکانیزم‌های بازار در تجارت الکترونیک
- حق پناهندگی در بحران اوکراین: تحلیل حقوقی و واکنش‌های بین‌المللی

سورة



تأسیس  
۱۳۰۲

نشریه علمی دانشجویی

شماره سوم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

## اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی حقوق ایران



### نیما مرادی تژادیان

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه خوارزمی، سردبیر نشریه دادمهر دبیرکل اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی حقوق کل کشور



### علی پورمند

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی مدیر مسئول نشریه دادمهر

## هیئت تحریریه:



### یاسین گاهه‌ء

سردبیر سابق نشریه علمی دانشجویی تمیس



### علیرضا سلمانی

کارشناسی ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشگاه تهران



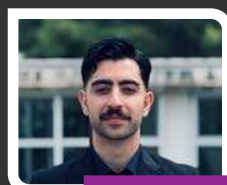
### خاطره دروگر لیجاهی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی



### امیرحسین هاشمی

دبیر انجمن علمی حقوق دانشگاه زنجان مدیر مسئول نشریه حقوقی داد



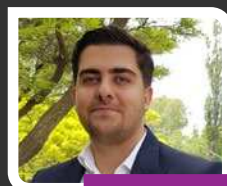
### امیررضا رنجبر نوشری

دبیر انجمن علمی حقوق دانشگاه گیلان دبیر منطقه شمال اتحادیه انجمن‌های علمی- دانشجویی حقوق ایران



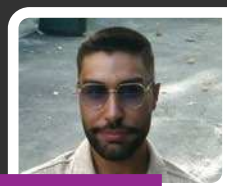
### محمدرضا فرزانه

دبیر منطقه تهران اتحادیه انجمن‌های علمی حقوق ایران



### فرشید قدیم‌خانی

دبیر انجمن علمی - دانشجویی حقوق اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی



### علیرضا ابراهیمی

دانش آموخته حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز

طراح جلد و صفحه‌آرا: زهرا غنیمتی

# فهرست مطالب

۴ **پیش‌نویس لایحه قانونی به منظور ترویج و توسعه نقش آراء وحدت رویه قضایی**

دکتر عباس کریمی، استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۸ **مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی نوری ناشی از منظومه‌های ماهواره‌ای: رویکردی بر پایه حقوق بین‌الملل فضا**

سونیا مرادی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تهران

۱۸ **معدّريت آرای جزایی در آرای حقوقی و مدنی**

مهدی وحیدی قراباغلو، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه علوم قضایی

۲۶ **بررسی تناسبِ خیارات قانونی و مکانیزم‌های بازار در تجارت الکترونیک**

ابوالفضل حبیبی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه محقق اردبیلی

۴۹ **تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران**

امید خجسته مهر، دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل

۶۰ **آثار حقوقی تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی با بررسی تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های بین‌المللی**

محمد ایمانی، دانش‌آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد شیروان

۷۳ **حقوق صاحبان علائم تجاری در ایران**

امیرحسین هاشمی و پریا نقی‌لو، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه زنجان

۸۵ **حق پناهندگی در بحران اوکراین: تحلیل حقوقی و واکنش‌های بین‌المللی**

غزل حاج اسماعیل زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران



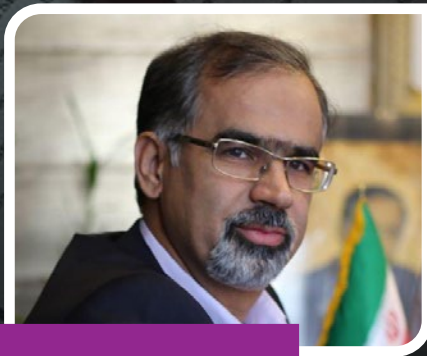
تاسیس

۱۴۰۲

نشریه علمی دانشجویی

شماره سوم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۴

# پیش نویس لایحه قانونی به منظور ترویج و توسعه نقش آراء وحدت رویه قضایی



**دکتر عباس کریمی**

استاد تمام دانشکده حقوق و  
علوم سیاسی دانشگاه تهران

به منظور تحقق بخشیدن به هدف ایجاد وحدت رویه قضایی موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی، کم نمودن اجمال و تعارض در متون قانونی و تکمیل خلأهای موجود در این متون و فراهم نمودن بستر امنیت قضایی از طریق جلوگیری از تشتت آراء قضایی، عنوان باب پنجم قانون آیین دادرسی مدنی به فرجام خواهی و ایجاد وحدت رویه قضایی اصلاح می گردد و فصل دوم آن به شرح مواد زیر و با عنوان ایجاد وحدت رویه قضایی به قانون مزبور اضافه می شود و فصل دوم از باب پنجم به باب ششم و فصل سوم از همین باب به باب هفتم و باب های ششم و هفتم، هشتم و نهم به ترتیب به باب های هشتم، نهم، دهم و یازدهم تغییر می یابد.

## فصل دوم- ایجاد وحدت رویه قضایی

**ماده ۱-۴۱۶-** در تمام مواردی که در قوانین به علت سکوت قانونگذار و یا به سبب تعارض و اجمال در متون قانونی و یا به هر علت دیگری، تهافت آراء وجود داشته باشد و یا بیم ایجاد چنین تهافتی برود، دیوان عالی کشور در راستای اصل ۱۶۱ قانون اساسی مکلف به ایجاد رویه قضایی به شرح مواد زیر می باشد.

**ماده ۲-۴۱۶-** در هر مورد که تهافت فعلی بین آراء وجود داشته باشد، از هر طریق که چنین تهافتی به ریاست دیوان عالی کشور و یا به دادستان کل کشور منعکس گردید، ریاست دیوان مکلف به ارجاع آن به شعب با قید فوریت می باشد و سایر موارد موضوع ماده پیشین، به ترتیب وصول در دستور کار شعب قرار می گیرد. دادستان کل کشور در امور مدنی بدون اظهار نظر و در امور کیفری با اظهار نظر، موارد دریافت شده را به رئیس دیوان عالی کشور ارسال می‌دارد.

**ماده ۳-۴۱۶-** به منظور بررسی تخصصی، چهار شعبه اختصاصی در دیوان عالی کشور به شرح زیر تشکیل می گردد: شعبه مدنی، شعبه تجاری، شعبه کیفری و شعبه اجتماعی. هر شعبه یک رئیس، دو نایب رئیس و دو دبیر خواهد داشت.

**ماده ۴-۴۱۶-** هر یک از رؤسا و مستشاران دیوان عالی کشور در یکی از شعب فوق با توجه به تخصص خود عضویت خواهند داشت و از سه تا پنج نفر از اعضای شاخص هیأت علمی دانشگاه ها در هر یک از تخصص های فوق، پس از اخذ موافقت آنان برای عضویت در شعبه، با رأی اکثریت اعضای همان شعبه دعوت خواهد شد. تمام اعضای هر شعبه اعم از قضات و اعضای هیأت علمی دارای یک رأی خواهند بود و اعضای هیأت علمی نیز می توانند به عضویت هیأت رئیسه شعبه انتخاب شوند. در شعبه ی اختصاصی کیفری، یکی از معاونین دادستان کل کشور با حق اظهار نظر و بدون حق رأی حاضر خواهد شد.

**ماده ۵-۴۱۶-** اعضای هیأت علمی براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، به تصویب هیأت وزیران می رسد در انجام این مأموریت از مزایا و معافیت از وظایف آموزشی و پژوهشی برخوردار خواهند شد و در ترفیع و ارتقاء، چنانچه نقش آنان در صدور رأی وحدت رویه اصلی و کلیدی باشد، از امتیازی همانند یک مقاله پژوهشی بهره مند خواهند شد و در غیر از مورد مزبور، چنانچه مداخله علمی آنان در مباحث، اثر بخش باشد، حسب میزان تأثیر، از امتیازی معادل حداکثر نصف امتیاز یک مقاله پژوهشی برخوردار می گردند.

**ماده ۶-۴۱۶-** تمام موارد سکوت، اجمال و تعارض قوانین که از طریق اعضای هیأت علمی دانشکده های حقوق و یا قضاات سراسر کشور همراه با دلایل توجیهی به دیوان عالی کشور واصل می گردند، ابتدا با توجه به موضوع، به یکی از شعب دیوان ارجاع می گردد. رئیس مزبور، موارد ارجاعی را که به علت تهافت فعلی آراء واصل شده خارج از نوبت و مواردی را که بدون تهافت فعلی دریافت کرده باشد را به نوبت در دستور کار قرار می دهد.

**ماده ۷-۴۱۶-** هر شعبه دیوان عالی کشور، در هر هفته دست کم یک جلسه خواهد داشت و در صورت تصویب اعضای شعبه، امکان تجمیع دو جلسه وجود دارد و در این صورت، در هر دو هفته، یک روز کامل کاری به مأموریت موضوع این فصل اختصاص خواهد یافت.

**ماده ۸-۴۱۶-** جلسات هر شعبه با حضور دو سوم مجموع اعضای شعبه اعم از قضاات و اعضای هیأت علمی تشکیل می گردد و تصویب هر رأی وحدت رویه مستلزم کسب اکثریت آراء مطلق حاضرین در جلسه می باشد.

**ماده ۹-۴۱۶-** پس از تصویب هر رأی وحدت رویه در شعب، موضوع از هر طریقی که رئیس دیوان عالی کشور مقتضی بداند به اطلاع اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور می رسد تا چنانچه اعتراضی نسبت به رأی مزبور دارند ظرف مهلت یک هفته به رئیس دیوان ارسال نمایند. مراتب اعتراض توسط رئیس دیوان به شعبه منعکس می شود و در صورتی که اعتراض مزبور در زمان بحث در کمیسیون طرح نشده باشد، به بحث گذاشته می شود و نسبت به ورود یا عدم ورود رأی گیری می گردد. در صورت پذیرش ورود یک یا چند اعتراض، متن رأی وحدت رویه در پایان جلسه، اصلاح و یا تکمیل می گردد.

**ماده ۱۰-۴۱۶-** اگر موضوعی با قلمرو تخصصی دو یا چند شعبه مرتبط باشد، رئیس دیوان عالی کشور می تواند درخواست تشکیل شعب مختلط با حضور اعضای شعب مرتبط نماید که در این صورت شعبه مختلط با تعیین هیأت رئیسه، به شرح موارد پیشین اقدام به انشاء رأی وحدت رویه می نماید.

**ماده ۱۱-۴۱۶-** آراء وحدت رویه ای که از شعب واصل می شوند در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور که با حضور دست کم دو سوم مجموع اعضای شعب دیوان رسمیت می یابد طرح می گردد. . ابتداء اعتراض هایی که به شعبه ارجاع شده و مورد پذیرش واقع نگردیده اند مطرح می شود و معترض یا اگر متعدد باشند یکی از معترضین به شرح اعتراض می پردازد و رئیس شعبه یا یکی از اعضاء به انتخاب وی به اعتراض پاسخ می دهد و در پایان رسیدگی به اعتراض ها، متن پیشنهادی به رأی هیأت عمومی گذاشته می شود.

چنانچه رأی وحدت رویه مورد تصویب اکثریت حاضرین قرار گرفت در ذیل ماده قانونی مرتبط، با شماره فرعی در مجموعه قوانین درج می گردد و چنانچه مورد تصویب قرار نگرفت، با اعمال موارد اعتراض دوباره به رأی گذاشته می شود و در صورت تحصیل رأی اکثریت مزبور، در مجموعه قوانین درج می گردد .

**ماده ۱۲-۴۱۶-** سیاهه آراء وحدت رویه در پایان هر فصل از طریق رئیس دیوان عالی کشور در اختیار رئیس مجلس شورای اسلامی قرار می گیرد تا در اختیار کمیسیون های تخصصی قرار داده شود و در صورت لزوم از طریق طرح قانونی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

**ماده ۱۳-۴۱۶-** تجدیدنظر در آراء وحدت رویه با تقاضای دست کم بیست نفر از اعضای هیأت عمومی دیوان و یا ده نفر از شعبه تخصصی و با طی تشریفات ذکر شده برای تصویب آنان میسر خواهد بود.

**ماده ۱۴-۴۱۶-** در صورت تصویب قانون مغایر با رأی وحدت رویه، رأی مزبور از زمان اجرای قانون ملغی می گردد.



تاسیس

۱۴۰۲

نشریه علمی دانشجویی

شماره سوم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۴

# مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی نوری ناشی از منظومه‌های ماهواره‌ای؛ رویکردی بر پایه حقوق بین‌الملل فضا



**سونیا مرادی**

دانشجوی کارشناسی حقوق  
دانشگاه تهران



## چکیده

در سال‌های اخیر، گسترش فعالیت‌های فضایی به‌ویژه از سوی شرکت‌های خصوصی مانند Amazon و SpaceX منجر به استقرار هزاران ماهواره در مدار نزدیک زمین (LEO) شده است. این منظومه‌های ماهواره‌ای، به‌رغم کارکردهای مثبت، باعث بروز نوعی آلودگی نوری در فضا شده‌اند که اثرات منفی بر پژوهش‌های اخترشناسی، رصدخانه‌های علمی، و حتی میراث فرهنگی آسمان شب دارند. این مقاله با تمرکز بر ابعاد حقوقی این پدیده، تلاش دارد با استناد به معاهدات بین‌المللی حاکم بر فضای ماورای جو، از جمله معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ و کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲، چارچوبی برای شناسایی و تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال این نوع آلودگی ارائه دهد. در نهایت، با بررسی چالش‌های پیش‌روی در تعیین مسئولیت حقوقی و نهادهای بین‌المللی، راهکارهایی جهت تقویت پاسخ‌گویی حقوقی در مواجهه با این پدیده نوظهور ارائه می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳)

**کلمات کلیدی:** حقوق فضا، آلودگی نوری، مسئولیت بین‌المللی، منظومه‌های ماهواره‌ای، خسارت زیست‌محیطی

## مقدمه

در این میان، دولت‌هایی که از طریق صدور مجوز برای اپراتورهای خصوصی یا تسهیل توسعه منظومه‌های عظیم ماهواره‌ای، زمینه‌ساز آلودگی نوری هستند، ممکن است مشمول قواعد مسئولیت بین‌المللی قرار گیرند؛ به‌ویژه اگر بتوان اثبات کرد که اقدامات آنان موجب نقض تعهدات زیست‌محیطی یا آسیب به منافع مشروع سایر کشورها و جامعه علمی بشری شده است. این مقاله با هدف تحلیل امکان‌سنجی شناسایی و اعمال مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی نوری ناشی از فعالیت‌های فضایی، به بررسی مبانی حقوقی، اصول عام مسئولیت، رویه‌های بین‌المللی، وضعیت حقوقی ایران و خلأهای موجود می‌پردازد. همچنین، در بخش پایانی با ارائه راهکارهایی برای اصلاح رژیم حقوقی فضا، تلاش می‌شود افق روشنی برای تقویت قواعد الزام‌آور، حفاظت از آسمان شب و تضمین عدالت در بهره‌برداری از فضا ترسیم گردد.

در دهه‌های اخیر، توسعه فناوری‌های فضایی و افزایش چشم‌گیر پرتاب منظومه‌های ماهواره‌ای در مدارهای پایین زمین، به‌ویژه توسط بازیگران غیردولتی و با حمایت دولت‌های پیشرو در عرصه فضایی، موجب پیدایش گونه‌ای نوظهور از آلودگی با پیامدهای جهانی شده است: آلودگی نوری در فضای ماورای جو. این پدیده، ناشی از بازتاب نور خورشید از سطح صدها یا هزاران ماهواره فعال و سرگردان، نه‌تنها رصدهای نجومی و پژوهش‌های علمی را مختل کرده، بلکه بر زیست‌محیط آسمانی، امنیت فضایی، و میراث فرهنگی مشترک بشریت نیز سایه افکنده است.

با آنکه نظام حقوق بین‌الملل فضا در قالب اسناد کلیدی مانند معاهده فضای ماورای جو (۱۹۶۷)، کنوانسیون ثبت، و معاهده مسئولیت، اصول بنیادینی نظیر استفاده صلح‌آمیز، عدم ایجاد آسیب، و همکاری بین‌المللی را برای بهره‌برداری از فضا مقرر داشته، اما این چارچوب‌ها در خصوص چالش‌های نوپدیدی همچون آلودگی نوری، دچار سکوت، اجمال یا عدم ضمانت اجرا هستند. فقدان قواعد خاص و الزام‌آور در این حوزه، موجب بروز ابهاماتی جدی در تعیین حدود مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اقدامات خود یا اتباعشان در فضا شده است.

## بخش اول: تاریخچه حقوق بین‌الملل فضا و جایگاه آلودگی نوری در آن

### ۱-۱ پیدایش و تکامل حقوق بین‌الملل فضا

حقوق بین‌الملل فضا در پاسخ به تحولات فناورانه و پرتاب نخستین ماهواره مصنوعی، اسپوتنیک در سال ۱۹۵۷ شکل گرفت. این رویداد که نمایانگر آغاز عصر فضا بود؛ لزوم تدوین اصولی برای تنظیم فعالیت‌های فضایی را برجسته کرد. در پی آن، کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو در چارچوب سازمان ملل متحد تأسیس شد و منجر به تدوین پنج معاهده کلیدی در زمینه حقوق فضا گردید: معاهده اصول فعالیت دولت‌ها در فضای ماورای جو ۱۹۶۷، موافقت‌نامه نجات فضانوردان ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب‌شده به فضا ۱۹۷۵، موافقت‌نامه ماه ۱۹۷۹ و کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اشیای فضایی ۱۹۷۲.

از میان این معاهدات، دو سند نخست یعنی معاهده ۱۹۶۷ و کنوانسیون ۱۹۷۲، به‌عنوان اسناد مادر و بنیادین، چارچوب اصلی مسئولیت دولت‌ها را در قبال فعالیت‌های فضایی اعم از دولتی و خصوصی ترسیم کرده‌اند.

### ۱-۲ رویکرد کلاسیک در حقوق فضا

در دوره کلاسیک حقوق فضا (۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰) تأکید اصلی بر اصولی همچون اصل استفاده صلح‌آمیز، اصل آزادی اکتشاف، اصل همکاری بین‌المللی و اصل عدم تملک ملی بر اجرام آسمانی بود. در این چارچوب، موضوعاتی چون آلودگی نوری یا آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های فضایی کمتر مورد توجه قرار گرفتند. تمرکز معاهدات اولیه بیشتر بر مسئولیت در برابر خسارات فیزیکی (نظیر سقوط اشیای فضایی) و تعهد به ثبت فعالیت‌ها بود.

### ۱-۳ گذار به رویکرد نوین: ظهور مخاطرات نوظهور

در دهه‌های اخیر، با ظهور پدیده‌هایی چون ازدحام مداری، تولید زباله‌های فضایی، و آلودگی نوری لزوم بازنگری در رویکرد سنتی حقوق فضا مطرح شده است. برخلاف زباله‌های فضایی که جنبه فیزیکی و تهدید مستقیم برای ماهواره‌ها دارند، آلودگی نوری به‌عنوان پیامدی غیرمستقیم، اما حائز اهمیت در محیط زیست فضایی شناخته می‌شود. این نوع آلودگی، نخستین بار توسط جامعه نجومی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در پی پرتاب‌های متعدد Starlink مطرح شد. اتحادیه بین‌المللی اخترشناسی در بیانیه رسمی خود، نگرانی پر واضحی را از کاهش کیفیت مشاهدات علمی و آسیب به میراث فرهنگی آسمان شب را ابراز کرد. این واکنش، منجر به آغاز مباحث حقوقی پیرامون قابلیت اعمال اصول حقوق فضا در زمینه آلودگی نوری شد.

## ۴-۱ خأهای مفهومی در حقوق فضا نسبت به آلودگی نوری

در بررسی اسناد فعلی، می‌توان به موارد زیر به‌عنوان چالش‌های مفهومی اشاره کرد:  
- تعریف محدود از خسارت: کنوانسیون مسؤلیت، بیشتر به خسارات فیزیکی توجه دارد و اشاره‌ای صریح به آسیب‌های غیرمادی مانند اختلال در داده‌های علمی یا لطمه به زیبایی طبیعی شب ندارد.  
- نبود مقررات فنی الزام‌آور: هیچ‌یک از اسناد موجود، دولت‌ها یا شرکت‌ها را به کاهش بازتاب نور ماهواره‌ها ملزم نمی‌کنند.  
- ضعف در ابزارهای اجرایی و نظارتی: فقدان نهاد تخصصی مستقل با صلاحیت الزام‌آور برای بررسی آثار آلودگی نوری، خلأیی ساختاری در پاسخ‌گویی به این پدیده ایجاد کرده است.

## تحلیل مفاد معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ و کنوانسیون مسؤلیت ۱۹۷۲ در قبال آلودگی نوری

### ۱-۲ معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷: ستون بنیادین حقوق فضا

معاهده ۱۹۶۷ که با عنوان کامل "معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله ماه و سایر اجرام سماوی" شناخته می‌شود، مهم‌ترین سند در شکل‌دهی حقوق بین‌الملل فضا است. این معاهده در دوران جنگ سرد تدوین شد و تلاش کرد اصولی بنیادین، جهانی و عام‌الشمول را برای کلیه فعالیت‌های فضایی تعیین کند.

#### الف) ماده ۱ - استفاده برای منافع همگان

این ماده تصریح می‌کند که استفاده از فضا باید برای منافع کلیه کشورها، صرف‌نظر از سطح توسعه علمی یا اقتصادی آن‌ها باشد. در نتیجه، هرگونه فعالیت‌هایی که استفاده علمی، فرهنگی یا اقتصادی سایر دولت‌ها را مختل کند، می‌تواند ناقض این اصل تلقی شود. آلودگی نوری که موجب کاهش کیفیت تحقیقات نجومی کشورهای دیگر گردد، ممکن است مصداق چنین نقضی باشد.

## الف) ماده ۲ - مسئولیت مطلق برای خسارات روی زمین

این ماده به صراحت بیان می‌دارد که هر دولت پرتاب‌کننده‌ای در قبال خساراتی که اشیای فضایی آن بر سطح زمین یا هواپیمای دیگر وارد کنند، به‌طور مطلق مسئول خواهد بود؛ یعنی نیازی به اثبات تقصیر نیست.

البته این ماده بیشتر ناظر بر خسارات فیزیکی است؛ مانند سقوط یک شیء فضایی یا انفجار در جو. اما در تفسیر موسع، می‌توان گفت اگر بازتاب شدید نور یک منظومه ماهواره‌ای موجب آسیب مستقیم مالی به یک پروژه علمی زمینی شود، شاید بتوان آن را تحت شمول همین ماده قرار داد؛ مشروط بر آن‌که رابطه‌ی سببیت مشخص گردد.

## ب) ماده ۳ - مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای خسارات در فضا

در مواردی که خسارت در فضا اتفاق افتد (مثلاً به یک تلسکوپ فضایی یا ماهواره علمی دیگر) اثبات تقصیر ضروری است.

در پرونده آلودگی نوری، اگر تلسکوپ‌های فضایی مانند تلسکوپ جیمز وب یا هابل در مسیر نوری ماهواره‌ها دچار اختلال شوند، می‌توان با اثبات سهل‌انگاری دولت در نظارت بر شرکت‌های مجوزدار، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را اعمال کرد.

## چالش‌های اعمال کنوانسیون بر آلودگی نوری

### الف) فقدان تعریف جامع از خسارت

مفهوم «خسارت» در کنوانسیون عمدتاً فیزیکی است: تلفات جانی، آسیب به دارایی، اختلال عملیاتی و مانند آن. اما آلودگی نوری عمدتاً خسارت علمی، فرهنگی و محیط‌زیستی غیرملموس است.

توسعه مفهوم خسارت در این راستا مستلزم تفسیر موسع و استفاده از اسناد تکمیلی محیط‌زیستی مانند:

### - اصول اعلامیه ریو ۱۹۹۲ درباره توسعه پایدار و محیط‌زیست

کنوانسیون بازل در مورد زباله‌های خطرناک، که خسارت‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی را هم شناسایی می‌کند.

## ب) ماده ۶ - مسئولیت دولت‌ها نسبت به فعالیت‌های خصوصی

بر اساس این ماده، دولت‌ها مسئول فعالیت‌های ملی فضایی خود هستند، حتی اگر توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی انجام شود. همچنین تأکید شده که این فعالیت‌ها باید تحت «نظارت و کنترل مستمر دولت» باشند.

بنابراین، دولت ایالات متحده نمی‌تواند از مسئولیت فعالیت‌های شرکت SpaceX طفره رود، حتی اگر خود مستقیماً در پرتاب‌ها نقش نداشته باشد. این اصل در راستای اصل پاسخ‌گویی دولت در حقوق بین‌الملل عمومی نیز قابل تحلیل است.

## ج) ماده ۹ - اصل مشورت و اجتناب از آلودگی مضر

این ماده دارای دو بخش مهم است: دولت‌ها باید در اجرای فعالیت‌های فضایی خود «به منافع مشروع سایر کشورها توجه کنند».

دولت‌ها موظف‌اند از ایجاد «آلودگی مضر» در فضا، ماه و سایر اجرام آسمانی اجتناب ورزند. پرسش مهم در اینجا آن است که آیا آلودگی نوری ناشی از ماهواره‌ها، مصداق «آلودگی مضر» محسوب می‌شود؟ بسیاری از حقوقدانان مدرن مانند استفان فری‌لند و رام جکهو معتقدند پاسخ مثبت است، به ویژه وقتی این نور موجب لطمه به مشاهدات علمی یا فرهنگ دیداری شبانه شود.

در واقع، بر مبنای تفسیر پویا از اسناد بین‌المللی که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در قضایایی مانند Gabčíkovo-Nagymaros Project اعمال کرده است، می‌توان مفهوم «آلودگی مضر» را مطابق با شرایط امروز توسعه داد.

## ۲-۲ کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی ۱۹۷۲: سازوکار جبران خسارت

این کنوانسیون به‌طور خاص به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات ناشی از اشیای فضایی می‌پردازد. در حقیقت این سند در پاسخ به دغدغه‌هایی مانند سقوط ماهواره شوروی بر خاک کانادا تدوین شد.

**- دشواری در تعیین رابطه سببیت و شناسایی دولت مسئول**  
در مواردی که ده‌ها یا صدها ماهواره از چند دولت مختلف هم‌زمان در مدار حضور دارند، تشخیص اینکه کدام دولت (و به چه میزان) مسئول ایجاد خسارت نهایی است، بسیار پیچیده می‌شود. این مسئله به‌ویژه در محیطی مانند مدار LEO که رقابت شدیدی بین دولت‌ها و شرکت‌ها در جریان است، شدیدتر است. راهکارهای پیشنهادی عبارتی‌اند از: بهره‌گیری از الگوریتم‌های ردیابی مسیر نوری برای تعیین سهم نسبی هر ماهواره و تدوین سازوکارهای مسئولیت مشترک مشابه آنچه در حقوق آلودگی دریایی رایج است.

## بخش سوم: مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های خصوصی و راهکارهای حقوقی

**۱-۳ چارچوب مسئولیت دولت‌ها نسبت به اقدامات خصوصی‌ها در فضا**  
یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق بین‌الملل فضا، تعهد روشن دولت‌ها نسبت به کلیه فعالیت‌هایی است که توسط اشخاص حقوقی یا حقیقی تحت صلاحیت آن‌ها انجام می‌شود. بر اساس ماده ۶ معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷، دولت‌ها نمی‌توانند صرفاً با صدور مجوز از مسئولیت خود در قبال فعالیت شرکت‌های خصوصی شانه خالی کنند.

مسئولیت غیرقابل انتقال: این ماده تصریح می‌کند که «دولت‌ها مسئول فعالیت‌های ملی در فضا هستند، صرف‌نظر از اینکه این فعالیت‌ها توسط سازمان‌های دولتی یا غیردولتی صورت گرفته باشد.» بنابراین حتی اگر SpaceX یا OneWeb به صورت کاملاً خصوصی فعالیت داشته باشند، دولت ایالات متحده در سطح بین‌المللی پاسخگو خواهد بود.

**۲-۳ سطوح مختلف مسئولیت حقوقی دولت‌ها**  
مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی نوری، بسته به نوع اقدام، در سه سطح قابل تحلیل است:

**الف) مسئولیت ناشی از سهل‌انگاری**  
چنانچه دولت در صدور مجوز یا نظارت بر فعالیت شرکت‌ها دچار قصور شده باشد می‌توان آن را در قالب مسئولیت مبتنی بر تقصیر تحلیل کرد.

**ب) مسئولیت محض**  
در صورتی که آلودگی نوری از فعالیت‌های مجاز، اما به صورت ناخواسته پدید آمده باشد، و خسارتی به دیگر کشورها یا پروژه‌های علمی وارد شود، برخی حقوقدانان پیشنهاد داده‌اند از اصل مسئولیت محض (که در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۷۲ نیز آمده) استفاده شود. در این حالت، نیازی به اثبات سهل‌انگاری نیست، و صرف وقوع خسارت و اثبات منبع آن کافی است.

### ج) مسئولیت جمعی

در وضعیت‌هایی که چندین دولت با منظومه‌های ماهواره‌ای متعدد در آلودگی نوری نقش دارند، می‌توان مسئولیت را به صورت جمعی و نسبی بین آن‌ها تقسیم کرد. این راه‌حل با رویکردهای رایج در تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های مرزی سازگار است.

### ۳-۳ راهکارهای توسعه نظام حقوقی در مقابله با آلودگی نوری

با توجه به ضعف صریح مقررات، نیاز به اصلاح یا تکمیل نظام حقوقی موجود برای مدیریت بهتر پدیده آلودگی نوری احساس می‌شود. راهکارهای ذیل در سطح بین‌المللی پیشنهاد شده‌اند:

#### الف) توسعه تفسیری معاهدات موجود

تفسیر موسع ماده ۹ معاهده ۱۹۶۷ به گونه‌ای که آلودگی نوری را به عنوان «آلودگی مضر» تلقی کند. استفاده از رویه دیوان‌های بین‌المللی، مانند قضیه Pulp Mills در دیوان بین‌المللی دادگستری، که در آن به الزام دولت‌ها به رعایت احتیاط و انجام ارزیابی زیست‌محیطی پیش از فعالیت اشاره شده است.

#### ب) تدوین پروتکل تکمیلی

می‌توان بر اساس مدل‌هایی چون پروتکل مونترال (در خصوص لایه اوزون) یا پروتکل کیوتو (در خصوص تغییرات اقلیمی)، پروتکلی الحاقی برای معاهده ۱۹۶۷ تنظیم کرد که به طور خاص آلودگی نوری فضایی را هدف قرار دهد.

#### ج) تأسیس نهاد ناظر بین‌المللی

تأسیس نهاد تخصصی برای رصد، ارزیابی و ارائه هشدار درباره تأثیرات نوری منظومه‌ها، در چارچوب کمیته COPUOS یا با همکاری سازمان جهانی نجوم (IAU)، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. این نهاد می‌تواند عملکردی مشابه سازمان بین‌المللی هوانوردی داشته باشد که استانداردهای ایمنی پرواز را تنظیم می‌کند.

## بخش چهارم: بررسی تطبیقی سیاست‌ها و واکنش‌های حقوقی کشورها نسبت به آلودگی نوری فضایی

### ۱-۱۴ ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده، با صدور مجوز برای پروژه‌هایی مانند Starlink، Kuiper و پروژه‌های مشابه، سهم عمده‌ای در افزایش منظومه‌های ماهواره‌ای در مدار پایین زمین دارد. چارچوب قانونی داخلی:

نظارت بر پرتاب و فعالیت ماهواره‌ها از سوی کمیسیون ارتباطات فدرال (FCC) و اداره ملی هوانوردی و فضا (NASA) انجام می‌شود.

تا سال ۲۰۲۳، هیچ مقرره الزام‌آور ملی برای کاهش آلودگی نوری ماهواره‌ها وجود نداشت.

در سال ۲۰۲۲، کمیته ملی اخترفیزیک آمریکا گزارشی منتشر کرد و خواستار اعمال الزامات قانونی برای پوشش‌های کاهش دهنده بازتاب شد، اما این پیشنهاد هنوز به قانون تبدیل نشده است.

اما ضعف این پیشنهاد تمرکز اصلی بر ایمنی پرواز و تداخل امواج رادیویی است، نه آلودگی نوری و وابستگی شدید به همکاری داوطلبانه شرکت‌های خصوصی است.

### ۲-۴ اتحادیه اروپا

در اتحادیه اروپا، سازمان فضایی اروپا و آژانس‌های ملی فضایی مانند CNES فرانسه و DLR آلمان نقش اصلی در سیاست‌گذاری دارند. برخلاف آمریکا، اتحادیه اروپا به صورت جدی‌تر در حال بررسی استانداردهای اجباری برای کاهش بازتاب نوری است. مطالعات فنی در مؤسسات اروپایی پیشنهاد داده‌اند که ارتفاع پرتاب، پوشش سطحی، و زمان بندی مسیرها باید کنترل شود تا آثار نوری محدود شوند.

### ۳-۴ چین

چین با برنامه‌هایی مانند منظومه Guowang، درصدد است بیش از ۱۳,۰۰۰ ماهواره را به مدار پایین زمین ارسال کند که ماهیت نظامی-دولتی برنامه‌های فضایی و نبود شفافیت در داده‌ها و انتشار اطلاعات عمومی درباره آثار نوری و عضویت در معاهده ۱۹۶۷، اما عدم عضویت در برخی کنوانسیون‌های مکمل مانند ثبت اشیای فضایی یا کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲ ایجاد مشکل می‌نماید.

### ۴-۴ روسیه

روسیه از بازیگران سنتی حوزه فضایی است، اما در منظومه‌های ماهواره‌ای گسترده مانند Starlink یا Kuiper کمتر نقش دارد.

### وضعیت ایران

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری با برنامه فضایی نوظهور، تاکنون در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق فضا حضور فعالی نداشته است. اگرچه ایران از سال ۱۳۵۰ عضو معاهده فضای ماورای جو است، اما تاکنون به کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲ نپیوسته و فاقد قوانین یا آیین‌نامه‌های جامع داخلی در خصوص نظارت بر تأثیرات زیست‌محیطی، نوری و فرهنگی فعالیت‌های فضایی است.

از سوی دیگر، ایران در مرحله آغازین ورود بخش خصوصی به حوزه فضا قرار دارد. در چنین شرایطی، تدوین سیاست‌های پیش‌دستانه می‌تواند جایگاه حقوقی کشور را در تعاملات آینده تقویت کند. برای مثال، می‌توان اقدامات زیر را پیشنهاد داد:

ایجاد کمیته ملی نظارت بر آلودگی نوری و محیط زیست فضایی در مرکز ملی فضایی ایران؛ الحاق به کنوانسیون ۱۹۷۲ و کنوانسیون ثبت اشیای فضایی (۱۹۷۶) برای شفاف‌سازی وضعیت مسئولیت بین‌المللی؛

گنجاندن ملاحظات زیست‌محیطی، نوری و فرهنگی در آیین‌نامه‌های پرتاب و طراحی ماهواره‌ها؛

ایفای نقش فعال در کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو برای مشارکت در تدوین مقررات جهانی.

## ■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

رشد پرشتاب فعالیت‌های فضایی، به‌ویژه از سوی بازیگران غیردولتی، نظام سنتی حقوق بین‌الملل فضا را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو ساخته است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، پدیده آلودگی نوری ناشی از منظومه‌های ماهواره‌ای است که تهدیدی برای پژوهش‌های اخترشناسی، سلامت محیط زیست فضایی و حتی میراث فرهنگی آسمان شب به شمار می‌رود.

بررسی معاهدات کلیدی مانند معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ و کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲ نشان می‌دهد که بنیان‌های حقوقی مناسبی برای پاسخ‌گویی به این پدیده وجود دارد. به ویژه اصل مسئولیت دولت‌ها در قبال فعالیت‌های خصوصی (ماده ۶ معاهده ۱۹۶۷) و اصل پرهیز از ایجاد آلودگی مضر (ماده ۹ همان معاهده) ظرفیت‌های حقوقی قابل اتکایی را فراهم می‌آورد. با این حال، ابهام در تعریف خسارت، خلأهای اجرایی، نبود سازوکار الزام‌آور بین‌المللی و دشواری اثبات رابطه‌ی سببیت، مانع از اعمال مؤثر این اسناد در مواجهه با آلودگی نوری شده است.

افزون بر این، فقدان نهادهای ناظر تخصصی در سطح بین‌المللی، نبود استانداردهای طراحی و پرتاب ماهواره‌ها با معیارهای نوری، و رویکرد انفعالی دولت‌ها در قبال فعالیت شرکت‌های خصوصی، وضعیت کنونی را به سمت بی‌نظمی حقوقی سوق داده است. اگرچه برخی اقدامات داوطلبانه مانند پوشش‌های کاهش‌دهنده بازتاب از سوی شرکت‌ها اتخاذ شده، اما اثربخشی آن‌ها در سطح جهانی مورد تردید است.

در نهایت، با توجه به ویژگی فراسرزمینی بودن فضا و جایگاه آن به‌عنوان میراث مشترک بشریت، نیاز به پاسخگویی بین‌المللی مؤثر و فوری برای پیشگیری و جبران آلودگی نوری فضایی، بیش از پیش احساس می‌شود.



## منابع:

۱. بیات، محمد. ۱۴۰۱. «تحلیل حقوقی مسئولیت دولت‌ها در قبال خسارات فضایی.» فصلنامه بین‌المللی حقوق، شماره ۴۹: ۹۵-۱۱۷.
۲. جکهو، رام. اس.، و جوزف ن. پل‌تون. ۲۰۱۷. حاکمیت جهانی فضا: یک مطالعه بین‌المللی. نیویورک: اشپرنگر.
۳. شریفی، سید قاسم. ۱۳۹۶. حقوق بین‌الملل فضا. تهران: نشر میزان.
۴. قوام، عبدالرحمن. ۱۳۹۹. حقوق بین‌الملل عمومی. جلد دوم. تهران: سمت.
۵. ماسون-زوان، تانیا، و ماهولنا هوفمان. ۲۰۱۹. مقدمه‌ای بر حقوق فضا. چاپ چهارم. آمستردام: وولترز کلور.
۶. موسوی، علیرضا. ۱۴۰۰. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال فعالیت‌های فضایی شرکت‌های خصوصی.» مجله پژوهش حقوق، شماره ۲۷: ۶۵-۸۳.
۷. مک‌داول، جان‌اتان. ۲۰۲۰. «جمعیت ماهواره‌های مدار پایین زمین و تأثیرات منظومه استارلینک.» نشریه اخترفیزیک، جلد ۸۹۵: ۳۶.
۸. نهاد بین‌المللی اخترشناسی. ۲۰۱۹. «بیانیه نهاد بین‌المللی اخترشناسی درباره منظومه‌های ماهواره‌ای»
۹. سازمان ملل متحد. ۱۹۶۷. معاهده فضای ماورای جو
۱۰. سازمان ملل متحد. ۱۹۷۲. کنوانسیون مسئولیت خسارت ناشی از اشیای فضایی.
۱۱. ترونکتی، فابیو. ۲۰۰۹. بهره‌برداری از منابع طبیعی ماه و سایر اجرام سماوی. لیدن: انتشارات مارتینوس نیهوف.



# معذرت آرای جزایی در آرای حقوقی و مدنی



## مهدی وحید قراباغلو

دانش آموخته دانشکده حقوق و علوم  
سیاسی تبریز  
کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشگاه  
علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری  
تهران  
کارآموز قضاوت

## چکیده

قاعده حجیت رأی قطعی کیفری در دعوای حقوقی در ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری انعکاس یافته است. به موجب این قاعده: اگر وقایع مؤثر در دعوای حقوقی متقابلاً در جریان دادرسی کیفری مورد بررسی قرار گرفته باشند و مفاد رأی قطعی کیفری حاکی از اثبات یا نفی وقایع مزبور باشد، دادگاه حقوقی باید از رأی قطعی کیفری در خصوص موضوع تبعیت نماید. نمونه هایی از اجرای قاعده سابقاً در ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی در باب جعلیت اسناد مقرر گردیده بود و اکنون ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یک قاعده کلی، رأی قطعی کیفری که مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد را برای دادگاه حقوقی لازم الاتباع معرفی نموده است. به نظر میرسد که رأی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی میتواند به صورت حکم یا قرار ماهوی نهایی باشد. مقصود از تأثیر در ماهیت امر حقوقی نیز آن است که وجود یا فقدان امور موضوعی مبنای دعوای حقوقی سابقاً در قالب دادرسی کیفری احراز گردیده و مفاد رأی قطعی کیفری برای اثبات یا نفی استحقاق خواهان در دعوای حقوقی کافی است. مبنای قاعده را نیز باید در مبانی عام حاکمیت امر مختوم، حفظ نظم عمومی، ضرورت اجتناب از صدور آرای معارض و اختیارات گسترده مرجع کیفری در امر اثبات جست وجو نمود.

**کلیدواژه ها:** اعتبار امر قضاوت شده، آرای معارض، آرای کیفری، دعوای حقوقی.

## ۱. مقدمه

دعوای حقوقی مقتضی وحدت رویه در مراجع قضایی است. در راستای اجرای قاعده حجیت آرای کیفری در دعوای حقوقی، ممکن است که رأی کیفری به عنوان ادله در محکمه حقوقی مورد استناد قرار گیرد. در واقع، ادله جرم لزوم پرداخت خسارت از جانب متهم و میزان آن را مشخص می‌کند؛ برای مثال، ممکن است با صدور رأی دادگاه انقلاب، تظاهر به اعتیاد و شرکت زوج در قاچاق مواد مخدر اثبات شده و به همین موجب، راهی زندان شود و به موازات آن، دعوای طلاق از سوی زوجه مطرح گردد.

دعوای کیفری دارای اعتبار امر مختوم نسبت به دعوای مطروحه تحت عنوان طلاق نیست؛ لکن بدون تردید می‌تواند به عنوان اینکه دادگاه کیفری مسائل حقوقی را پردازش می‌کند، صرفاً به واسطه استقلال حقوق کیفری نیست بلکه اصالت حقوقی ایجاب می‌نماید که قاضی در کنار مسائل کیفری، موضوعات حقوقی را مورد توجه قرار دهد و این، حق و تکلیف مقام قضایی کیفری شناخته می‌شود. نتایج عاید از بخش های متفاوت نظام حقوقی حاکی از اعمال نتایج دادرسی در دگر بخش ها در طریقینی اعم از تحقیقی و اثباتی در حدود قواعد اثبات برای مدلل نمودن دعوا است (خدابخشی، ۳۰۹) تحمیل اعتبار امر مختوم کیفری در



در چنین موردی، هرچند رأی مرجع ادله اثبات در عسر و حرج زوجه مورد استناد قرار گیرد. بر اساس ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی صدور رأی قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند، دادگاه مدنی را ملزم می‌کند تا تصمیم خود را بر اساس رأی قطعی کیفری، بنا نماید (مهاجری، ۳۸۸). سرانجام قانون‌گذار ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را در مقام بیان قاعده حجیت آرای کیفری وضع نمود که مقرر می‌دارد: هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم الاتباع است. بدین ترتیب، قاعده حجیت آرای کیفری در دعاوی مدنی از سوی قانون‌گذار مورد پذیرش قرار گرفته است؛ صاحب نظران علم حقوق گرچه به صورت پراکنده در مورد مبانی حاکمیت رأی کیفری در دعاوی مدنی اشاراتی داشته‌اند؛ لکن تا حدی به مختصرگویی بسنده شده که پاسخگوی دغدغه‌های موجود در این زمینه نبوده. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که با بررسی جامع قوانین و رویه‌های قضایی جاری مذاقه در آرای صادره محاکم و با پشتوانه اصول و مقررات حقوقی، ابهامات و چالش‌های موجود در زمینه مزبور را شناسایی نموده و مبانی قاعده لزوم تبعیت دادگاه حقوقی از رأی قطعی کیفری را تبیین نماییم تا از این طریق بتوان از اختلاف نظرهای موجود در جامعه حقوقی، علی‌الخصوص در بین محاکم قضایی حدالامکان کاست.

## ۲. مفهوم رأی کیفری

حقوق‌دانان تعریف‌های متعددی برای رأی کیفری بیان کرده‌اند، برای نمونه؛ رأی اعلان اراده قانون به وسیله قاضی است که نتیجه قانونی درباره یک واقعه بیان می‌گردد تا طرفین دعوا پایبند به آن شوند. (زراعت، ۳۱۷) در یک تعریف ساده، رأی کیفری آخرین اقدامی است که قاضی دادگاه در رسیدگی به اتهام انجام می‌دهد (مدنی، ۴۲۰) روند پرونده کیفری اصولاً به دادگاه کیفری خلاصه نمی‌شود، بلکه طبق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی بر عهده دادسرای عمومی و انقلاب بوده و در راستای مواد ۷۹، ۸۱، ۲۶۵ و ۲۶۷ قانون مذکور، رأی دادسرا در قالب قرار صادر می‌گردد. هر چند برخی از جرائم مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شوند؛ لکن با در نظر گرفتن صلاحیت عام دادسرا، موضوعات مطروحه در این مرجع، بستر رسیدگی و صلاحیت محکمه کیفری را ایجاد می‌کند. رأی دادسرا می‌تواند در قالب قرار جلب به دادرسی، قرار منع تعقیب یا قرار موقوفی تعقیب باشد و رأی دادگاه کیفری نیز می‌تواند به صورت حکم محکومیت، حکم برائت، قرار منع تعقیب یا قرار موقوفی تعقیب صادر گردد.

### ۳. مفهوم دعوای حقوقی تبعی

دعوای حقوقی تبعی به عنوان ادعایی در نتیجه آسیب ناشی از بزه تعریف میشود که به موجب آن، مدعی میتواند خسارت ناشی از جرم را از مجرم مطالبه کند. دعوای موصوف به نحوی به دعوای عمومی منوط است که میتوان گفت منشأ هر دو دعوا واحد است از طرفی، قاضی مدنی نتیجه دادرسی خویش را تابع نتیجه دادرسی مرجع کیفری میبیند که سابقاً به جنبه مجرمانه رفتار رسیدگی کرده است؛ مبنای دعوای حقوقی تبعی، مسئولیت مدنی ناشی از جرم و الزام بزهکار به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است که موجب تحقق عدالت ترمیمی گردیده است.

### ۴. خصیصه قاعده حجیت رای کیفری

حاکمیت رأی کیفری بر دادرسی مدنی، ناشی از امکاناتی است که مراجع کیفری برای دستیابی به حقیقت در اختیار دارند در نتیجه، تصمیمات چنین مراجعی نباید از سوی مراجع دیگر مورد تردید قرار گرفته یا نادیده انگاشته شود (آشوری، ۲۳۷) تفحص پیرامون قاعده حجیت رای کیفری در دعوای حقوقی، تأمل در مبانی، شرایط و جایگاه اعمال قاعده را ایجاب مینماید؛ حاکمیت رأی کیفری بر دعوای مدنی، نشان میدهد که دعوای کیفری به دلیل آنکه بر نظم عمومی تعلق دارند، نسبت به دعوای مدنی که از منافع شخصی حمایت کرده و موضوع و آثار آنها از حقوق مالی افراد فراتر نمیرود، اهمیت بیشتری دارند.

#### ۴-۱ اطلاق امر مختوم کیفری

پاسخ به این سؤال که رأی مراجع کیفری مؤثر در دعوای حقوقی میباشد یا خیر، نیاز به بررسی شرایط اعمال قاعده دارد. فی الواقع، مراد از مطلق بودن قاعده، مسلط دانستن همه نتایج رسیدگی مرجع کیفری در مرجع حقوقی نیست؛ بلکه منظور آن است که در صورت حصول شرایط اعمال قاعده، نتیجه مورد نظر در مرجع کیفری نسبت به تمام کسانی که در دادرسی حقوقی شرکت دارند، اعمال شود، حتی اگر در دادرسی کیفری سابق حضور نداشته باشند. اعتبار امر قضاوت شده کیفری در دعوای حقوقی مطلق است و این اطلاق در مورد طرفین، موضوع و سبب دعوا اعمال هم میشود. ماهیت دعوای حقوقی هر چه باشد، تفاوتی در اطلاق اعتبار امر قضاوت شده نمیکند. در هیچ فرضی، قاضی مدنی نمیتواند ادعای اشتباه بودن رأی کیفری را داشته باشد، حتی اگر دعوای مدنی از نوع مسئولیت مدنی و جبران خسارت باشد (خدابخشی، ۳۱۵). اعتبار احکام کیفری در دعوای حقوقی منوط به هیچ یک از شرایط اتحاد طرفین، موضوع و سبب دعوا نیست و به همین جهت نیز آن را مطلق میگویند (کاتوزیان، ۵۷۰). با اعمال قاعده، نتیجه حاصله از رسیدگی قاضی کیفری، وصف آمرانه به خود میگیرد و قاضی حقوقی در صورت حصول اطلاع و احراز شرایط الزم، باید از رأی مرجع کیفری تبعیت کند ولو طرفین به آن استناد ننموده باشند.

#### ۴-۲ آمره بودن

در حقوق ایران، تردیدی در آمره بودن قاعده وجود ندارد و با تصویب ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ابهام جزئی سابق در میان حقوقدانان رفع گردیده است؛ در صورتی که رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی میکند، لازم الاتباع خواهد بود (دیبانژاد و شایسته، ۸۴) از طرفی، عنصر قانونی که مؤید قاعده میباشد، نیز در ردیف مواد قانون امری آیین دادرسی کیفری درآمده است.



## ۵. مبانی حجیت رأی کیفری در دعوای حقوقی

اگر به استناد آن دعوای حقوقی اقامه شده و یا بشود، طرفی که سند علیه او ابراز گردیده میتواند با استناد به رأی نهایی مرجع کیفری و تأکید بر جعلی بودن تمام یا قسمتی از سند، از آثار سند مزبور و یا قسمت مجعول آن رها شود؛ زیرا دادگاه حقوقی مکلف است از حکم دادگاه کیفری درباره اصالت یا جعلیت سند تبعیت کند (شمس، ۱۸۷) تأثیر رأی قطعی کیفری در دعوای حقوقی، محدود به دعوای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نبوده، بلکه شامل دعوای حقوقی دیگری که اعمال تشکیل دهنده آن در حکم کیفری احراز گردیده است، نیز میشود. (خالقی، ۴۵)

علاوه بر ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ گویای قاعده حجیت رأی کیفری در دعوای مدنی است. طبق ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹؛ اگر شخصی ادعا داشته باشد که سندی به زیان او جعل شده و این امر را موضوع شکایت کیفری قرار دهد و یا دادسرا با آگاهی از ارتکاب جعل، فاعل را تحت پیگرد کیفری قرار دهد، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به اصالت یا جعلیت سند در مرجع کیفری، طبق آیین دادرسی کیفری به عمل می آید و هرگاه دادرسی کیفری منتهی به صدور رأی نهایی مبنی بر جعلیت سند گردد، سند مزبور حسب مورد جزئاً یا کلاً اعتبار خود را از دست داده و

## ۶. شرایط حجیت رأی کیفری در دعوای مدنی

تعارض رأی کیفری و مدنی زمانی محتمل است که موضوع رسیدگی شده در دادگاه جزائی، دوباره در دادگاه حقوقی مطرح شود و مدعی اثبات امری را در نزد دادگاه حقوقی بخواهد که در مرجع کیفری نفی شده است یا اینکه امری را نفی کند که در دادگاه کیفری اثبات شده است. در این صورت، زمینه صدور دو رأی متعارض فراهم می آید و تفوق رأی کیفری بر تصمیم دادگاه حقوقی مانع از طرح مجدد دعوا خواهد بود. حاکمیت رأی کیفری بر دعوای حقوقی وقتی تحقق می یابد که پاره ای از اسباب و شرایط خاص وجود داشته باشد و به طور کلی، اعتبار آرای کیفری نسبت به دعوای مدنی مشروط به آن است که از یک طرف، رأی قطعی کیفری صادر شود و از طرف دیگر، میان این رأی و امری که بعداً در دعوای مدنی مطرح میشود، زمینه وحدت فراهم باشد.

## ۱-۶. ضرورت وجود امر قضاوت شده کیفری

در خصوص محکمه صادرکننده رأی و نیز راجع به ماهیت رأی، وجود اوصافی لازم است تا این حاکمیت برای رأی کیفری تحقق یابد؛ ملاک برای اعمال قاعده، کیفری بودن رأی، صرف نظر از محکمه صادرکننده آن میباشد، بنابراین، لازم است رأی کیفری از هر محکمه ای که صادر میشود، در دعاوی مدنی معتبر باشد؛ اما این اعتبار به ویژه در خصوص احکام صادره از محاکم خارجی قابل تأمل است. وقتی که دعوای کیفری سابقاً در دادگاه خارجی منتهی به صدور رأی شده باشد و سپس، دعوای حقوقی مرتبط با آن در دادگاه داخلی اقامه گردد، دادگاه ملی الزامی به تبعیت از رأی کیفری دادگاه خارجی نخواهد داشت و رأی دادگاه حقوقی ولو مغایر با رأی کیفری محکمه خارجی باشد، با نظم عمومی داخلی منافات نخواهد داشت. با احراز شرایط قانونی، اعتبار امر مختوم کیفری نسبت به رأی محکمه خارجی نیز مورد پذیرش واقع شده است (مصدق، ۶۴) تحت این شرایط، به نظر میرسد که حاکمیت امر مختوم کیفری در دعوای مدنی نسبت به آرای صادره از محاکم کیفری بیگانه نیز قابل پذیرش می باشد.

## ۲-۶. لزوم صدور رأی از مرجع کیفری

اصولاً حکمی که در پایان رسیدگی به یک اتهام توسط مرجع قضایی صالح صادر و طرق عادی اعتراض نسبت به آن پیموده و یا ترک شده باشد، صحیح محسوب شده و مفاد آن اعم از محکومیت یا برائت، درخصوص آن موضوع، معتبر تلقی میگردد (خالقی، ۱۳۷)

## ۷. بحث و نتیجه گیری

ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیانگر قاعده مزبور است لیکن ابهام موجود در متن ماده باعث تفسیرهای حقوقی مختلف در باب گستره اعمال قاعده شده است. تأثیر رأی قطعی کیفری در دعاوی حقوقی، محدود به دعوای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نبوده و شامل دعاوی حقوقی دیگری که اعمال و وقایع تشکیل دهنده مبنای آن قبلاً در رأی کیفری احراز گردیده، نیز می شود. مع هذا، هر رأیی که از مرجع کیفری صادر و قطعی میگردد، دارای اعتبار مطلق نسبت به دعوای مدنی نمیشود؛ بلکه برتری موصوف وقتی تحقق مییابد که پاره ای از شرایط، از جمله تأثیر رأی کیفری در ماهیت دعوای مدنی، محقق باشد؛ حال با وجود شرایط و صدور حکم محکومیت از سوی قاضی کیفری در مورد ارتکاب بزه، قاضی رسیدگی کننده به دعوای حقوقی مرتبط، نمیتواند رأیی صادر نماید که با تصمیم کیفری در مورد وجود جرم، وصف آن و محکومیت مباشر بزه، در تناقض باشد؛



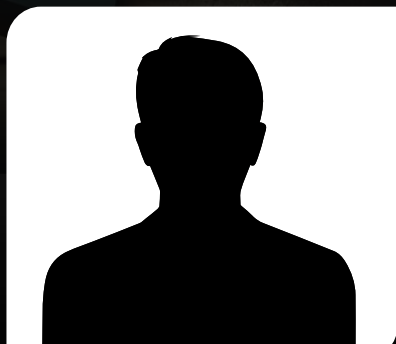
بنابراین، قاضی مدنی حق ندارد خواسته ضرر و زیان ناشی از جرم را به بهانه اینکه جرمی واقع نشده است یا منتسب به مجرم نمی‌باشد را رد نماید، بلکه ضروری است که از رأی کیفری تبعیت نماید. اعمال قواعد دعوای مدنی تبعی توانسته است میان مجازات مجرم که حق محض جامعه بوده و نیز جبران خسارت که حق بزه دیده می‌باشد، تمایز قائل شود. هر چند در مورد حجیت آرای کیفری در دعوای مدنی نص ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد لکن قانونگذار به صراحت، شرایط و قلمرو اجرای قاعده را تبیین ننموده است و همین ابهامات موجب گردیده تا زمینه بروز اختلاف نظر در رویه قضایی و دکترین فراهم گردد. مهم ترین مبانی قاعده حجیت رأی کیفری در دعوای حقوقی را میتوان در جلوگیری از تجدید دعوای، اجتناب از صدور آرای متعارض، حفظ نظم عمومی، گستردگی ادله اثبات در امور کیفری و اختیارات وسیع مرجع کیفری در زمینه اثبات خلاصه نمود. از حیث قلمرو قاعده نیز میتوان پذیرفت که حکم صادره مبنی بر برائت یا محکومیت متهم و قرارهای ماهوی نهایی مشتمل بر قرار منع یا موقوفی تعقیب که به موجب آن امر موضوعی مؤثر در دعوای مدنی اثبات یا نفی گردیده است، باید در دادگاه حقوقی محترم شناخته شود و رأی دادگاه حقوقی نمیتواند از جهات مزبور با رأی قطعی کیفری مغایرت داشته باشد.

## منابع

- آشوری، محمد ، ۱۳۸۶، آیین دادرسی کیفری ، جلد اول ، چاپ دوازدهم ، تهران: انتشارات سمت.
- اسدی، لیلیا سادات ، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری؛ کلیات - ضابطین ، تهران: انتشارات فکر سازان.
- اصغری آق مشهدی، فخرالدین؛ ایثاری، مهدی ، ۱۳۹۲، تأثیر متقابل اعتبار امر مختوم در رسیدگی های حقوقی و کیفری ، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی ، شماره ۶۱ ، ص ۱۱-۳۲.
- اکبری، بهنام ، ۱۳۹۶ ، آیین دادرسی کیفری ، جلد اول ، تهران: انتشارات مجد.
- الهی منش، محمدرضا، رحیمی، محمد مهدی ، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری ، جلد اول ، چاپ دوم ، تهران: انتشارات مجد.
- بایرامی آرباطان، رامین ، ۱۳۹۵ ، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی ، تهران: انتشارات مجد.
- تقی‌زاده، ابراهیم؛ هاشمی، سید احمدعلی ، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی ، چاپ چهارم ، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جوانمرد، بهروز، ۱۳۹۰ ، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران ، چاپ دوم ، تهران: انتشارات بهنامی.
- حاجی تبار فیروز جایی، حسن، ۱۳۹۵ ، آیین دادرسی کیفری کاربردی ، تهران: انتشارات میزان.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۲، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی ، چاپ سوم ، تهران: نشر میزان.
- خالقی، علی، ۱۳۹۵ ، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری ، چاپ ششم ، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خدابخشی، عبدالله ، ۱۳۸۹ ، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری ، تهران: انتشارات شهر دانش.
- دیبانه‌زاد، محسن؛ شایسته، یعقوب ، ۱۳۹۴ ، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم کنونی ، تهران: انتشارات مجد.
- زراعت، عباس، ۱۳۹۱ ، محشای قانون آیین دادرسی مدنی. ، چاپ چهارم ، تهران: انتشارات ققنوس.
- سلیمی، صادق؛ بخش‌زاده اهری، امین، ۱۳۹۵، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چاپ چهارم ، تهران: انتشارات جاودانه.
- شمس، عبدالله ، ۱۳۹۳ ، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته ، جلد سوم ، چاپ بیست و پنجم ، تهران: انتشارات دراک.
- طهماسبی، جواد، ۱۳۹۶ ، آیین دادرسی کیفری ، جلد سوم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲ ، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی. چاپ نهم. تهران: نشر میزان
- گاستون، استفانی؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار، ۱۳۷۷ ، آیین دادرسی کیفری ، ترجمه حسن ادیبان ، جلد دوم ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



# بررسی تناسبِ خیارات قانونی و مکانیزم‌های بازار در تجارت الکترونیک



**ابوالفضل حبیبی<sup>۲</sup>**  
دانشجوی کارشناسی حقوق  
دانشکده ادبیات و علوم  
انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی

۱. توصیف و بررسی عملکرد یک دستگاه یا مراحل مختلف یک واکنش یا رخداد یک پدیده، ساز و کار.  
۲. دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.  
([gmail.com@Aboalfazlasdl۳۸۳](mailto:gmail.com@Aboalfazlasdl۳۸۳))



## چکیده

تجارت الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دنیای پیچیده فناوری اطلاعات، نیازمند بررسی دقیق و کاربردی-تفهیمی از منظر فقه و حقوق است. در این راستا، مقتضیات فقهی شامل تطبیق اصول و قواعد شرعی با معاملات الکترونیکی و کنشگری های تجاری در بستر فناوری اطلاعات است که به دلیل نوظهور بودن این نوع تجارت و فناوری، چالش‌های متعددی را به همراه دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تعیین صحت و بقای قراردادهای الکترونیکی با توجه به بررسی ساز و کارهای بازار و تناسب اختیارات قانونی و شرعی در این معاملات اشاره کرد.

از سوی دیگر، همچنین به طور گسترده می‌توان به اقتضائات حقوقی مکانیزم های بازار در تجارت الکترونیک که نیز از دغدغه های مشتریان است اشاره کرد که شامل مسائل مربوط به امنیت و حفظ حریم خصوصی اشخاص و سازمان ها، اعتبار اسناد الکترونیکی در بازار، روابط متصوره بازار در تجارت الکترونیک و نحوه اجرای قوانین مرتبط و تناسب اختیارات در تجارت الکترونیک است. این چالش‌ها نیازمند تدوین قوانین جامع، به روز و کاربردی است که بتواند پاسخگوی نیازهای روزافزون این حوزه در جوامع باشد. همچنین، بررسی هماهنگی داخلی و ساختاری فقه و حقوق در زمینه قوانین و چالش های یاد شده تجارت الکترونیک نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**کلمات کلیدی:** تجارت الکترونیک، قراردادهای الکترونیک، احتکار الکترونیکی، حفاظت از حریم خصوصی، مکانیزم های بازار

با پیشرفت تکنولوژی و افزایش استفاده از اینترنت، تجارت الکترونیک به عنوان یکی از مهم‌ترین و پررونق‌ترین بخش‌های اقتصادی جهان شناخته شده است. این نوع تجارت با ارائه فرصت‌های نوین برای کسب و کارها و مصرف‌کنندگان، تأثیرات عمیقی بر بازارهای جهانی داشته و باعث تغییراتی اساسی در نحوه تبادل کالا و خدمات شده است. تجارت الکترونیک<sup>۳</sup> به معنای استفاده از فناوری‌های دیجیتال<sup>۴</sup> برای انجام معاملات تجاری است. این نوع تجارت شامل خرید و فروش کالاها و خدمات از طریق اینترنت و سایر شبکه‌های الکترونیکی می‌شود. با گسترش اینترنت و فناوری‌های ارتباطی، تجارت الکترونیک به یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تجارت در دنیای کنونی تبدیل شده است. این نوع تجارت نه تنها سرعت و کارآمدی معاملات در بستر اینترنت را افزایش می‌دهد، بلکه هزینه‌های مرتبط با تجارت سنتی و معایب کلان آن را نیز کاهش می‌دهد. اهمیت تجارت الکترونیک در دنیای امروز غیرقابل انکار است؛ چرا که این نوع تجارت امکان دسترسی به بازارهای جهانی را برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط فراهم می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با شرکت‌های بزرگ رقابت کنند و نیز دولت‌ها را برای رقابت بیشتر در عرصه بین‌المللی تحریک می‌کند. خیارهای قانونی به مجموعه‌ای از ابزارهای حقوقی اطلاق می‌شود که به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد تا در صورت نقض حقوقشان، اقدام به فسخ قرارداد یا پیگیری حقوق خود نمایند. این خیارها شامل مواردی مانند خیار عیب، خیار غبن، خیار تدلیس و خیار شرط است. در تجارت الکترونیک، این ابزارها اهمیت ویژه‌ای دارند چرا که مصرف‌کنندگان ممکن است با مشکلاتی همچون عدم تطابق کالا با توضیحات، کیفیت پایین محصولات، و نقض حریم خصوصی مواجه شوند. خیارهای قانونی این امکان را به مصرف‌کنندگان می‌دهد تا با استفاده از قوانین موجود، از حقوق خود دفاع کنند و اعتماد خود را به بازارهای الکترونیکی حفظ نمایند.

در روند اقتصاد مدرن ایران، تجارت الکترونیک نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. با توجه به پیشرفت فناوری‌ها و کثرت افراد آشنا به فناوری در کشور، استفاده از تجارت الکترونیک به سرعت در حال افزایش است. این روند نه تنها به افزایش درآمد کسب‌وکارها کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی نیز ایجاد می‌کند و می‌تواند از لحاظ اقتصادی برای کشور سودمند باشد. با این حال، برای استیفای کامل از ظرفیت‌های تجارت الکترونیک در هر جامعه‌ای، نیاز به زیرساخت‌های مناسب و تدوین شایسته قوانین حقوقی و حمایتی برای ارتقا و کنترل این نوع از تجارت وجود دارد. مکانیزم‌های بازار، شامل رقابت، شفافیت اطلاعات و نظارت بر عملکرد فروشندگان، ابزارهایی هستند که به بهبود کارکرد بازار و افزایش اعتماد مصرف‌کنندگان کمک می‌کنند. رقابت سالم بین فروشندگان باعث افزایش کیفیت محصولات و خدمات شده و شفافیت اطلاعات موجب می‌شود مصرف‌کنندگان بتوانند با اطمینان بیشتری تصمیم‌گیری کنند. نظارت مستمر بر عملکرد فروشندگان نیز تضمین می‌کند که حقوق مصرف‌کنندگان رعایت شود و هر گونه تخلف یا نقض مقررات به سرعت شناسایی و مورد پیگیری قرار گیرد.

بررسی قاعده مند ترکیب اصولی خیارهای قانونی و مکانیزم‌های بازار می‌تواند به ایجاد یک محیط تجاری امن و قابل اعتماد کمک کند. این ترکیب موجب می‌شود که مصرف‌کنندگان با اطمینان بیشتری از خدمات الکترونیکی استفاده کنند و در صورت بروز هر گونه مشکل یا تخلف، بتوانند به سرعت حقوق خود را پیگیری کنند. در نتیجه، افزایش اعتماد به تجارت الکترونیک نه تنها باعث رشد و توسعه این بخش از اقتصاد می‌شود بلکه به بهبود رضایت مصرف‌کنندگان و تقویت حقوق شهروندی کمک می‌کند.

## ■ **خيارات قانونی**

خيارات قانونی اصطلاحی است که در زمان فسخ قراردادهای منعقد شده و در ماهیت قوانین مربوطه خود مطرح می‌گردد. در فقه و حقوق، خيارات مختلفی مانند خيار مجلس، خيار شرط، و خيار عيب و غيره وجود دارد که هر کدام شرایط و احکام خاص خود را دارند. این خيارات در تجارت الکترونیک نیز که در آن قرارداد هایی تشکیل میشود، باید رعایت شوند. به عنوان مثال، امکان اعمال خيار مجلس که به عنوان حق فسخ معامله در همان جلسه عینی اشاره دارد در معاملات الکترونیکی نیز باید مورد توجه قرار گیرد، هرچند که مفهوم جلسه در این نوع معاملات ممکن است متفاوت باشد. در ادامه به چگونگی وجود و اعمال برخی از خيارات و چالش های آن های در دنیای تجارت الکترونیک می پردازیم.

## ■ **انواع خيارات مهم در قراردادهای الکترونیکی**

**۱. خيار مجلس:** در قراردادهای الکترونیکی<sup>۵</sup>؛ به دلیل عدم حضور فیزیکی طرفین، خيار مجلس به شکل سنتی و شکلی قابل اعمال نیست؛ زیرا در خيار مجلس ما با مجلس و نشستی روبرو هستیم که عیناً طرفین معامله یکدیگر را می بینند و بصورت فیزیکی در تعامل هستند. اما برخی حقوقدانان معتقدند که می‌توان این خيار را به صورت مجازی و با توجه به ارتباط فکری-معنوی بین طرفین تفسیر کرد که این نظریه مطابق برخی از آرا چندان قابل دفاع نیست. حال در تشریح شرایط ایجاد این خيار باید توجه کرد که مراد از لفظ مجلس، صورت فیزیکی جلوس یا نشستن طرفین نیست؛ بلکه ممکن است در عقد قرارداد های سنتی طرفین در حال راه رفتن یا در وضعیت دیگری قرار بگیرند.

در اضافه‌ی کلمه خيار به مجلس این چنین نیست که خود جلوس، که ماده‌ی مجلس هست، چنین خصوصیتی داشته باشد و خيار مجلس معنایش این نیست که خياری که منشأش جلوس و حالت نشستن باشد، بلکه مراد از خيار مجلس یعنی آن خياری که متبایعین و متعاقدین در حال عقد دارند، لکن چون حال عقد غالباً همراه با جلوس است، پس جلوس فرد به مثابه قالب عقد این است که متعاقدین یک جا می‌نشینند و عقد را اجرا می‌کنند، لذا از آن به خيار مجلس تعبیر می‌کنند. بنابراین لفظ جلوس و نشستن در باب خيار مجلس خصوصیتی ندارد، بلکه مراد از خيار مجلس، یعنی خيار در حال انعقاد عقد، حالا حال چه متعاقدین ایستاده باشند، یا نشسته باشند یا در وضعیت دیگر، مراد از خيار مجلس، یعنی خياری که منشأش عقد است، ولو اینکه حتی در مکان واحد هم نباشد و یکی بگوید: «بعثت» و دیگری بگوید: «اشتریت»، در این فرض هم که از مکان دور با یکدیگر صیغه‌ی عقد را جاری می‌کنند، باز هم محققاً خيار مجلس معنا دارد. حتی بالاتر که شیخ (ره) هم بعداً این را بیان می‌کنند، ولو اینکه در اینجا اشاره نمی‌کنند - مراد از خيار حال عقد یعنی اینکه هیئت اجتماعی متعاقدین در حال عقد برقرار باشد، به طوری که اگر دو نفر با هم عقد را منعقد کردند، بعد با هم تعامل کردند به طوری که عرفاً هیئت اجتماعی‌ی در حال عقد به هم نخورد، در اینجا هم باز خيار مجلس وجود دارد. پس روشن شد که مراد از مجلس، خصوص جلوس نیست، بلکه مراد هیئت اجتماعی‌ی در حال عقد است. بعد ایشان فرموده اند: مادامی که این هیئت اجتماعی برقرار است، طرفین، یعنی هم بایع و هم مشتری خيار دارند و اگر در همان چند لحظه فکر کرده و دیدند که این معامله به مصلحتشان نیست و خواستند این معامله را به هم بزنند، تا زمانی که افتراق حاصل شود، اختیار دارند. افتراق یعنی هیئت اجتماعی‌ی حین العقد به هم بخورد، که در آن موقع خيار مجلس منقضی می‌شود. (درس خارج آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲)

در فرضی مثل انعقاد عقد از طریق تلفن همراه می توان قائل بر عدم این خیار شد؛ اما با پیشرفت های دیجیتال که روزانه در حال بروز رسانی نرم افزار های ارتباط از راه دور به وسیله تماس تصویری و از این قبیل امکانات هستند و تا حد خیلی زیادی مفهوم مجلس را به ما می رسانند. ثانیاً بر اساس مبانی وجودی این خیار میتوان با کمی مسامحه در قراردادهای الکترونیکی که داد و ستد به مثابه تشکیل در یک اتاق و یا یک مجلس معنوی به معنای مجلس الکترونیکی منعقد شده و افراد به صورت دیجیتالی در آن فضا و یا مجلس مذکور حضور داشته و می توانند نسبت به بیان اظهارات و یا حتی تصاویر زنده خود اقدام و اظهارات دیگران را نیز رویت نمایند، خیار مجلس را ثابت دانست و یا به عبارت دیگر در صورت اینکه طرفین قرارداد از آن رابطه و یا اتاق فکری و معنوی که مبنای تشکیل قرارداد آنها بوده خارج شوند خیار مجلس نیز در قرارداد آنها زایل می شود. در این فرض متصوره اعمال این خیار منوط به خروج هر نفر از آن فضا به هر نحو خواهد بود؛ مگر اینکه مراد از حضور را مشروط بر حضور واقعی طرفین در مجلس حقیقی تلقی نمود. بنا بر نظری دیگر برای تمامی انواع قراردادهای الکترونیکی می توان قائل به وجود خیار مجلس شد و همچنین می توان با بررسی اوضاع و شرایط عقدی که با استفاده از این فناوری ها منعقد شده است، قائل بر وجود این خیار در مقام ثبوت در قراردادهای الکترونیکی در بستر فناوری های دیجیتال شد؛ حال این نظر مستلزم تعمق فکری و استدلالی هرچه بیشتر علمای حقوق می باشد.

**۲. خیار عیب:** این خیار در قراردادهای الکترونیکی نیز قابل اعمال است، اما به دلیل عدم امکان رویت فیزیکی کالا قبل از خرید، اثبات عیب ممکن است چالش برانگیز باشد. زیرا در خیار عیب، عیب باید حین عقد موجود و مخفی باشد و در دنیای امروزه دیجیتال امکان احراز این شرط در بسیاری از موارد محقق نیست؛ مثلاً طرفین نمی توانند آن اعتماد و ثقایتی که در دنیای حقیقی داشته را نیز در دنیای مجازی و دیجیتال تسری بدهند و از این به دلیل عدم اعتماد و مخفی کردن عیوب از جانب بایع باعث تحقق این خیار می شود و امکان اعمال و استناد آن در معاملات الکترونیکی وجود دارد. ولی در حالت کلی خیار عیب نسبت به تمامی قراردادهای الکترونیکی به دلیل وجود کالا و همچنین امکان تغیر وجودی و یا مراتبی در انواع و اقسام کالاها بصورت طبیعی قابلیت اعمال دارد مگر اینکه فروشنده در ابتدای معامله این خیار را از خود رفع کرده باشد.

**۳. خیار تدلیس:** در صورتی که یکی از طرفین اطلاعات نادرست یا گمراه کننده ای ارائه دهد و یا همچنین در در دنیای امروزه که در تجارت الکترونیکی و قراردادهای اینترنتی که تبلیغات به عنوان یکی از ارکان ضروری و عامل جذب مشتری در انجام مبادلات کالا ها تلقی می گردد و همین شرایط امکان تدلیس و نیرنگ را بالا می برد، تخفقا خیار تدلیس قابل اعمال است. این خیار در قراردادهای الکترونیکی نیز به دلیل امکان ارائه اطلاعات نادرست به صورت آنلاین اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا در دنیای امروزه و مخصوصاً در کشور ما به دلیل عدم نظارت صحیح بر کسب و کار های اینترنتی و رواج فریب کاری در معاملات در بستر فناوری های دیجیتال در بسیاری از موارد بایع مشتری را فریب داده و حق فسخ از طریق این خیار برای مشتری پدید خواهد آمد.



# CYBER CRIME

**۴. خیار تخلف از شرط:** بطور کلی و بلا استثنا در همه قراردادهای به خصوص قرارداد های الکترونیکی، اگر یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند از خیار تخلف از شرط استفاده کند. این خیار یقیناً در قراردادهای الکترونیکی نیز معتبر است؛ بدین گونه که خیار تخلف از شرط به مفهوم انتخاب یا انجام یک عمل غیرمستعارف یا غیرقانونی توسط طرف یک قرارداد است به منظور اجتناب یا دور زدن از برخورد با تبعات منفی یا عواقب آن قرارداد. در واقع، این خیار برای کسانی اعمال می‌شود که یک شرط معین در قرارداد را نادیده بگیرند یا نقض کنند؛ که این عمل می‌تواند به منظور کسب منفعت یا جلوگیری از صدور تبعیضات منفی باشد. به عنوان مثال، اگر یک شخص به عنوان شروط قراردادی توافق کرده باشد که باید مقدار خاصی پول را در فلان درگاه اینترنتی پرداخت کند تا خدماتی را دریافت کند، اما این شخص به دلایلی قصد دارد این پرداخت را انجام ندهد یا بصورت حضوری انجام دهد، ممکن است از خیار تخلف از شرط استفاده شود. این فرد نیز ممکن است با تغییر یا اعمال نادرست اطلاعات، اقدام به تقلب یا سو استفاده از ضعف سیستم کند تا از پرداخت پول جلوگیری کرده و همچنین از تبعات حقوقی و مالی این عمل بگریزد. در این مثال و مسئله فوق حق اعمال خیار موجود است.

**۵. خیار رویت و تخلف وصف:** در قراردادهای الکترونیکی، به دلیل عدم امکان رویت فیزیکی کالا، این خیار ممکن است به چالش کشیده شود؛ چون ماهیت این خیار مربوط به اوصاف اساسی مبیع است و در حالتی که این خیار ویژه تمام قرارداد هاست نیز صادق است. همچنین هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و به اعتماد رویت سابقش آن را مورد معامله قرار دهد و بعد از رویت ثانویه معلوم شود که اوصاف سابق را ندارد اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.<sup>۱</sup> اما اگر کالا با اوصافی که در قرارداد ذکر شده مطابقت نداشته باشد یا تخلف از وصف مورد منظور انجام شده باشد، این خیار قابل اعمال است؛ مثلاً در موردی خریدار در سایتی یک عدد موتور سیکلت را خریداری کرده و عقد الکترونیکی منعقد شده است، حال در تحویل موتورسیکلت به مشتری، به جای رنگ یا وصف خاصی مثل توربو بودن آن، وصف دیگری که منظور مشتری نبوده است وجود داشته است. در اینجا حق اعمال این خیار ثابت است.

۱. ماده ۱۰ قانون مدنی: هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن، اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد، مختار می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید.  
نکته: در صورتی که کسی مالی را ندیده باشد و فقط به توصیف بایع یا شخص ثالث آن را بخرد و بعداً معلوم شود که مبیع دارای اوصافی که ذکر شده است نمی‌باشد، طبق ماده ۱۰ قانون مدنی مشتری می‌تواند آن را فسخ نماید و یا به همان نحو قبول کند و نمی‌تواند مطالبه تفاوت قیمت را بنماید زیرا در مقابل اوصاف مبیع قسمتی از ثمن قرار نگرفته است تا در صورت فقدان بتوان استرداد آن قسمت از ثمن را از بایع خواست.  
همچنین ماده ۱۴ قانون مدنی اشعار می‌دارد که: در بیع کلی خیار رویت نیست و بایع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرر بین طرفین باشد، یعنی خیار رویت و تخلف از وصف فقط در مبیع معین و در حکم معین وجود دارد و در مبیع کلی مصداق ندارد. و ایضاً در صورتی که الزام فروشنده به تسلیم مبیع (مبیع کلی) میسر نگردد خریدار می‌تواند به استناد خیار تعدر تسلیم معامله را فسخ نماید.

۶. **خيار غبن:** به معنای حق فسخ معامله به دلیل عدم تعادل فاحش بین عوضین است. می توان گفت که در قراردادهای الکترونیکی، این خيار زمانی مطرح می شود که یکی از طرفین معامله زمانی متوجه شود که به دلیل تفاوت قابل توجه در ارزش کالا یا خدمات و یا محصولاتی که ارزش وجودی یا اعتباری آنها منوط به اعتبار سنجی از دستگاه یا نهاد خاصی است و بعضا به دلیل شهرت عرفی آنها را تضمین شده میدانند، متضرر شده است. در مثالی می توان را متذکر شد که تعادل عوضین در دنیای دیجیتال مانند دنیای حقیقی نیست و بعضا یک روش یا یک نوع عرف مجازی غلط می تواند مشتری را در احراز تعادل ارزش آن نوع کالا و خدمات دچار اشتباه کند.

۷. **خيار تعذر تسليم:** به معنای عدم امکان تحویل کالا یا انجام خدمت مورد توافق در قرارداد است. در تجارت الکترونیک و قراردادهای الکترونیکی، این مسئله می تواند به دلایل مختلفی از جمله مشکلات فنی، محدودیت های قانونی یا موانع فیزیکی و یا سوء استفاده هایی رخ بدهد؛ مثلا در کلاهبرداری های احراز نشده و یا در سرقت های اینترنتی با این استدلال که قادر به تحویل و یا انجام کالا و خدمات نیستیم، می تواند حق اعمال رخ دهد. در این موارد، طرف متضرر می تواند قرارداد را فسخ کند یا به دنبال جبران خسارت از طریق مسئولیت مدنی باشد.

## چالش های اعمال خيارات در قراردادهای الکترونیکی

۱. **احراز هویت و امضای دیجیتال<sup>۷</sup> به عنوان لازمه اول اعمال خيار:** یکی از چالش های اصلی در قراردادهای الکترونیکی، احراز هویت طرفین و اعتبار امضای دیجیتال است که می تواند بر اعمال خيارات تاثیر بگذارد؛ چون در این مورد و مطابق قانون مدنی باید بیع یا قرارداد منوط به صحت احراز هویت طرفین و یا شرایط آنها در دنیای الکترونیکی باشد و چون اعمال خيار به دست ذوالخيار است و ذوالخيار شناخته شدن نیز منوط به احراز هویت اصیل در عقد الکترونیکی است و در حال حاضر با توجه به عدم توجه به این موضوع سو استفاده ها یا مشکلات عدیده ای در این بحث اتفاق افتاده است.

**اعتبار امضای الکترونیکی از منظر فقه و حقوق:** اهمیت بحث مطالعه امضاهای الکترونیکی بیش از پیش زمانی آشکار می گردد که در معاملات روزمره داخلی و بین المللی در بستر فناوری های دیجیتال با توجه به پیشرفت علم و وسایل نوین ارتباطی و سرعت آن در دنیای ارتباطات اسناد الکترونیکی که جایگزین اسناد کاغذی و سنتی می شوند و می بایست نسبت به این موضوع مطالعه دقیق و بررسی مبنایی به عمل آورد و این موضوع در

مبادلات داخلی و بین المللی بسیار چشمگیر می باشد. پذیرش امضای الکترونیکی دارای دو فایده مهم تمایل تجارت به تجارت الکترونیکی و افزایش اطمینان به انواع شرط لازم برای انجام معاملات الکترونیک خواهد بود که این مبانی و شرایط آنها مورد تاکید مبانی فقه امامیه می باشد؛

۷. امضای دیجیتال یکی از روش های احراز هویت در دنیای فناوری دیجیتال برای اطمینان از سندیت و یکپارچگی اسناد و اطلاعات اشخاص است. و عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده پیام» است که برای شناسایی امضاء کننده «داده پیام» مورد استفاده قرار می گیرد. (بندی ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲) معادل انگلیسی: Digital signature



به طوری که "امضاء در فقه در صورتی حجت است که یقین آور باشد. بنابراین، در صورتی که صدق انتساب امضاء به صاحب آن یقینی باشد و معلوم شود که امضاء کننده قصد انشاء داشته است، حجت است و عمل به آن نیز جایز می باشد، ولی اگر انتساب آن به صاحبش و یا قصد انشاء معلوم نباشد حجت شرعی ندارد (مجمع المسائل ج ۳، ص ۱۴۱)" در یک تقسیم بندی بر اساس ارزش اثباتی و سطح ایمنی، امضای الکترونیکی را به دو دسته ساده و مطمئن تقسیم می کنند. در بند (ی) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی ایران، امضای الکترونیکی ساده بدین گونه تعریف شده است: «امضای الکترونیکی عبارت است از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده پیام است که برای شناسایی امضا کننده داده پیام مورد استفاده قرار می گیرد. و یک امضای الکترونیکی مطمئن مطابق ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی به شرح زیر می باشد: امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:

- الف - نسبت به امضاء کننده منحصر به فرد باشد.
- ب - هویت امضاء کننده «داده پیام» را معلوم نماید.
- ج - به وسیله امضاء کننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.
- د - به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن داده پیام قابل تشخیص و کشف باشد.

در این ماده مقنن مقصود خویش از اعتبار امضای الکترونیکی را بیان کرده و با وضع لفظ مطمئن در صدر ماده قصد بر مشروعیت بخشی نوعی خاص از امضا بوده است که مقصود ثانویه اش وضع آثار حقوقی مترتب در این مورد بوده است.

**۲. اثبات و مستندسازی به عنوان لازمه دوم اعمال خیار: اثبات و مستندسازی** خیار در قراردادهای الکترونیکی به دلیل ماهیت دیجیتال آن‌ها ممکن است پیچیده تر باشد. در دنیای بی حد و مرز الکترونیک نمی توان قائل به این موضوع شد که ثبوت مدارک حاصله و آثار قراردادی بصورت عینی همانند دنیای حقیقی صورت بگیرد و یا مثلا در خرید های اینترنتی که بعضا کد پیگیری یا شماره دریافت یا صورت پرداختی در دسترس نیست، اثبات وقوع عقد الکترونیکی مورد تنازع قرار می گیرد و بدین صورت نوبت به اعمال و اثبات خیار می شود تا بر آن بحث کنیم و این یک ضعف جدی در دنیای حاضر بالاخص کشور ما می باشد. از این روی می توان به راهکار هایی مانند کپی برداری از اطلاعات خرید و یا ذخیره اطلاعات و داده ها در فضای ابری یا مطمئنی دیگر یا دیگر طرق اشاره کرد.



### ۳. ایجاب و قبول الکترونیکی<sup>۸</sup> به عنوان لازمه حکمی اعمال خیار:

یکی دیگر از مقدمات و جنبه‌های مهم فقهی و حقوقی در اعمال خیارات، ایجاب و قبول در معاملات الکترونیکی است. در فقه و حقوق، ایجاب و قبول باید به صورت واضح و مشخص انجام شود تا معامله صحیح باشد. در تجارت الکترونیک، این امر از طریق پیام‌های الکترونیکی و قراردادهای دیجیتال انجام می‌شود. بنابراین، باید اطمینان حاصل شود که این پیام‌ها و قراردادهای مطابق با اصول حقوقی هستند و هیچ گونه ابهامی در آنها وجود نداشته باشند. حال در وهله اول، ایجاب الکترونیکی از خصیصه‌های ممتازی برخوردار می‌باشد که می‌توان عمده این خصوصیات را در چند نکته عنوان کرد.

ایجاب و قبول الکترونیکی، اعلام اراده برای انشا و یا قبول از راه دور یا در فضای غیر حقیقی است. لذا در وهله اول برای حمایت مخاطبین ایجاب الکترونیکی که غالباً مصرف کنندگان هستند، قانونگذار قواعد خاصی را پیش بینی نموده است که عموماً ایجاب کننده ملزم به رعایت آن است. از جمله این قواعد می‌توان به این که ایجاب کننده در ایجاب فروش کالا و یا خدمات خود ملزم به ابراز مشخصات و نشانی، تعیین موضوع قرارداد و اوصاف آن، قیمت کالا و خدمات عرضه شده، روش پرداخت، مدت حق رجوع، مدت ضمان و خدمات بعد از فروش می‌باشد. قانونگذار ایران برای حمایت حقوق مصرف کنندگان در قراردادهای الکترونیکی مقررات خاصی را در قانون تجارت الکترونیکی پیش بینی نموده است.

بنابر ماده ۳۳ قانون یاد شده<sup>۹</sup>، فروشندگان و عرضه کنندگان کالا و خدمات ملزم به ارائه معلومات موثر در تصمیم گیری خریداران قبل از انعقاد قرارداد هستند. با استدلال بر این ماده می‌توان گفت که ایجاب الکترونیکی باید متضمن کلیه اطلاعات موثر در تصمیم گیری و قبول ایجاب باشد، اما آیا در معاملات الکترونیکی امروزه آیا همه اطلاعات موثر یا به عبارت دیگر شفافیت داده‌های قبل از اعلام ایجاب میتواند مشتری را به قبول شرعی و صحیحی که مقنن مد نظرش است راهنمایی کند؟ ثانیاً ایجاب الکترونیک در دنیای دیجیتال در قالب داده پیام صورت می‌گیرد، اما در دنیایی که امروزه پیشرفت‌های قابل توجهی را که در این فضا شاهد هستیم، بعضاً در شرایطی ایجاب‌های الکترونیکی به طور داده پیام نیستند و شرایط آن را برخوردار نمی‌باشند؛ مانند ایجاب‌هایی که در دنیای ارز دیجیتال<sup>۱۰</sup> و یا بازار رمز ارزها<sup>۱۱</sup> اتفاق می‌افتد که این نوع از ایجاب‌ها بعضاً بر اساس شرایط خوب و مطلوب بازار صورت گرفته و به قبول نیز منتهی می‌شود. حال ما در مسائل مبتلی به ایجاب و قبول الکترونیکی، مشکلی چندان در بحث قبول الکترونیکی نداریم و نکته اصلی ما در طرح این بحث این است که بعضاً در ایجاب‌های الکترونیکی اعلام اراده نقشی در تشکیل ایجاب ندارد بلکه نوسانات مطلوب بازار است که منتج به ایجاب غیر ارادی طرف قرارداد میشود، چون در این مورد نوسانات مطلوب بازار مبنای اصلی ایجاب و به تبع آن قبول الکترونیکی است. قبول الکترونیکی نیز مبتنی بر قصد پذیرش و امضای معامله است؛ ولی امروز در بسیاری از معاملات الکترونیکی شاهد هستیم که قبول الکترونیکی در دست نرم افزارها و یا در اختیار کارگزاری‌هایی است که سوای مشتری تصمیم می‌گیرند و مبنای مصلحت مشتری یا عرف این نوع از بسترها را رعایت می‌کنند در حالی که خود مشتری بعضاً از قبول خود اطلاعی نداشته یا بعداً آن را فهمیده و نزد فهم خود قبول می‌کند. این یکی از چالش‌های عصر جدید است که با گسترش تکنولوژی انسان را همانند قفس آهنین در خود زندانی کرده و به نحوی سالب اختیار آزاد و ابتکار عمل خود در قرون جدید می‌باشد که مخالف مبنای فقهی آزاد بودن و گزینش انسان در امور خود است.

۸- مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می‌باشد. و- شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، رجوع، خدمات پس از فروش.

۱۰. Digital currency .۱۰

۱۱. Cryptocurrency market .۱۱

۹. ماده ۳۳ قانون تجارت الکترونیکی: فروشندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم، شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- مشخصات فنی و ویژگیهای کاربردی کالا و یا خدمات.  
ب- هویت تامین‌کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می‌باشد و نشانی وی.  
ج- آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند.  
د- کلیه هزینه‌هایی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا و یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل، هزینه تماس).

## ۴. قراردادهای هوشمند، راحت کننده اعمال خیار:

قرارداد هوشمند یا قرارداد هوش مصنوعی یک نوع پیشرفته و جدید از قراردادهای در مبحث قرار دادهای الکترونیکی است که از فناوریهای نوینی مانند بلاک چین<sup>۱۲</sup> و هوش مصنوعی و تحلیل گر هوشمند بهره می برد تا فرآیند انعقاد، اجرا و مدیریت قراردادهای را بهبود و مدیریت کند. این نوع قرارداد از توانمندیهای دیجیتالی و فناوریهای هوشمند بهره مند است و امکاناتی مانند اجرای خودکار تعهدات، ذخیره اطلاعات به صورت امن در بلاک چین، و شفافیت بیشتر را به ارمغان می آورد. یکی از ویژگیهای مهم قراردادهای هوشمند، توانایی اجرای خودکار شرایط قراردادی است. این به این معناست که با اتفاق وقوع یک حادثه یا تغییر در شرایط، قرارداد به صورت اتوماتیک و بدون نیاز به دخالت انسانی تغییرات لازم را اعمال می کند. همچنین، برخی از قراردادهای هوشمند از قابلیت هويت تعهدات دیجیتالی استفاده می کنند که امکان شناسایی و اثبات هويت طرفین را تسهیل می کند. با استفاده از بلاک چین، اطلاعات مرتبط با قراردادهای به صورت امن و غیرقابل تغییر در دسترس قرار می گیرند. این به اطمینان از شفافیت و امانت در تعاملات میان طرفین کمک می کند. قراردادهای هوشمند به عنوان یک پیشرفت قابل توجه در حوزه حقوق و تجارت الکترونیک به شمار می آیند که قابلیت افزایش بهره وری و کاهش خطاها را به همراه دارند.

اعمال خیار در قرارداد های هوشمند باید با رعایت قاعده لاضرر انجام شود تا از ورود ضرر و خسارت به دیگران جلوگیری کند. قراردادهای هوشمند، با اعمال خودکار خیارات قادر به انجام عملیات مختلف بر اساس شرایط و معیار های محدود می شوند و به طرفین معامله امکان دسترسی به روش های مختلف برای اجرای هر چه بهتر قرارداد و تغییر شرایط یا حتی فسخ آنها را می دهد. به طور کلی، اعمال خیارات در قراردادهای هوشمند به طرفین معامله امکان می دهد تا به صورت دقیق تر و مشخص تر شرایط صحت و یا انقضا معامله را تعیین کنند و بهبود قابل ملاحظه ای در عملکرد و کارایی قراردادهای هوشمند ایجاد و همچنین عدم اعمال خیارات باعث کاهش پایداری و زایل شدن صحت و سقم در قرارداد های هوشمند می شود.

در ادامه این را باید خاطر نشان کرد که تمامی عقود لازم دارای خیار می باشند؛ پس اولاً خیار به معنی اختیار فسخ نیز در قرارداد های هوشمند عبارت است از حقی که بر اساس عقد یا حکم شرع، صاحب آن می تواند عقد لازم را منحل و یا فسخ و یا اثبات و ابقا نماید. ثانیاً در قراردادهای هوشمند به دلیل ماهیت الکترونیکی و قرارگیری متون عقود در فضای مناسب بلاک چین و همچنین با امکان اشتراط وجود خیارات یا خیارات از پیش تعیین شده<sup>۱۳</sup> در این نوع قرارداد ها می توان به راحتی امکان اعمال خیار را متصور شد و این فرصت جدیدی و راهکار مناسبی برای مدیریت این قضیه خیارات است و دولت ها باید به قرارگیری در بستر قرارداد های هوشمند روی بیاورند تا در زمینه تجارت الکترونیکی موفق باشند.

BLOCK CHAIN  
TECHNOLOGY

۱۲. Blockchain، یک فناوری ثبت دیجیتالی است که انواع دادهها و اطلاعات را در خود ذخیره می کند به طوری که ذخیره سازی اطلاعات به صورت بلوکهایی پشت سرهم است تا امکان دستکاری دادهها از بین برود یا به حداقل برسد.  
۱۳. منظور خیاراتی هستند که در قالب های مختلف هوشمند در قرارداد های هوشمند که مورد استفاده طرفین قرار میگیرد، از قبل وجود دارند.

## ■ مکانیزم‌های بازار در تجارت الکترونیک

مکانیزم‌های بازار<sup>۱۴</sup> به فرآیندها و تعاملاتی اشاره دارند که از طریق آن‌ها قیمت‌ها و مقدار و ایضا رابطه توزیع کالاها و خدمات در بازار تعیین می‌شوند. این مکانیزم‌ها شامل عرضه و تقاضا، رقابت، طرفیت مشتری و فروشنده و نقش دولت در تنظیم بازار مخصوصا در تجارت الکترونیکی هستند. اختیارات قانونی و مکانیزم‌های بازار در تجارت الکترونیکی با هم ارتباط نزدیکی و موثری دارند که به شکل قابل ملاحظه‌ای بر روند خرید و فروش برخط<sup>۱۵</sup> تاثیر می‌گذارند. از یک طرف، اختیارات قانونی، همچون حق فسخ قرارداد، ابزارهای حقوقی و فقهی ای

هستند که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهند تا در صورت بروز شرایط خاص، قرارداد را فسخ کنند. از سوی دیگر، مکانیزم‌های بازار، همچون سیستم‌های رتبه‌بندی و بازخورد، سیستم‌های پرداخت امن، و مکانیزم‌های تسویه حساب، به بهبود تجربه کاربر و کاهش ریسک‌های مرتبط با روند تشریفاتی قبل از قرار داد، حین و بعد از آن در تجارت الکترونیکی کمک می‌کنند. این مکانیزم‌ها باعث می‌شوند تا خریداران و فروشندگان بتوانند با اطمینان بیشتری به معاملات خود بپردازند و نوعا نقش محافظ را در بطن قراردادها دارا هستند. در این زمینه، تنظیم مقررات و ایجاد چارچوب‌های حقوقی مناسب، اهمیت ویژه‌ای دارد. این قوانین و مقررات باید به گونه‌ای تدوین شوند که همگام با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییرات بازار، بتوانند از حقوق و منافع کاربران حفاظت کنند. به عنوان مثال، قوانین مربوط به حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی کاربران، باید به گونه‌ای باشند که جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی از اطلاعات کاربران را بگیرند.

در ادامه به بررسی ترکیب مناسب اختیارات قانونی و مکانیزم‌های بازار می‌پردازیم که این نیز می‌تواند به ایجاد یک محیط امن و پایدار برای تجارت الکترونیکی منجر شود، که در آن حقوق مشتریان و فروشندگان به خوبی محافظت می‌شود و انگیزه برای مشارکت در این بازار افزایش بیابد.

۱۴. Market mechanism  
۱۵. Online

## ■ نقش مکانیزم‌های بازار در تسهیل اعمال اختیارات قانونی

مکانیزم‌های بازار، مانند سیستم‌های پرداخت امن<sup>۱۶</sup> و بازخورد مشتریان، نقش مهمی در تسهیل اعمال اختیارات قانونی دارند. این ابزارها به مصرف‌کنندگان امکان می‌دهند تا با اطمینان بیشتری به خرید و فروش در بستر فناوری‌های دیجیتال بپردازند، زیرا می‌دانند که در صورت بروز مشکلات، حقوق قانونی‌شان محفوظ است. مکانیزم‌های پرداخت امن، مانند استفاده از واسطه‌های مالی معتبر، تضمین می‌کنند که پول مشتری تنها زمانی به فروشنده منتقل می‌شود که کالا یا خدمات به درستی تحویل داده شود. افزایش شفافیت در معاملات از طریق سیستم‌های بازخورد و رتبه‌بندی نیز به مشتریان کمک می‌کند تا تصمیمات خرید بهتری بگیرند. مشتریان می‌توانند نظرات دیگر خریداران را بخوانند و از تجربه‌های آنها استفاده کنند. این سیستم‌ها باعث می‌شوند تا فروشندگان نیز انگیزه بیشتری برای ارائه خدمات با کیفیت و رعایت قوانین داشته باشند، زیرا عملکرد آن‌ها توسط مشتریان دیگر ارزیابی می‌شود. همچنین، سازوکارهای بازار می‌توانند به کاهش تعداد اختلافات و دعاوی قضایی کمک کنند.

۱۶. مکانیزم‌های پرداخت امن نقش حیاتی در حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان در تجارت الکترونیکی ایفا می‌کنند. این مکانیزم‌ها تضمین می‌کنند که پول مشتری تنها زمانی به فروشنده منتقل می‌شود که کالا یا خدمات به درستی تحویل داده شود. این امر به کاهش تعداد اختلافات و دعاوی حقوقی کمک می‌کند و به مشتریان اطمینان می‌دهد که در صورت بروز مشکلات، حقوق قانونی آن‌ها محفوظ است.

با وجود سیستم‌های پرداخت امن و بازخورد، مشتریان احساس امنیت بیشتری می‌کنند و کمتر احتمال دارد که به دنبال طرح دعاوی حقوقی باشند. این امر به بهبود روابط بین مشتریان و فروشندگان و کاهش بار روی سیستم قضایی کمک می‌کند. در نهایت، مکانیزم های بازار به طور مستقیم بر اعتماد و اطمینان مشتریان تاثیر می‌گذارد. با ایجاد یک محیط امن و شفاف برای معاملات آنلاین، مشتریان بیشتر به خریدهای آنلاین اعتماد می‌کنند و این امر به گسترش تجارت الکترونیکی کمک می‌کند.

**تاثیر سیستم‌های رتبه‌بندی<sup>۱۷</sup> و بازخورد در اجرای خیارها:** سیستم‌های رتبه‌بندی و بازخورد یکی از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که می‌توانند به اجرای خیارها در بحث مکانیزم های بازار کمک کنند. این سیستم‌ها به مشتریان امکان می‌دهند تا پس از انجام خرید، نظرات خود را درباره تجربه خرید و کیفیت محصول یا خدمات ارائه شده، به اشتراک بگذارند. این نظرات می‌توانند به عنوان شواهد در صورت بروز اختلافات حقوقی استفاده شوند و به حل سریع‌تر این اختلافات کمک کنند. سیستم‌های رتبه‌بندی و بازخورد می‌توانند به مشتریان کمک کنند تا تصمیمات خرید بهتری بگیرند. با بررسی نظرات دیگر خریداران، مشتریان می‌توانند اطلاعات بیشتری درباره محصول یا خدمات مورد نظر خود کسب کنند و از تجربه های دیگران استفاده کنند. این امر به کاهش تعداد خریدهای نادرست و اعمال خیارها قانونی کمک می‌کند، زیرا مشتریان از ابتدا با آگاهی بیشتری خرید می‌کنند.

علاوه بر این، سیستم‌های رتبه‌بندی و بازخورد می‌توانند به بهبود کیفیت خدمات و محصولات ارائه شده توسط فروشندگان کمک کنند. فروشندگان و رقبا آنها که نگران نظرات منفی مشتریان هستند، انگیزه بیشتری برای بهبود کیفیت خدمات و محصولات خود دارند. این امر نه تنها به کاهش تعداد اعمال خیارها قانونی کمک می‌کند، بلکه به افزایش رضایت مشتریان و ارتقای سطح کلی بازار نیز منجر می‌شود. این سیستم‌ها می‌توانند به ایجاد اعتماد بین مشتریان و فروشندگان کمک کنند. مشتریانی که می‌بینند فروشندگان به نظرات آن‌ها توجه می‌کنند و تلاش می‌کنند مشکلات را حل کنند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و بیشتر به خریدهای آنلاین روی می‌آورند. این امر به گسترش بازار تجارت الکترونیکی و افزایش تعاملات مثبت بین مشتریان و فروشندگان کمک می‌کند.

**عرضه<sup>۱۸</sup> و تقاضا<sup>۱۹</sup>:** این دو عامل اصلی‌ترین مکانیزم‌های بازار هستند که بر مقوله هایی مانند عدم تمرکز قدرت در دست یکی از طرفین و یا نحوه انحصارطلبی و یا حتی احتکار آن هم از نوع الکترونیکی تاثیر می‌گذارد. عرضه به مقدار کالا یا خدماتی اشاره دارد که تولیدکنندگان مایل و قادر به فروش آن در بازار هستند. عوامل مختلفی بر عرضه تأثیر می‌گذارد، از جمله:

- قیمت کالا: با افزایش قیمت، تولیدکنندگان تمایل بیشتری به تولید و عرضه کالا دارند.
- هزینه‌های تولید: افزایش هزینه‌های تولید می‌تواند عرضه را کاهش دهد.
- فناوری: پیشرفت‌های فناوری می‌تواند تولید را کارآمدتر کرده و عرضه را افزایش دهد.
- تقاضا به مقدار کالا یا خدماتی اشاره دارد که مصرف‌کنندگان مایل و قادر به خرید آن هستند. عوامل مؤثر بر تقاضا شامل:
  - قیمت کالا: با کاهش قیمت، مصرف‌کنندگان تمایل بیشتری به خرید دارند.
  - درآمد مصرف‌کنندگان: افزایش درآمد معمولاً باعث افزایش تقاضا می‌شود.
  - سلیقه و ترجیحات: تغییر در سلیقه و ترجیحات مصرف‌کنندگان می‌تواند تقاضا را تغییر دهد.

۱۷. سیستم‌های رتبه‌بندی یکی از مکانیزم‌های کلیدی بازار در تجارت الکترونیکی هستند که به مصرف‌کنندگان کمک می‌کنند تا اطلاعاتی درباره کیفیت و اعتبار فروشندگان و محصولات مختلف به دست آورند. این سیستم‌ها از نظرات و امتیازات کاربران برای ارزیابی و رتبه‌بندی فروشندگان و محصولات استفاده می‌کنند.

۱۸. Supply

۱۹. Demand

## ■ احتکار الکترونیکی

احتکار به معنی انبار کردن محصولات و کالاهای ضروری مردم است تا پس از مدتی با قیمت بسیار بالاتر به فروش برسند. معمولاً افراد محترک این عمل را به منظور افزایش قیمت محصول و همچنین افزایش سود آن به صورت پنهان نگه داری می کنند که که در آتیه سود بسیاری از عرضه ببرند.

انجام عمل احتکار دارای شرایط خاصی است. یکی از این شرایط آن است که مردم نیاز به استفاده از کالای<sup>۲۱</sup> احتکار شده داشته باشند. علاوه بر این، فروشنده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای موردنیاز خود را تهیه نمایند. همچنین توجه به شرایط زمانی و مکانی نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. با توجه به برخی از روایات<sup>۲۲</sup> و قوانین موجود، اگر کالای موردنیاز مردم به صورت فراوان در بازار وجود داشته باشد، در این صورت مدت احتکار آن چهل روز خواهد بود<sup>۲۳</sup>. اما در زمان سختی و قحطی، اگر این محصولات به مدت سه روز احتکار شوند، جرم بشمار می رود. حال در عصر فناوری اطلاعات و دیجیتال با مقوله احتکار الکترونیکی روبرو هستیم که در بند های بعدی به تعریف و اقتضائات آن اشاره خواهیم کرد.

احتکار الکترونیکی عبارت است از اینکه: تاجر به قصد افزایش قیمت و ایجاد بازار سیاه در زمان قحطی و کمبود کالا به وسیله قطع ارتباط ابزارهای الکترونیکی یا با غیرفعال کردن نرم افزارهای خدماتی و کاربردی و فیلترینگ سامانه فروشگاه مجازی، اقدام به احتکار کالا در فضای مادی کند یا اقدام به غیرفعال سازی خدمات نرم افزارها در فضای مجازی و ذخیره داده ها و اطلاعات و نرم افزارهای مبادلاتی و خدماتی در رایانه شخصی یا حافظه های جانبی خود بکند. بطوریکه آن داده ها یا کالا ها از نیازهای ضروری عمومی باشد یا درگاه فروش او تنها راه یا از معدود راه های دستیابی جامعه هدف به آن کالا باشد و عمل او در ایجاد آشفتگی و بحران اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد (یزدی فرد، علی اکبر، عزیزاده، امیرمحمد، ۱۳۹۵)

سوال: انبار کردن چه چیزهایی احتکار محسوب می شود؟ و احتکار در چه مواردی است؟  
جواب: علاوه بر حرمت احتکار اغذیه عمومی مردم، هر چه که احتکار آن در قانون<sup>۲۴</sup> غیر مجاز باشد، جایز نیست. (آیت الله خامنه ای، بخش استفتائات جدید، موضوع احتکار و اسراف)  
در تجارت الکترونیکی، ابزار تجاری و احتکاری، استفاده از فناوری های دیجیتال و وسایل ارتباط الکترونیکی است؛ اما فضای احتکار با توجه به نوع کالای احتکار شده متفاوت و عجیب خواهد بود. به گونه ای که تصدی گران دنیای دیجیتال را به تطمیع این نوع از احتکار فریفته خواهد کرد. متصدی یا بایع به قصد افزایش قیمت و کسب سود بیشتر، اقدام به احتکار کالا ها در فضای دیجیتال کرده و به بحران اقتصادی و اجتماعی منجر میشود. احتکار الکترونیکی هم در تعریف و هم در شرایط با احتکار سنتی یکسان است ولی در مصادیق و دامنه ها متغیر است.

۲۱. مراد از کالا اعم است از کالا و خدمات.  
۲۲. امام علی علیه السلام. در فرمان زمامداری مصر به مالک اشتر. نوشت: و اَعْلَمُ. مَع ذلکَ اَنَّ فی کَثِیرِ مِنْهُم صَیِّقا فاجِشا ، و سُخّا قَبیحا ، و اِخْکارا لِلْمَنافِعِ ، و تَحْکَمًا فی البِیاعات ، و ذلکَ بائِ مَضَرَّةٌ لِلعاقَبةِ ، و عَثِیْتُ عَلی الوُلاةِ ، فَاغْنَعُ مِنَ الاِخْکارِ ؛ فَإِنَّ رِسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ .  
"با این همه ، بدان که بسیاری از تاجران در داد و ستد بیش از اندازه سختگیرند و بخل ورزی ناپسندی دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار می کنند و به دلخواه نرخ گران می بندند و این کار برای توده مردم زیانبار و برای حکمرانان عیب و تنگ است . بنا بر این ، از احتکار جلوگیری کن ؛ زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرموده است." ( نامه ۵۳ نهج البلاغه . عهدنامه مالک اشتر)  
۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَن جَمَعَ طَعامًا یَتَرْتَبِصُ بِهِ الغَلاءُ اَرْبَعینَ یوماً فَقَد تَرى مِنَ اللهِ وَ تَرى اللهُ مِنْهُ . هر کس خوراکی را به امید گران شدن چهل روز انبار کند از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بیزار است. (بخارالانوار ج ۶۲ ص ۲۲۹۲)  
۲۴. ماده ۳ قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷: هر کس کالاهای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و اِمساک نماید در حکم محترک است و مجازات محترک را خواهد داشت.



اولین بحثی که در مورد احکام مطرح شده این است که آیا احکام به همین چند موردی که در روایاتمان ذکر شده اختصاص دارد یا اینکه عمومیت دارد؟ امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيله شش مورد ذکر کرده اما صاحب جواهر می فرماید این شش مورد در روایاتمان به عنوان مثال ذکر شده و احکام در مورد هر چیزی که مردم به آن نیاز دارند صادق است از ملبوس و مأكول و غیرهما، واما بحث دیگر اینکه احکام دو نوع است؛ اول احکام کالاها، دوم احکام منافع که به این صورت است که قبل از اینکه کالاها بوجود بیاید و در دسترس مردم قرار بگیرد عده ای از متمکنین جمع می شوند و یک زمینه ای بوجود می آورند که تقریباً اجناس منحصر در آنها می شود و در دست آنها قرار می گیرد و این باعث می شود که منافع آن اجناس منحصر به خودشان برسد نه به مردم. اما در امروز خیلی اهمیت دارد زیرا امروزه احکام کالاها کمتر وجود دارد اما بیشتر شرکت ها و ثروتمندان با رایزنی هایی که با تولید کنندگان می کنند انحصاراتی ترتیب می دهند و احکام منافع می کنند و امروزه احکام منافع خیلی شیوع دارد؛ لذا امام صادق علیه السلام در خبر (وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۱۱) با شدت احکام منافع را نهی می کند. ( درس خارج آیت الله نوری. کتاب بیع. ۱۳۹۳)

### حال باید دید احکام در دنیای دیجیتال چگونه رخ میدهد و آیا بستر مناسبی برای مقابله با آن است؟

باید خاطر نشان کرد که مقوله احکام در دنیای تجارت الکترونیکی در عصر حاضر بسیار شیوع پیدا کرده است، زیرا در کشور های صنعتی و نیمه صنعتی که تجارت و توزیع کالا روند جدید و فناوری گونه گرفته است و عرضه کالا و خدمات از طریق دنیای دیجیتال صورت میگیرد. بخاطر همین سودجویان به دلیل نبود بسترقانونی برای معاملات قانونی و فقدان قواعد شایسته و یا حتی کمبود نظارت ها به این نوع از احکام روی آورده و باعث مشکلاتی برای مصرف کنندگان و کشور می شوند. و به دلیل یکسان بودن ماهیت احکام الکترونیکی با مفهوم عام احکام، قواعد هر دو را صرف نظر از مصادیق و تبعات، یکسان میتوان دانست.

احکام در کالاها و دسترسی های<sup>۲۵</sup> ضروری مردم می تواند به شیوه و طرق گوناگونی انجام شود که در ماهیت و چیستی احکام تغییری ایجاد نمیکند. حال احکام در دنیای فناوری های دیجیتال چه از نوع عمده آن که احکام کالا به معنی خاص است که آن نیز ماهیت مادی داشته و چه از نوع احکام یا تحریم داده ها و اطلاعات که به عنوان یک مال در میان متقاضیان آن، ارزش و اعتبار مادی پیدا کرده، انجام بشود، مثلاً مقاله ای را در درگاهی به فروش میرسانند که دسترسی به آن مقاله برای تحقیقات یک دانشجو ضروری است یا مثلاً اینکه دستوراتعمل متداول ساخت یک نوع داروی مصرفی را نفروشد به بهانه ازدیاد تقاضا و به تبع آن کسب سود بیشتر و ... و این گونه از احکام در دنیای امروزه سبب بحران های بزرگ در جوامع مختلف شود؛

۲۵. احکام در دسترسی ها، به معنای کنترل یا محدود کردن دسترسی به منابع و اطلاعات توسط برخی از شرکت ها یا نهادها و اشخاص تجارت الکترونیکی است. این عمل می تواند تأثیرات قابل توجهی بر بازارها، قراردادهای، و اعمال خیارهای قانونی داشته باشد. (John A. Rothchild)

بنابراین، با تغییر تجارت از شیوه سنتی به الکترونیکی و غیرحضوری نیز احتکار قابل تصور است و حکومت‌ها به هنگام مصلحت جامعه، بصورت قانونی وظیفه دارند از با استفاده از روش‌هایی مثل وضع قوانین شایسته و نظارت حداکثری بر روح بازار، از احتکار الکترونیکی جلوگیری کرده و محترکران را مجازات بکنند. در ادامه باید یادآور شد که احتکار الکترونیکی می‌تواند تأثیرات مهمی بر اعمال و اجرای اختیارات قانونی در قراردادهای الکترونیکی داشته باشد. در ادامه به صورت موردی برخی از این تأثیرات می‌پردازیم:

### ۱. محدودیت در دسترسی به اطلاعات

احتکار الکترونیکی می‌تواند منجر به محدودیت در دسترسی به اطلاعات ضروری و کابردی برای اعمال اختیارات قانونی شود. برای مثال وقتی یک شرکت بزرگ، بخش عظیمی از داده‌ها و اطلاعات بازار را در اختیار دارد، ممکن است مانع از دسترسی مصرف‌کنندگان و رقبا به اطلاعات مهم شود. این می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری و ابتکار عمل مصرف‌کنندگان را کاهش دهد و بروز و یا اعمال اختیارات را دشوارتر کند. چون در انعقاد قرارداد الکترونیکی باید اطلاعات مکفی و روشن باشد. از دیدگاه حقوقی، اصل حسن نیت و شفافیت در قراردادها ایجاب می‌کند که تمامی اطلاعات مرتبط به قرارداد به صورت برابر در اختیار هر دو طرف قرار گیرد. وقتی یک شرکت بزرگ، به دلیل احتکار الکترونیکی، دسترسی به اطلاعات مهم را محدود می‌کند، این اصل نقض می‌شود. برای مثال، شرکت‌های بزرگ در زمینه تجارت الکترونیک ممکن است داده‌های مربوط به رفتار و کنشگری خرید مشتریان و الگوهای تقاضا را در اختیار خود نگه دارند و این اطلاعات را با رقبای کوچکتر یا مصرف‌کنندگان به اشتراک نگذارند. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری ناعادلانه منجر شود و از اعمال و اجرای اختیارات قانونی مانند خیار غبن جلوگیری کند. محدودیت در دسترسی به اطلاعات می‌تواند توانایی مصرف‌کنندگان را در اثبات دعاوی حقوقی کاهش دهد. به عنوان مثال، اگر مصرف‌کننده‌ای بخواهد از خیار عیب استفاده کند و ثابت کند که کالا یا خدمات دارای نقص بوده است، ممکن است نتواند به اطلاعات کافی برای اثبات ادعای خود دسترسی داشته باشد. این محدودیت می‌تواند به نفع شرکت‌های بزرگ تمام شود که از قدرت و منابع بیشتری برای مقابله با دعاوی حقوقی برخوردار هستند. برای حل این مشکل بعنوان مثال، مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها<sup>۳۱</sup> در اتحادیه اروپا، شرکت‌ها را ملزم به شفافیت بیشتر در مورد اطلاعاتی که جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند، می‌نماید. این مقررات می‌تواند به بهبود دسترسی به اطلاعات و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در برابر احتکار الکترونیکی کمک کند.

### ۲. عدم تقارن اطلاعاتی

احتکار الکترونیکی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود، یعنی یک طرف قرارداد، اطلاعات بیشتری نسبت به طرف دیگر دارد. این وضعیت می‌تواند به نفع شرکت‌های بزرگ باشد زیرا قدرت ابتکار عمل آنها را بالا برده و از روند زمانی به نفع خود استفاده کرده و این به ضرر مصرف‌کنندگان باشد، زیرا به عنوان مثال شرکت‌ها می‌توانند از این عدم تقارن برای اعمال نفوذ بر تصمیمات مصرف‌کنندگان استفاده کنند و آنان را از حقوق قانونی‌شان، از جمله حق فسخ و یا روند تعارف در آن، محروم سازند. این موضوع از نظر حقوقی به عنوان نابرابری اطلاعاتی شناخته شده و می‌تواند موجب نقض اصل تساوی در قراردادها گردد. بنابراین، قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از دسترسی عادلانه به اطلاعات برای تمامی طرفین قرارداد حمایت کنند. عدم تقارن اطلاعاتی نیز می‌تواند به نقض اصل تساوی و عدالت در قراردادها منجر شود.

۳۱. GDPR: (General Data Protection Regulation)

این اصل ایجاب می‌کند که هر دو طرف قرارداد به اطلاعات مشابهی دسترسی داشته باشند تا بتوانند تصمیمات آگاهانه‌ای بگیرند. وقتی یک شرکت بزرگ داده‌های مهم بازار را در اختیار دارد و آنها را با طرف دیگر به اشتراک نمی‌گذارد، این اصل نقض می‌شود؛ یا به عنوان مثال، اگر یک فروشنده بزرگ اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و تقاضا را انحصاری کند، می‌تواند به ضرر مصرف‌کنندگان عمل کرده و تصمیم‌گیری آنها را تحت تاثیر قرار دهد. یکی دیگر از آثار حقوقی مهم عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش قدرت مذاکره مصرف‌کنندگان است. مصرف‌کنندگانی که به اطلاعات کافی دسترسی ندارند، نمی‌توانند به خوبی از حقوق خود دفاع و در برابر اغیار استناد و استدلال کنند و ممکن است به قراردادهای ناعادلانه‌ای وارد شوند. این موضوع می‌تواند اعمال خیارهای قانونی را دشوارتر کند، زیرا مصرف‌کنندگان نمی‌توانند نقص‌ها و مشکلات قرارداد را به درستی شناسایی کنند. به عنوان مثال، اگر مصرف‌کننده‌ای اطلاعات دقیقی از کیفیت یک محصول نداشته باشد، ممکن است نتواند از خیار عیب برای فسخ قرارداد استفاده کند.

### ۳. کاهش رقابت

در دنیای تجارت الکترونیک در بستر فناوری‌های دیجیتال، احتکار الکترونیکی باعث کاهش رقابت در بازار و به تضعیف مکانیزم‌های رقابتی در بازار منجر می‌شود. با کاهش تعداد رقبا و افزایش قدرت شرکت‌ها و دسترسی‌های بزرگ برای محتکرین بزرگ، مصرف‌کنندگان گزینه‌های کمتری برای انتخاب دارند. این امر می‌تواند منجر به کاهش کیفیت خدمات و محصولات و افزایش قیمت‌ها شود. در چنین شرایطی، حتی اگر مصرف‌کنندگان بخواهند از خیارهای قانونی خود استفاده کنند، به دلیل محدودیت‌های موجود در بازار، ممکن است انتخاب‌های کمتری برای جبران خسارات و یا حتی مجبور به قبول کردن و رضایت ابدی به آن قرارداد بدهند چون که مجبور هستند و این مقوله تاثیر وضعی مهمی در این راستا می‌تواند داشته باشد. کاهش رقابت می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات و محصولات ارائه شده در بازار منجر شود. وقتی شرکت‌های بزرگ که بازیگران و عرضه‌کنندگان بزرگ و اصلی بازار هستند، ممکن است انگیزه کمتری برای ارائه خدمات با کیفیت بالا و تطابق با استانداردهای مطلوب داشته باشند. این امر می‌تواند به افزایش تعداد موارد اعمال خیارهای قانونی مانند خیار عیب و خیار غبن منجر شود. مصرف‌کنندگان ممکن است با کالاها و خدماتی مواجه شوند که به وعده‌ها و توصیفات داده شده مطابقت ندارند و بنابراین از حقوق قانونی خود استفاده کنند. برای مقابله با تاثیرات منفی کاهش رقابت بر اعمال خیارهای قانونی، لازم است که قوانین و مقررات ضد انحصار<sup>۲۷</sup> به درستی اجرا شوند. این قوانین می‌توانند به جلوگیری از تمرکز قدرت بازار در دست شرکت‌های بزرگ کمک کنند و اطمینان حاصل کنند که بازار به طور رقابتی باقی می‌ماند. همچنین، قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان می‌توانند به افزایش شفافیت در بازار و بهبود کیفیت خدمات و محصولات کمک کنند.

### ۴. کاهش شفافیت و اعمال خیارهای قانونی

احتکار الکترونیکی می‌تواند به کاهش شفافیت در بازار منجر شود. وقتی یک شرکت بزرگ بخش اعظم بازار را تحت کنترل دارد، ممکن است به صورت عمدی یا غیرعمدی از شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات جلوگیری کند. این کاهش شفافیت می‌تواند اعمال خیارهای قانونی مانند خیار غبن یا خیار تدلیس را پیچیده‌تر کند. از نظر حقوقی، شفافیت بازار یک اصل اساسی در تجارت الکترونیکی است و برای حفظ این اصل، لازم است قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای جلوگیری از احتکار و ایجاد شفافیت بیشتر تدوین شوند.

برای مقابله با تاثیرات منفی کاهش شفافیت، لازم است که قوانین و مقررات مناسبی برای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تدوین شود. به عنوان مثال، قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان می‌توانند فروشندگان را ملزم کنند که اطلاعات کاملی درباره محصولات و خدمات خود ارائه دهند. همچنین، استفاده از مکانیزم‌های بازار مانند سیستم‌های بازخورد و رتبه بندی می‌تواند به افزایش شفافیت و کاهش پنهان‌کاری کمک کند.

**نقش دولت:** دولت‌ها می‌توانند با وضع قوانین و مقررات، مالیات‌ها و یارانه‌ها و یا ابداع و توسعه زیر ساخت‌ها، بر بازارهای مختلف بالاخص تجارت الکترونیکی تأثیرات مهمی بگذارند. دولت‌ها در اقتصاد و تجارت بیشتر باید نقش کنترلی خود را ایفا کرده و از اقداماتی نظیر کنشگری فعالانه باید بپرهیزند. این اقدامات می‌توانند به تنظیم قیمت‌ها، حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، و جلوگیری از انحصار طلبی‌ها کمک کنند و به شکوفایی و امنیت تجارت الکترونیکی تأثیر بگذارند. حال در چند مورد به اختصار در مورد کارکرد نقش دولت در تجارت الکترونیک می‌پردازیم:

### **تنظیم مقررات و قوانین:**

دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات مناسب، نقش مهمی در تنظیم بازار تجارت الکترونیکی ایفا می‌کنند. این قوانین شامل مقررات مربوط به حقوق مصرف‌کننده، حفاظت از داده‌ها، امنیت سایبری و تجارت بین‌المللی است. با ایجاد چارچوب‌های قانونی شفاف، دولت‌ها می‌توانند اعتماد مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها را به تجارت الکترونیکی افزایش دهند و از سوءاستفاده‌ها و تقلب‌ها جلوگیری کنند.

### **تأمین زیرساخت‌های فناوری:**

یکی از مهم‌ترین نقش‌های دولت در بعد فناوری اطلاعات و توسعه تجارت الکترونیکی، تأمین زیرساخت‌های فناوری دیجیتال است. این شامل ایجاد و توسعه شبکه‌های اینترنت پرسرعت، زیرساخت‌های مخابراتی و سیستم‌های پرداخت الکترونیکی می‌شود. با فراهم کردن این زیرساخت‌ها، دولت‌ها می‌توانند دسترسی به تجارت الکترونیکی را برای همه اقشار جامعه ممکن سازند و از توسعه نابرابر جلوگیری کنند. متأسفانه علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر در کشور ما باز هم تمام اقشار مردم و کسب و کارهای به دلایل مختلفی اعم از مدیریت نامناسب، نبود فرهنگسازی در استفاده، عدم توجه به پخش مناسب فناوری در تمام نقاط جغرافیایی کشور و غیره چالش‌هایی در این خصوص پدید آمده است.

### **حمایت از نوآوری و کارآفرینی:**

دولت‌ها می‌توانند با ارائه تسهیلات مالی و حمایتی به دانش بنیان‌ها<sup>۲۸</sup> و کسب‌وکارهای نوپا<sup>۲۹</sup>، نقش مهمی در تشویق نوآوری و کارآفرینی در حوزه تجارت الکترونیکی ایفا کنند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل ارائه وام‌های کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی و ایجاد پارک‌های علم و فناوری<sup>۳۰</sup> باشد. با این اقدامات، دولت‌ها می‌توانند به رشد و توسعه کسب‌وکارهای جدید کمک کنند و رقابت در بازار را افزایش دهند.

۲۸. Knowledge enterprise  
۲۹. Startup  
۳۰. Science and Technology Park

## تنظیم بازار و رقابت:

دولت‌ها با نظارت بر بازار و جلوگیری از انحصارطلبی بعضی از شرکت‌های پیشرو در فناوری‌های الکترونیکی، می‌توانند رقابت سالم را در بازار تجارت الکترونیکی تضمین کنند. این شامل اعمال قوانین ضد انحصار و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. با ایجاد محیطی رقابتی بین تولیدکننده و عرضه‌کننده‌ها، دولت‌ها می‌توانند از افزایش کیفیت خدمات و کاهش قیمت‌ها به نفع مصرف‌کنندگان اطمینان حاصل کنند.

## آموزش و آگاهی‌بخشی:

دولت‌ها این توانایی را دارند با برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگروه‌های آگاهی‌بخشی، دانش و مهارت‌های لازم برای استفاده از تجارت الکترونیکی را به مردم آموزش دهند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل مباحثی مانند امنیت سایبری، حقوق مصرف‌کننده و استفاده از ابزارهای دیجیتال باشد. با افزایش سطح آگاهی عمومی، دولت‌ها می‌توانند مشارکت بیشتری هم از مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان در تجارت الکترونیکی ایجاد کنند.

## تسهیل تجارت بین‌المللی:

دولت‌ها با ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و کاهش موانع تجاری با تصویب انواع عهد‌نامه‌ها یا پیمان‌ها، می‌توانند تجارت الکترونیک بین‌المللی را تسهیل کنند. این شامل کاهش تعرفه‌ها، تسهیل فرآیندهای گمرکی و ایجاد استانداردهای مشترک بین‌المللی است. با این اقدامات، دولت‌ها می‌توانند به کسب‌وکارها کمک کنند تا به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند و از فرصت‌های بین‌المللی بهره‌مند بشود.

## حقوق و دغدغه‌های مشتریان

حقوق و دغدغه‌های مشتریان به عنوان یکی از ساز و کارهای مبنایی و یکی از مفاهیم اصلی بازار در تجارت الکترونیک و دنیای فناوری‌های دیجیتال است که از منظر فقه و حقوق سنتی نیز، تأثیر زیادی بر اعمال خیارات قانونی دارند. این موضوع به دلیل اهمیت حمایت از حقوق مشتریان و تضمین انصاف در معاملات تجاری مطرح می‌شود. خیارات قانونی حقوقی هستند که به طرفین معامله اجازه می‌دهند تحت شرایط خاصی، معامله را فسخ کنند، حال باید دید چه شرایطی بر این مقوله مترتب است. حقوق مشتریان از منظر فقه و حقوق شامل دسترسی به اطلاعات کافی در مورد کالا یا خدمات، پرداخت قیمت منصفانه و دفاع از حقوق در صورت نقض شرایط معامله می‌شود. حمایت از حقوق مشتریان و تضمین انصاف در معاملات، منجر به افزایش اعتماد به بازار می‌شود که خود باعث کاهش نارضایتی مشتریان و استفاده کمتر از خیارات قانونی می‌گردد. همچنین رعایت حقوق مشتریان موجب پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها و اختلافات تجاری می‌شود.

### حمایت از حقوق مشتری<sup>۳۱</sup>

حمایت از حقوق مشتری و تضمین انصاف در معاملات از اهمیت بالایی در فقه اسلامی و قوانین حقوقی برخوردار است. این موضوع به دلیل ضرورت حفظ عدالت و انصاف در تجارت و معاملات. در فقه اسلامی، حقوق مشتریان به ویژه مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یکی از اصول اساسی معاملات در نظر گرفته شده است. یکی از این حقوق اساسی، حق اطلاع صحیح و کامل در مورد کالا و خدمات است. حق اطلاع‌رسانی صحیح و کامل در مورد کالا و خدمات یکی از اصول اساسی در فقه است که به منظور حفظ حقوق مشتریان در معاملات تأکید زیادی بر آن شده است. این حق به مشتریان اجازه می‌دهد تا با اطلاعات کافی و دقیق در مورد کالا یا خدمات تصمیم‌گیری کنند و از هرگونه فریب یا تقلب در معاملات جلوگیری شود. به عنوان مثال، خیار تدلیس به مشتری اجازه می‌دهد در صورت فریب یا عدم ارائه اطلاعات صحیح، معامله را فسخ کند. نقض حق اطلاع‌رسانی به مشتری در این حالت به این شکل اتفاق می‌افتد که مشتری بر اساس اطلاعات ناقص یا نادرست تصمیم به خرید می‌گیرد.

هنگامی که مشتری متوجه عیب یا نقص کالا پس از خرید می‌شود، احساس فریب‌خوردگی و نارضایتی در او ایجاد می‌شود. این مسأله اعتماد مشتری به فروشنده و به طور کلی اعتماد به بازار را تضعیف و باعث تشدید استفاده از خيارات میشود.

التدليس تفعيل من الدلس و هو الظلمة و أصله من المخادعة، كأن المدلس لما أتى بالمعيب أو الناقص إلى المخدوع و قد كتم عليه عيبه أتاها به في الظلمة و خدعه. و الفرق بينه و بين العيب: أن التدليس لا يثبت إلا بسبب اشتراط صفة كمال هي غير موجودة، أو ما هو في معنى الشرط، و لولاه لم يثبت الخيار، بخلاف العيب، فإن منشأه وجوده و إن لم يشترط الكمال و ما في معناه. "تدليس به معنای تفعيل از ریشه 'دلس' است که به معنای تاریکی و اصل آن از فریب و خدعه است. به گونه‌ای که تدلیس‌کننده وقتی کالای معیوب یا ناقص را به شخص فریب‌خورده ارائه می‌دهد و عیب آن را مخفی می‌کند، به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که انگار کالا را در تاریکی به او نشان می‌دهد و او را فریب می‌دهد. تفاوت بین تدلیس و عیب در این است که تدلیس تنها در صورتی ثابت می‌شود که شرط وجود یک ویژگی کامل باشد که در واقع وجود ندارد یا اینکه در معنایی شرط شده باشد و اگر این شرط نبود، خیار ثابت نمی‌شد. اما عیب، دلیل ثابت شدن آن، وجود عیب است حتی اگر شرط کامل بودن یا مشابه آن وجود نداشته باشد." (شهید ثانی. مسالک الافهام. ج. ۸. ص. ۱۳۹)

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ" ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتي از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. (سوره نسا آیه ۲۹)

**تضمین انصاف**<sup>۳۲</sup> در معاملات تجارت الکترونیکی یکی از اصول اساسی دیگری در حفظ حقوق مشتریان از منظر فقه و حقوق اسلامی است. در معاملات الکترونیکی که به دلیل سرعت و گستردگی این نوع معاملات که دسترسی کامل و جامع مشتریان به متون قرارداد و همچنین التزام به مفاد آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تضمین انصاف یکی از اساسی‌ترین حقوق مشتریان به شمار می‌رود. از منظر فقه اسلامی، در مرحله انصاف در معاملات به معنای ارائه کالا و خدمات با کیفیت مطلوب، قیمت منصفانه، و اطلاعات صحیح و کامل در مورد محصول یا خدمت است. در مرحله دوم فروشنندگان موظف‌اند که تمامی جزئیات مرتبط با محصول یا خدمت را به طور شفاف و دقیق به مشتریان ارائه دهند. این اطلاعات شامل مشخصات فنی، قیمت، شرایط گارانتی، و هرگونه محدودیت یا عیب احتمالی است. در بررسی حوزه حقوق نیز، تضمین انصاف در معاملات تجاری الکترونیکی به معنای رعایت قوانین و مقررات مرتبط با تجارت الکترونیکی است. این قوانین شامل قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قوانین حفظ حریم خصوصی و قوانین مربوط به امنیت اطلاعات است.

۳۲. انصاف به معنای عدالت‌ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست و یکی از احکام تجارت و معاملات رعایت انصاف و عدالت است؛ بدین صورت که از گران‌فروشی یا فریب‌دیگران پرهیزشود و رضای الهی را در انجام هر معامله‌ای در نظر گرفته شود؛ امام علی ع در این باره فرموده است: «یا مَعْشَرَ التَّجَّارِ، وَ جَانِبُوا الكَذِبَ، وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ، وَ انصِفُوا المَظْلُومِينَ؛ ای گروه تاجران! از دروغ گفتن دوری کنید؛ از ستم کردن فاصله بگیرید؛ و با مظلومان به انصاف و عدالت رفتار کنید.





به عنوان مثال، قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده مشتریان را در برابر هرگونه تقلب، فریب، و نقص در محصولات و خدمات حفاظت می‌کند و به آنها امکان می‌دهد که در صورت نارضایتی از محصول یا خدمت، درخواست جبران خسارت یا تعویض کالا را داشته باشند. ایضاً انصاف در معاملات الکترونیکی متضمن شامل رعایت استانداردهای کیفیت و اطمینان از ارائه محصولات و خدمات با کیفیت مطلوب است. مشتریان حق دارند که کالاها و خدماتی با کیفیت و مطابق با توضیحات ارائه‌شده دریافت کنند. در صورت وجود نقص یا عدم تطابق کالا با توضیحات، مشتریان حق دارند که کالا را بازگردانند یا تعویض کنند. این قسم از حقوق مشتریان به وضوح و کاربرد آن در مکانیزم های بازار اشاره داشته و خیار را یکی از ضمانت‌های اجرایی مفهوم انصاف دانسته است.

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا**  
ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی نکنید (سوره حجات. آیه ۱۲)

### ■ حفظ حریم خصوصی

در ابتدا به این اشاره میکنیم که در فقه و اسلامی، حفظ اسرار و حریم خصوصی افراد به عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. در روند انعقاد معاملات الکترونیکی در بستر فناوری های دیجیتال حریم خصوصی اشخاص حتی فروشندگان بسیار حائز اهمیت است، زیرا به تعاملات هر دو اشاره کرده و تا حد زیادی میتواند از فساد یا فسخ معامله جلوگیری کرده و بعنوان یکی از حقوق اساسی مشتریان قرار بگیرد. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقررات متعددی برای حفظ حریم خصوصی و امنیت اطلاعات مشتریان در تجارت الکترونیکی تدوین شده است. این قوانین تلاش دارند تا ضمن حفظ حقوق مشتریان، اعتماد آنان به سیستم‌های الکترونیکی را تقویت کنند. از جمله مواد قانونی مرتبط می‌توان اشاره کرد به:

قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲

**ماده ۵۸:** ذخیره، پردازش و یا توزیع «داده‌پیام» های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و «داده‌پیام» های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیر قانونی است.

**ماده ۵۹:** در صورت رضایت شخص موضوع «داده‌پیام» نیز به شرط آن که محتوای داده‌پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد ذخیره، پردازش و توزیع «داده‌پیام» های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد:

الف- اهداف آن مشخص بوده و به طور واضح شرح داده شده باشند.

ب- «داده‌پیام» باید تنها به اندازه ضرورت و متناسب با اهدافی که در هنگام جمع‌آوری برای شخص موضوع «داده‌پیام» شرح داده شده جمع‌آوری گردد و تنها برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد.

ج- «داده‌پیام» باید صحیح و روزآمد باشد.  
د- شخص موضوع «داده‌پیام» باید به پرونده‌های رایانه‌ای حاوی «داده‌پیام»‌های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند «داده‌پیام»‌های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند.

ه- شخص موضوع «داده‌پیام» باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پرونده رایانه‌ای «داده‌پیام»‌های شخصی مربوط به خود را بنماید.

### قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

این قانون به‌طور خاص به جرائم مرتبط با فضای سایبری و نقض حریم خصوصی افراد در این فضا می‌پردازد.

ماده ۱ قانون جرایم رایانه‌ای- (جزای نقدی اصلاحی ۱۴۰۳)- هرکس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از شصت و شش میلیون (۶۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا دویست و شصت و چهار میلیون (۲۶۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۳ قانون جرایم رایانه‌ای- (جزای نقدی اصلاحی ۱۴۰۳)- هرکس به‌طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد شد: -

ماده ۱۲ قانون جرایم رایانه‌ای- (جزای نقدی اصلاحی ۱۴۰۳)- هرکس به‌طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را بریابد، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا صد و شصت و پنج میلیون (۱۶۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از شصت و شش میلیون (۶۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا دویست و شصت و چهار میلیون (۲۶۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

### قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی مصوب ۱۴۰۱

ماده ۴. داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است.

تبصره. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظفند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم نمایند. ماده ۵. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون که بر اساس شرح وظایف مقرر در قوانین مربوط و نیز تکالیف ناشی از این قانون موظف به تولید، نگهداری، پردازش داده‌ها و اطلاعات می‌باشند، مکلفند در امر تولید، نگهداری، پردازش، حفظ امنیت و صیانت از داده‌های شخصی و تبادل و اشتراک‌گذاری و تکمیل و بروزرسانی داده‌ها و اطلاعات ملی، سیاست‌ها و نظامات مصوب شورای عالی فضای مجازی و مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را اعمال و اجراء نمایند.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی: رعایت حریم خصوصی و امنیت اطلاعات مشتریان تأثیرات مهمی در جامعه و اقتصاد دارد. از یک سو، افزایش اعتماد به تجارت الکترونیکی باعث رشد و توسعه این بخش از اقتصاد می‌شود و از سوی دیگر، حفظ حریم خصوصی و امنیت اطلاعات به تقویت حقوق شهروندی و افزایش رضایت عمومی کمک می‌کند. این امر موجب می‌شود تا مشتریان با اطمینان بیشتری از خدمات و محصولات الکترونیکی استفاده کنند و به دنبال آن، تجارت الکترونیکی در جامعه رواج بیشتری پیدا کند. حفظ حریم خصوصی و امنیت اطلاعات مشتریان در تجارت الکترونیکی یک ضرورت است که از جنبه‌های مختلف دینی، اخلاقی، حقوقی و اقتصادی برخوردار است. فقه اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر این موضوع، تلاش می‌کنند تا محیطی امن و قابل اعتماد برای تجارت الکترونیکی فراهم کنند. البته این را باید متذکر شد که قوانین موجود فعلی به تنهایی باعث حفاظت از این مقوله نیست و در بسیاری از موارد و پرونده‌های عینی کارکرد های این قوانین بسیار نا کارآمد تجربه شده است و حال این تلاش‌ها به بهبود کارکرد بازار، افزایش اعتماد مصرف‌کنندگان و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. با رعایت این اصول، می‌توان به رشد و شکوفایی تجارت الکترونیکی در کشور امیدوار بود و زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بیشتری را فراهم کرد.

چگونگی تأثیر قوانین حمایت از مصرف‌کننده بر مکانیزم‌های بازار  
قوانین حمایت از مصرف‌کننده نقش مهمی در تنظیم و اجرای مکانیزم‌های بازار دارند. این قوانین به عنوان چارچوبی برای حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان و ایجاد اعتماد در ساز و کارهای بازار تجارت الکترونیکی عمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اثرات این قوانین، الزام فروشندگان به رعایت استانداردهای بالای امنیت و شفافیت در معاملات است. روح این قوانین فروشندگان را ملزم می‌کند تا از فناوری‌های امنیتی پیشرفته برای حفاظت از اطلاعات مشتریان استفاده کنند. مکانیزم‌های بازار نیز برای تطابق با این قوانین باید اقدامات امنیتی لازم را اتخاذ کنند، که به کاهش ریسک سوءاستفاده‌های مالی و کلاهبرداری‌ها کمک می‌کند. علاوه بر این، قوانین حمایت از حقوق مشتریان می‌توانند به بهبود سیستم‌های بازخورد و رتبه‌بندی کمک کنند. این قوانین می‌توانند فروشندگان را ملزم کنند تا به نظرات و شکایات مشتریان پاسخ دهند و تلاش کنند مشکلات را حل کنند. این امر به افزایش شفافیت و بهبود کیفیت خدمات و محصولات ارائه شده کمک می‌کند و به ایجاد اعتماد بین مشتریان و فروشندگان منجر می‌شود. در نهایت، قوانین حمایت از مشتریان می‌توانند به بهبود مکانیزم‌های پرداخت امن کمک کنند و همچنین کاهش تعداد دعاوی حقوقی و اختلافات مالی کمک می‌کند و به مشتریان اطمینان می‌دهد که در صورت بروز مشکلات، حقوق قانونی‌شان محفوظ است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با بررسی و تحلیل ارتباطات و مکانیزم‌های بازار به خوبی این مسئله روشن شد که در دنیای پیچیده و رازآلود فناوری ارتباطات و اطلاعات و در بطن و اجرای قرارداد های الکترونیکی، کاستی‌ها و ناملایمات بسیاری وجود دارد که این‌ها هم ناشی از عدم بررسی و تحقیق در مورد این ساختارها است. تعدادی از بزرگترین این چالش‌ها، عدم شفافیت در ارائه اطلاعات به خریداران و فروشندگان است که این موضوع باعث کاهش اعتماد و افزایش اختلافات می‌شود و همچنین نبود قوانین جامع و مقررات است که ضابطه‌های فعلی در بسیاری از کشورها مخصوصاً کشور عزیزمان هنوز به طور کامل به روح و ماهیت تجارت الکترونیکی نپرداخته‌اند و این باعث بروز مشکلات قانونی و حقوقی متعدد شده است. همین‌طور عدم آگاهی و آموزش کافی در زمینه حقوق و فقه تجارت الکترونیکی برای طرفین معاملات می‌تواند باعث بروز اشتباهات و سوء تفاهم‌های اساسی شود و خللی در رضایت پیش از خرید و نارضایتی بعد از خرید شود.

برای کاهش کاستی‌ها و ناملايمات در انعقاد و اجرای قراردادهای الکترونیکی یا همچنین امکان اعمال خيارات قانونی در قراردادهای الکترونیکی با توجه به مقتضیات و ظرافت های این نوع از تجارت، لازم است که تحقیق و بررسی بیشتری در زمینه تطبیق خيارات قانونی از منظر حقوقی و فقهی با مکانیزم‌های موجود در بازارهای الکترونیکی در بستر فناوری های دیجیتال انجام شود. این کار می‌تواند به ایجاد و یا حتی تبیین کارآمد ساختارهای قانونی و فقهی منسجم‌تر و منظم‌تر کمک کند و تجارت الکترونیکی را به سمت توسعه پایدار و صحیح هدایت کند.

## منابع و مآخذ

قرآن کریم

- سیدرضی، ۱۳۹۹، نهج البلاغه، ترجمه و تصحیح: دشتی، محمد، ج ۱۴، تهران: پیام عدالت.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، تفسیر نمونه، ج ۳۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- السان، مصطفی، ۱۴۰۱، حقوق تجارت الکترونیکی، ج ۸، تهران: سمت.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۸۱، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۲، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- ولایی، عیسی، ۱۳۹۹، قواعد فقهی (مدنی و جزایی)، ج ۴، تهران: دارالفکر.
- دو بلفون، زویه لبنان، حقوق تجارت الکترونیک، ترجمه: ستار زرکلام، ۱۳۹۷، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر.
- عباس نژاد ورزی، رمضان و عباس، ۱۳۸۹، تجارت الکترونیکی، ج ۱، بابل: فن آوری نوین.
- زرکلام، ستار، ۱۳۹۲، اعتماد سازی در تجارت الکترونیکی، ج ۲، تهران: شهر دانش.
- جمعی از نویسندگان انتشارات لامی، مترجمین: زرکلام، ستار و قاجار قویونلو، سیامک، ۱۳۹۵، قراردادهای نرم افزاری، ج ۱، تهران: خرسندی.
- سخن خوش، زهرا، ۱۳۹۳، تجارت الکترونیک، ج ۱، تهران: میراث فرهیختگان.
- باقری اصل، حیدر، ۱۳۹۳، فسخ تجارت الکترونیکی در حقوق ایران، ج ۱، تهران: مجد.
- اسدی، بهنام وحیدری، حسن، ۱۳۹۸، جایگاه فقهی و حقوقی خيارات در قرارداد های الکترونیکی، ج ۱، تهران: قانون یار.
- فهرستی، زهرا، ۱۴۰۱، قواعد بنیادین بیع و خيارات، تهران: مجد.

## منابع انگلیسی

- "E-Commerce Law: National and Transnational Topics and Perspectives" by John A. Rothchild
- "Electronic Commerce: Law and Practice" by Stephen H. Wild
- "Digital Copyright Law and Practice" by Timothy D. Casey

## مقالات

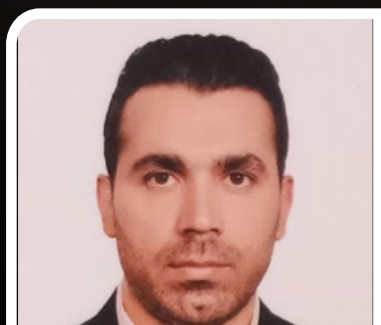
- علی احمدی، حسین و یاسر، ملکی جشفقانی، ۱۳۹۷، تحلیل مفهوم و گونه شناسی احتکار در تجارت الکترونیک، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، سیلوپکا.
- محمودی، امیررضا و بحرکامی، مریم، ۱۴۰۲، واکاوی اعمال خيارات ماده ۳۹۶ قانون مدنی در قراردادهای هوشمند، حقوق و مطالعات نوین.
- گواهی، زهرا و رباطی، زهرا، ۱۳۹۶، کاربرد خيارات در تجارت الکترونیک، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره: ۶، شماره: ۱۹.
- ایزدی فرد، علی اکبر و علیزاده، امیرمحمد، ۱۳۹۵، بررسی فقهی احتکار در تجارت الکترونیک، فقه و مبانی حقوق اسلامی سال چهل و نهم بهار ۱۳۹۵.
- و دروس خارج از فقه آیات عظام جوادی آملی، فاضل لنکرانی، نوری دامت برکاتهم

## درگاه های اینترنتی

- kHAMENEI.IR
- MAKAREM.IR
- Hawzah.net
- Quran.isca.ac.ir
- www.porseman.com
- Ahlobait.com
- Wikishia.net
- Wikifeqh.ir
- Wikiporseh.com
- Hoghoughi.nashriyat.ir
- Journals.iau.ir
- Ensani.ir
- Jfiqh.um.ac.ir
- Bonyadvokala.com
- Civilica.com
- Vakiltop.com



# تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران



**امید خجسته مهر**  
دانش آموخته دکتری  
حقوق بین الملل

## چکیده

تابعیت مضاعف یا دوجداره به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد همزمان تابعیت دو یا چند کشور را داشته باشد. این وضعیت در دنیای معاصر به ویژه در پی تحولات مهاجرتی و جهانی شدن، پیچیدگی‌های خاص خود را پیدا کرده است. در نظام حقوقی ایران، تابعیت مضاعف به طور رسمی پذیرفته نمی‌شود و در قوانین موجود، دولت ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد. قانون تابعیت ایران که در سال ۱۳۰۸ به تصویب رسید، به طور صریح بیان می‌کند که افراد ایرانی نمی‌توانند تابعیت کشور دیگری را همزمان داشته باشند. این مسأله در صورتی که فردی از طریق تولد یا مهاجرت تابعیت دو کشور را به دست آورد، به چالش‌های قانونی و حقوقی منجر می‌شود. در تحقیق حاضر، ابتدا به مفهوم تابعیت مضاعف و دلایل به وجود آمدن آن پرداخته می‌شود و سپس وضعیت آن در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. به ویژه، توجه به مسائلی چون تضاد حقوقی میان دولت‌ها، چالش‌های دیپلماتیک و محدودیت‌های خدمات دولتی برای افراد با تابعیت مضاعف اهمیت دارد. همچنین، تحلیل تطبیقی وضعیت تابعیت مضاعف در دیگر کشورها و معاهدات بین‌المللی مرتبط نیز در این تحقیق بررسی می‌شود. هدف تحقیق حاضر، تحلیل مشکلات و چالش‌های حقوقی ناشی از تابعیت مضاعف در ایران و پیشنهادات برای مواجهه با آن است. در نتیجه پیشنهاداتی برای اصلاح یا بهبود سیاست‌ها و قوانین ایران در خصوص تابعیت مضاعف ارائه می‌شود تا حقوق افراد تحت تاثیر این وضعیت به طور مؤثر و منصفانه‌تری حمایت گردد.

**کلید واژگان:** تابعیت، تابعیت مضاعف، حق تابعیت، تابعیت دوگانه، معاهدات بین‌المللی

## مقدمه

تابعیت به معنای پیوند حقوقی فرد با یک دولت است و حقوق و وظایف فرد در آن دولت را تعیین می‌کند. تابعیت انواعی دارد که شامل تابعیت اصلی یا اولیه و تابعیت مضاعف می‌شود. تابعیت اصلی تابعیتی است که یک فرد از طریق تولد، تابعیت والدین، یا تابعیت طبیعی از یک کشور به دست می‌آورد. تابعیت مضاعف زمانی به وجود می‌آید که فرد دارای تابعیت بیش از یک کشور باشد. به عنوان حالتی است که فرد همزمان تابعیت دو یا چند کشور را داشته باشد. تابعیت مضاعف می‌تواند مسائل حقوقی، اجتماعی، و سیاسی پیچیده‌ای را به وجود آورد.

دلایل‌های به وجود آمدن تابعیت مضاعف می‌تواند عواملی چون ازدواج، تولد در یک کشور با تابعیت والدین مختلف، یا مهاجرت و اخذ تابعیت جدید، سرمایه‌گذاری، یا اقامت طولانی مدت در کشور دیگری باشد. افراد با تابعیت مضاعف ممکن است از حقوق و مزایای دولتی کشورهای تابعیت آن‌ها را دارند، بهره‌مند شوند، که در برخی موارد می‌تواند مناقشه آفرین باشد. یکی از ویژگی‌های مهم تابعیت مضاعف، دسترسی به امکانات هر دو کشور تابعیت است. این مزایا می‌تواند شامل مواردی مانند حق اقامت، دسترسی به جامعه و امکان سفر و تردد آزادانه بین دو کشور، حق تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها، حق مراقبتی از خدمات درمانی و اجتماعی، حق شرکت در انتخابات، کار و تحصیل در هر دو کشور امکان‌پذیر باشد.



تابعیت ایرانی به طور کلی با تولد در ایران و یا از طریق پدر ایرانی به فرد داده می‌شود. اما ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد. تابعیت مضاعف را در مواردی که منجر به تضاد حقوقی یا سیاسی شود نمی‌پذیرد. در صورت داشتن تابعیت مضاعف، ممکن است فرد با مشکلات قانونی مانند محدودیت در خدمات دولتی، مناقشات حقوقی، یا مشکلات سیاسی روبرو شود. ممکن است فرد دارای تابعیت مضاعف از دو دولت خواسته‌های متضادی داشته باشد. تابعیت مضاعف می‌تواند مسائل دیپلماتیک برای دولت‌ها به ویژه در شرایط بحران یا جنگ ایجاد کند. یکی از معایب مهم تابعیت مضاعف، این

است که فرد ممکن است در مواردی باید بین دو تابعیت خود یکی را انتخاب کند. این امر می‌تواند در صورت شرکت در انتخابات، انجام خدمت نظام وظیفه، درخواست پناهندگی، افزایش احتمال دستگیری و محاکمه در صورت ارتکاب جرم در یکی از کشورها که دولت‌ها ممکن است به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی خود تلقی کنند اتفاق بیفتد. بررسی وضعیت تابعیت مضاعف در سایر کشورها و معاهدات بین‌المللی بیانگر آن است که برخی کشورها تابعیت مضاعف را می‌پذیرند و برخی دیگر آن را محدود یا ممنوع می‌کنند. در برخی از کشورها، تابعیت مضاعف ممنوع است به عنوان مثال، در چین، تابعیت مضاعف ممنوع است و فرد تبعه چین در صورتی که تابعیت کشور دیگری را قبول کند، تابعیت چین خود را از دست می‌دهد. برخی از معاهدات و توافقات بین‌المللی که مسائل مربوط به تابعیت مضاعف را تنظیم می‌کنند، مانند کنوانسیون‌هایی که در زمینه تابعیت از سوی سازمان ملل یا اتحادیه‌های منطقه‌ای وجود دارند.

## ۱. وضعیت تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران

با این که در مواد مختلف قانون مدنی و قانون تابعیت مصوب سال ۱۳۰۸، موارد اخذ تابعیت بیان گردیده، اما هیچ تعریفی از این که تابعیت چیست و چه ماهیتی دارد، ارائه نشده است. با این حال، می‌توان تابعیت را رابطه سیاسی و معنوی تعریف نمود که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. منظور از برقراری رابطه سیاسی آن است که یک دولت به دلیل، قدرت و حاکمیت خود، شخصی را متعلق به خود می‌داند و معنوی بودن رابطه تابعیت نیز به این معنی است که تابعیت، وابسته به مکان نیست و هر شخص، در هر نقطه ای از جهان که زندگی نماید، همیشه ارتباطش را با کشورش حفظ می‌کند. به شخصی که دارای تابعیت کشور معینی است، تبعه گفته می‌شود. یکی از اصول مهم و پذیرفته شده جهانی، در رابطه با مفهوم تابعیت، اصل لزوم داشتن تابعیت می‌باشد. بنابر این اصل، هر فردی باید تابعیت داشته باشد.

## ۲. تابعیت مضاعف و سیاست‌های داخلی ایران

یکی از مسائل اصلی تابعیت مضاعف در ایران، سیاست‌های داخلی این کشور در خصوص حمایت از اتباع خود است. از آنجا که ایران تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد، ممکن است برخی از افراد با مشکلاتی در زمینه‌های مختلف از جمله مالیات، ارث، مسئولیت‌های اجتماعی و امنیتی روبرو شوند. به‌عنوان مثال، اگر فردی که دارای تابعیت مضاعف است، در ایران مرتکب جرمی شود، دولت ایران ممکن است نتواند او را به‌طور کامل تحت پیگرد قانونی قرار دهد، زیرا ممکن است تابعیت خارجی او در نظر گرفته شود و این وضعیت به تضعیف قدرت حقوقی ایران در برخورد با چنین فردی منجر شود. این مسئله می‌تواند در مواردی که فرد در خارج از ایران مرتکب جرم شود، نیز مشکلاتی برای دولت ایران در روند استرداد و پیگیری پرونده ایجاد کند.

در حقوق داخلی ایران قانون مدنی، قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات وجود دارد که به تابعیت می‌پردازد. به‌عنوان مثال، قانون امور حسبی، قانون ثبت احوال و مهاجرت و اقامت خارجی‌ان از این قوانین و مقررات هستند.

قانون تابعیت ایران که در تاریخ ۱۳۰۸ هجری شمسی (۱۹۲۹ میلادی) تصویب شده، به‌طور صریح تابعیت ایرانی را به افرادی که در خاک ایران متولد شده‌اند یا والدین آن‌ها ایرانی باشند، اعطا می‌کند. این قانون با هدف تعیین وضعیت تابعیت افرادی که با ایران ارتباط دارند، تدوین شده است. طبق این قانون، تابعیت ایران به دو صورت از طریق خون و خاک به افراد تعلق می‌گیرد:

**تابعیت از طریق خون:** اگر والدین فرد ایرانی باشند، آن فرد تابعیت ایرانی خواهد داشت.  
**تابعیت از طریق خاک:** اگر فرد در ایران متولد شود، تابعیت ایرانی به وی تعلق می‌گیرد، مگر اینکه والدین او دارای تابعیت کشور دیگری باشند.  
با این حال، قانون تابعیت ایران به صراحت تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد و تابعیت ایران را به عنوان تابعیت اصلی و اولیه در نظر می‌گیرد.



## ۲-۲. مخالفت با تابعیت مضاعف

در قانون تابعیت ایران، هیچ‌گونه اشاره‌ای به پذیرش تابعیت مضاعف به‌طور رسمی نشده است. این بدین معناست که اگر فردی در نتیجه ازدواج با یک فرد خارجی یا مهاجرت به کشور دیگر، تابعیت کشور دیگری را کسب کند، دولت ایران این تابعیت را به رسمیت نمی‌شناسد و فرد باید تابعیت ایرانی خود را حفظ کند یا تابعیت خارجی خود را لغو نماید.

## ۳. اثرات حقوقی تابعیت مضاعف

وجود تابعیت مضاعف می‌تواند چالش‌های قانونی زیادی را در نظام حقوقی ایران ایجاد کند. برخی از مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاید عبارتند از:

**الف) مسئولیت‌های دولتی متناقض:** افراد دارای تابعیت مضاعف ممکن است در برابر دو دولت مسئولیت‌های متناقضی پیدا کنند. برای مثال، ممکن است از نظر حقوقی، دولت ایران و دولت دیگر که تابعیت آن‌ها را پذیرفته، در مواردی نظرات یا تصمیمات متفاوتی در مورد فرد داشته باشند.

**ب) تضاد در قوانین ملی:** در صورتی که فرد دارای تابعیت مضاعف در موقعیتی قرار گیرد که قوانین دو کشور در تضاد با یکدیگر قرار بگیرند، این موضوع می‌تواند به مشکلات پیچیده‌تری در زمینه حقوق شهروندی، مالیات، خدمت نظامی و موارد دیگر منجر شود.

**ج) محدودیت‌های خدمات دولتی:** به دلیل اینکه ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد، افراد با تابعیت مضاعف ممکن است از برخی خدمات دولتی یا حقوق اجتماعی در ایران محروم شوند. تابعیت مضاعف می‌تواند مشکلاتی را در روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای دیگر به وجود آورد. برای مثال، در صورتی که یک فرد با تابعیت مضاعف متهم به نقض قوانین کشور دیگری شود، ایران ممکن است از مداخله در امور حقوقی کشور مذکور خودداری کند و در نتیجه، فرد در مواجهه با مشکلات حقوقی قرار گیرد. علاوه بر این، تابعیت مضاعف ممکن است مسائل پیچیده‌ای در مورد روابط بین‌المللی و معاهدات دوجانبه ایجاد کند.

## ۳-۱. پذیرش تابعیت خارجی و لغو تابعیت ایرانی

در صورتی که فردی تابعیت یک کشور خارجی را به دست آورد، ممکن است تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد. در صورتی که فرد تابعیت ایرانی را از دست بدهد، باید این موضوع به‌طور رسمی از سوی دولت ایران اعلام شود. این وضعیت در مواقعی که فرد دارای تابعیت مضاعف است، می‌تواند مناقشه‌آفرین باشد، زیرا فرد می‌تواند در مواردی از خدمات و مزایای تابعیت ایرانی محروم شود.

## ۳-۲. تابعیت مضاعف در شرایط خاص

اگرچه در سیستم حقوقی ایران تابعیت مضاعف به‌طور رسمی پذیرفته نمی‌شود، در برخی شرایط خاص، امکان بروز وضعیت تابعیت مضاعف وجود دارد. این شرایط ممکن است در نتیجه تصمیمات شخصی یا وقوع حوادث خاص، مانند مهاجرت، ازدواج با فرد خارجی یا تولد فرزند در خارج از کشور، به وجود آید. در این موارد، افراد ممکن است به‌طور غیررسمی تابعیت دو کشور را داشته باشند، اما با مشکلات و چالش‌هایی در زمینه قوانین داخلی روبرو خواهند شد.

### ۳-۳. تابعیت مضاعف در پی ازدواج با اتباع خارجی

یکی از مواردی که ممکن است به تابعیت مضاعف منجر شود، ازدواج شهروندان ایرانی با اتباع خارجی است. طبق قانون ایران، ازدواج با اتباع خارجی به خودی خود منجر به اعطای تابعیت خارجی به همسر ایرانی نمی‌شود، اما در صورت درخواست همسر خارجی، تابعیت آن کشور به صورت جداگانه به فرد ایرانی تعلق می‌گیرد. در چنین شرایطی، فرد ایرانی می‌تواند همزمان تابعیت ایرانی و تابعیت کشور همسر خود را داشته باشد، که البته دولت ایران این وضعیت را به رسمیت نمی‌شناسد.

### ۳-۴. تولد در خارج از کشور

اگر فردی در خارج از ایران و در کشوری که تابعیت خود را بر اساس تولد می‌دهد (مثل بسیاری از کشورهای آمریکای شمالی و اروپا)، به دنیا بیاید، ممکن است طبق قوانین آن کشور تابعیت آن کشور را نیز به دست آورد. در این صورت، این فرد تابعیت ایرانی و تابعیت کشور متولدکننده را به طور همزمان خواهد داشت. در این حالت نیز، چون ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد، فرد باید در برخی موارد تابعیت ایران را حفظ کند یا تابعیت کشور خارجی خود را لغو نماید.

## ۴. ملاحظات حقوقی و اجتماعی تابعیت مضاعف در ایران

تابعیت مضاعف در ایران علاوه بر پیچیدگی‌های قانونی، اثرات اجتماعی نیز دارد که می‌تواند برای افراد و دولت‌ها چالش‌هایی ایجاد کند.

### الف) محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی

افراد دارای تابعیت مضاعف ممکن است در مواجهه با برخی خدمات اجتماعی و اقتصادی محدودیت‌هایی داشته باشند. به عنوان مثال، ممکن است این افراد در دسترسی به برخی از خدمات دولتی نظیر تحصیل در دانشگاه‌های دولتی، استخدام در دستگاه‌های دولتی، یا استفاده از برخی خدمات اجتماعی با مشکل مواجه شوند. همچنین، افراد با تابعیت مضاعف ممکن است با محدودیت‌هایی در خصوص مسائل مالی و مالیات روبرو شوند.

### ب) مشکلات نظامی

یکی از مسائل مهم تابعیت مضاعف در ایران، مسئله خدمت نظامی است. طبق قوانین ایران، خدمت نظامی برای مردان ایرانی الزامی است. اما در صورتی که فرد دارای تابعیت مضاعف باشد، ممکن است تعهدات نظامی آن کشور خارجی با تعهدات ایران تضاد پیدا کند. ایران به طور مشخص افرادی را که تابعیت خارجی دارند از خدمت نظامی معاف نمی‌کند، مگر اینکه از تابعیت ایرانی خود انصراف دهند. این تضاد می‌تواند باعث بروز مشکلاتی برای افراد با تابعیت مضاعف شود.



## ج) حقوق سیاسی و اجتماعی

افراد با تابعیت مضاعف ممکن است در برخی موارد از حقوق سیاسی خود در ایران محروم شوند. به عنوان مثال، در انتخابات عمومی ایران، افراد دارای تابعیت مضاعف ممکن است از حق رأی محروم شوند، زیرا طبق قوانین ایران، تنها افرادی که تابعیت ایرانی دارند می‌توانند در انتخابات عمومی شرکت کنند. این مسأله ممکن است به مشکلات قانونی و اجتماعی برای این افراد تبدیل شود.

## ۵. چالش‌های دیپلماتیک ناشی از تابعیت مضاعف

تابعیت مضاعف نه تنها مشکلات داخلی به همراه دارد، بلکه می‌تواند در روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای دیگر نیز تأثیر بگذارد. از آنجایی که ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد، ممکن است در مواقع بحرانی یا در زمانی که فردی با تابعیت مضاعف درگیر مسأله‌ای در خارج از کشور شود، مشکلات دیپلماتیک به وجود آید. در این شرایط، ایران ممکن است از پیگیری حقوق شهروندی فرد دارای تابعیت مضاعف خودداری کند، زیرا در نظر این کشور، او تابعیت ایرانی را از دست داده است.

### ۱-۵. تأثیر تابعیت مضاعف بر حقوق خانوادگی و فرزندپروری

تابعیت مضاعف می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر حقوق خانوادگی، به ویژه در زمینه‌های مربوط به فرزندپروری و سرپرستی فرزند داشته باشد. زمانی که یکی از والدین ایرانی باشد و والد دیگر تابعیت کشوری دیگر را داشته باشد، در صورت تولد فرزند در خارج از کشور، این فرزند ممکن است تابعیت هر دو کشور را به طور همزمان داشته باشد. این وضعیت ممکن است به چالش‌هایی در خصوص سرپرستی فرزند و تصمیمات مربوط به امور خانوادگی منجر شود. برای مثال:

حق حضانت فرزند: در برخی کشورها، قوانینی وجود دارد که مطابق آن، یکی از والدین ممکن است بر اساس تابعیت خود، حق حضانت کودک را داشته باشد. این می‌تواند به مشکلات حقوقی برای والدین ایرانی در صورتی که تابعیت کشوری دیگر را همزمان داشته باشند، منجر شود.

ازدواج‌های بین‌المللی و تابعیت فرزند: اگر یکی از والدین ایرانی و دیگری تابعیت کشوری دیگر را داشته باشد، در برخی موارد کشور میزبان ممکن است تابعیت خود را به فرزند اعطا کند، در حالی که دولت ایران تنها تابعیت ایرانی را برای فرزند در نظر می‌گیرد و این می‌تواند موجب مشکلاتی در زمینه‌های مختلف مانند ارث، سرپرستی و حقوق اجتماعی شود.

### ۲-۵. تبعات تابعیت مضاعف در هنگام مهاجرت و پناهندگی

افراد که تابعیت مضاعف دارند، ممکن است در فرآیندهای مهاجرت یا پناهندگی با چالش‌هایی روبرو شوند. در صورتی که فردی از ایران به کشور دیگری مهاجرت کند یا درخواست پناهندگی بدهد، تابعیت دوگانه می‌تواند وضعیت پیچیده‌ای ایجاد کند: تقاضای پناهندگی: کشورهای مختلف در قبال افرادی که تابعیت مضاعف دارند، رویکردهای متفاوتی دارند. برخی کشورها ممکن است به فردی که از ایران و یک کشور دیگر تابعیت دارد، پناهندگی ندهند زیرا او را تابعیتی از یک کشور دیگر می‌شناسند که ممکن است قادر به حمایت از وی باشد.

آثار حقوقی در مورد بازگشت به ایران: فردی که تابعیت ایرانی را حفظ کرده باشد و همزمان تابعیت کشوری دیگر را داشته باشد، در صورت مهاجرت به کشوری که تابعیت آن را پذیرفته است، ممکن است هنگام بازگشت به ایران با چالش‌هایی مانند تأثیرات نظامی، مالیات، یا تضادهای قانونی روبرو شود.

### ۳-۵. وضعیت تابعیت مضاعف در شرایط جنگی یا بحران

در شرایط جنگ یا بحران، تابعیت مضاعف ممکن است منجر به وضعیت‌های بحرانی و پیچیده برای افراد شود. برای مثال:

خدمت نظامی و وظایف مرتبط: در زمان جنگ، دولت‌ها به افراد خود که تابعیت آن‌ها را دارند، مسئولیت‌های قانونی خاصی را تحمیل می‌کنند، مانند خدمت در ارتش. افراد دارای تابعیت مضاعف ممکن است با تضادهایی در خصوص وظایف نظامی روبرو شوند، زیرا یکی از دولت‌ها ممکن است از آن‌ها بخواهد که در ارتش خود خدمت کنند، در حالی که دولت دیگر ممکن است چنین خواسته‌ای نداشته باشد.

حقوق سیاسی و دیپلماتیک: در مواقع جنگ یا بحران، دولت‌ها معمولاً از اتباع خود در برابر کشورهای که درگیر جنگ هستند، دفاع می‌کنند. برای افراد دارای تابعیت مضاعف، این موضوع می‌تواند پیچیدگی‌هایی ایجاد کند زیرا ممکن است ایران و کشور دیگر در وضعیت متناقضی قرار گیرند و این فرد به‌عنوان یک شهروند دو کشور، قادر به بهره‌مندی از حمایت‌های دیپلماتیک یا حقوق شهروندی هر دو دولت نباشد.

### ۴-۵. تابعیت مضاعف و سیاست‌های جهانی

در سطح جهانی، تابعیت مضاعف به‌عنوان یک مسئله حقوقی مطرح است که در کشورهای مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. ایران به‌طور قاطع تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد، اما بسیاری از کشورهای دیگر رویکردی بازتر دارند و تابعیت مضاعف را پذیرفته‌اند. برای مثال:

کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی: کشورهای چوَن کانادا و ایالات متحده آمریکا تابعیت مضاعف را به رسمیت می‌شناسند و افراد می‌توانند همزمان تابعیت بیش از یک کشور را داشته باشند. در این کشورها، تابعیت مضاعف بیشتر به‌عنوان یک حق فردی در نظر گرفته می‌شود.

کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه: برخی از کشورهای این منطقه همچنان تابعیت مضاعف را به‌طور غیررسمی یا محدود می‌پذیرند. به‌عنوان مثال، ترکیه و برخی کشورهای دیگر تابعیت مضاعف را تحت شرایط خاص قبول می‌کنند.

### ۵-۵. تابعیت مضاعف و معاهدات بین‌المللی

ایران به‌طور سنتی در زمینه پذیرش تابعیت مضاعف رویکرد محافظه‌کارانه‌ای داشته است. این رویکرد برخلاف برخی کشورهای دیگر است که بر اساس معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، تابعیت مضاعف را به رسمیت می‌شناسند یا حداقل در شرایط خاص به افراد اجازه می‌دهند که تابعیت دو کشور را حفظ کنند.

ایران در برخی معاهدات بین‌المللی نیز به‌طور غیرمستقیم به مسائل تابعیت و حقوق شهروندان پرداخته است. اما مسئله تابعیت مضاعف در این معاهدات به‌طور صریح مطرح نشده است. ایران ممکن است در آینده نیاز به بازنگری در موضع خود نسبت به این موضوع و توسعه معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق تابعیت پیدا کند. این معاهدات می‌توانند به‌ویژه در زمینه حل مشکلات حقوقی افراد با تابعیت مضاعف در سایر کشورها و جلوگیری از تضادهای قانونی میان دولت‌ها مؤثر باشند.

## ۶. چالش‌های حقوقی در مهاجرت‌های معکوس

یکی از مسائلی که ممکن است با تابعیت مضاعف در ایران مطرح شود، پدیده مهاجرت معکوس است. در حال حاضر، تعداد قابل توجهی از ایرانیان به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و برخی از آن‌ها تابعیت کشورهای جدید را به دست آورده‌اند. در صورتی که این افراد بخواهند به ایران بازگردند، ممکن است با مشکلات حقوقی مواجه شوند، به ویژه در مواردی که تابعیت ایرانی و خارجی آن‌ها همزمان باقی بماند.

این چالش‌ها می‌توانند شامل مسائل مربوط به اقامت دائم، داشتن حق رأی و مشارکت در انتخابات، یا حتی حقوق اجتماعی مانند تأمین اجتماعی، بازنشستگی، و دسترسی به خدمات دولتی باشند. در صورتی که این افراد تابعیت کشور جدید را داشته باشند و ایران آن را به رسمیت نشناسد، این افراد ممکن است از حقوقی که در داخل ایران به‌عنوان یک شهروند ایرانی دارند، محروم شوند.

### ۱-۶. تابعیت مضاعف و حقوق بشر

در سطح جهانی، تابعیت مضاعف به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری در نظر گرفته می‌شود. این موضوع به ویژه در شرایطی که افراد مجبور به ترک کشور خود به دلایل سیاسی یا اقتصادی می‌شوند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل، برخی از گروه‌های حقوق بشری از کشورهای مختلف خواسته‌اند تا شرایطی را فراهم کنند که افراد بتوانند در شرایط خاص از تابعیت مضاعف بهره‌مند شوند، بدون آنکه حقوق و مزایای شهروندی آن‌ها تضعیف شود.

### ۲-۶. چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران در برخورد با تابعیت مضاعف

همچنان که پیش‌تر گفته شد، ایران به‌طور رسمی تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد، اما در عمل ممکن است افراد با این وضعیت روبرو شوند. یکی از مشکلات مهم این است که نظام حقوقی ایران هنوز به‌طور کامل به این موضوع نپرداخته است و از این رو، افراد دارای تابعیت مضاعف ممکن است در بسیاری از جنبه‌های حقوقی خود با سردرگمی و ابهام روبرو شوند.

مثلاً، در صورتی که فردی تابعیت دوگانه داشته باشد و در حال حاضر در ایران زندگی کند، ممکن است نتواند از تمامی حقوقی که یک شهروند ایرانی باید داشته باشد، بهره‌مند شود. این مسئله به ویژه در مورد کسانی که تابعیت یک کشور غربی را دارند و در آن کشور زندگی می‌کنند، بیشتر قابل توجه است. ایران می‌تواند با تصویب قوانین دقیق‌تر و روشن‌تر، این ابهامات را برطرف کند و از حقوق این افراد محافظت کند.



## ■ نتیجه‌گیری

تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران مسئله‌ای پیچیده است که نیاز به توجه و اصلاحات قانونی دارد. اگرچه ایران تابعیت دوگانه را به‌طور رسمی نمی‌پذیرد، اما با توجه به تحولات جهانی، مهاجرت‌ها، و حقوق بشر، ضروری است که ایران در سیاست‌های خود در این زمینه بازنگری کند و شرایطی را فراهم آورد که حقوق افراد با تابعیت مضاعف به‌طور مؤثرتر و منصفانه‌تری محافظت شود. این امر می‌تواند به کاهش مشکلات حقوقی و اجتماعی مرتبط با تابعیت مضاعف و ارتقای وضعیت حقوقی افراد کمک کند. نظام حقوقی ایران در زمینه تابعیت مضاعف، شرایط خاص و پیچیده‌ای دارد. به‌طور کلی، این کشور تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد و تابعیت ایرانی را به‌عنوان تابعیت اصلی افراد به رسمیت می‌شناسد. مشکلات ناشی از تابعیت مضاعف می‌تواند در زمینه‌های حقوقی، دیپلماتیک و اجتماعی بروز پیدا کند و منجر به چالش‌های مختلفی شود. در حالی که این وضعیت ممکن است در برخی شرایط به نفع فرد تمام شود. در نتیجه، ایران نیازمند اصلاحات و رویکرد جدیدی در خصوص تابعیت مضاعف است تا بتواند با مسائل جهانی و تغییرات مهاجرتی به‌طور مؤثرتر و منصفانه‌تر برخورد کند.

## ■ پیشنهادات

با توجه به مشکلات متعدد ناشی از تابعیت مضاعف در ایران، برخی پیشنهادات برای اصلاحات قانونی مطرح می‌شود:

قانونگذاری روشن‌تر و جامع‌تر: با توجه به پیچیدگی‌های بین‌المللی، ایران می‌تواند قوانینی را تصویب کند که وضعیت افراد با تابعیت مضاعف را به‌طور واضح‌تر و قانونی‌تر مدیریت کند تا در موارد بحران و تعارض‌های حقوقی به‌طور مؤثرتر عمل کند.

پذیرش تابعیت مضاعف تحت شرایط خاص: ایران می‌تواند در شرایط خاص، به‌ویژه برای کسانی که تابعیت کشورهای دیگر را از طریق تولد یا ازدواج به دست می‌آورند، سیاست‌های ملایم‌تری اتخاذ کند. این اصلاحات می‌تواند به افراد اجازه دهد که تابعیت دوگانه را حفظ کنند، به‌ویژه در مواردی که تابعیت خارجی حقوق فردی را تضییع نمی‌کند. ایران می‌تواند در شرایط خاص تابعیت مضاعف را تحت قوانین معین به رسمیت بشناسد، به‌ویژه در مواقعی که تابعیت دوگانه باعث تضادهای جدی در حقوق و وظایف فرد نمی‌شود. ایران می‌تواند قوانین خاصی برای افرادی که در شرایط خاص (مانند ازدواج با اتباع خارجی یا تولد در خارج از کشور) تابعیت دوگانه به دست می‌آورند، تدوین کند. این قوانین می‌توانند شرایط خاصی برای افرادی که تابعیت مضاعف دارند، تعیین کنند و حقوق آن‌ها را تضمین کنند.

تعیین شرایط ویژه برای ایرانیان مقیم خارج از کشور: ایران می‌تواند سیاست‌هایی اتخاذ کند که به ایرانیان مقیم خارج از کشور اجازه دهد تا تحت شرایط خاص تابعیت دوگانه را حفظ کنند، به‌ویژه در مواردی که ترک تابعیت ایران برای آن‌ها مشکلات جدی ایجاد می‌کند.

تقویت همکاری‌های بین‌المللی: ایران می‌تواند با کشورهای دیگر در زمینه تابعیت دوگانه و حقوق اتباع خود توافقاتی را منعقد کند که به حل مشکلات حقوقی افراد دارای تابعیت مضاعف کمک کند. این امر می‌تواند شامل معاهدات دو جانبه برای حل مسائل حقوقی، دیپلماتیک و مالی باشد. ایران می‌تواند با کشورهای دیگر توافقاتی در خصوص تابعیت مضاعف و قوانین مربوط به آن داشته باشد، به‌ویژه در مواردی که به مسائل مهاجرتی و حقوق بشر مربوط می‌شود. ایران می‌تواند از فرصت‌های دیپلماتیک برای ایجاد توافقات بین‌المللی استفاده کند که به افراد دارای تابعیت مضاعف این امکان را بدهد که در صورت بروز مشکلات قانونی، از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار شوند.



## منابع

- شمس، محمود، ۱۳۹۵، حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: انتشارات سمت.
- نیکوکار، محمد، ۱۳۹۲، حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت دادگستری.
- قانون حمایت از حقوق ایرانیان مقیم خارج از کشور، تهران: وزارت امور خارجه.
- قانون تابعیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت دادگستری.
- سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- سازمان ملل متحد، کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص کاهش موارد تابعیت دوگانه.

# آثار حقوقی تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی با بررسی تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های بین‌المللی



**محمد ایمانی**

دانش‌آموخته کارشناسی حقوق  
دانشگاه آزاد شیروان

تأخیر در اجرای تعهد یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائلی است که در روابط حقوقی و تجاری میان طرفین قراردادهای به‌ویژه در نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند به‌طور مؤثر تأثیرگذار باشد. این پدیده، که اغلب به‌عنوان نقض یا تأخیر در تعهدات قراردادی شناخته می‌شود، به‌طور مستقیم بر حقوق و منافع طرفین قرارداد تأثیر می‌گذارد و ممکن است تبعات اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی داشته باشد. در حقوق ایران، مطابق با قانون مدنی، تأخیر در اجرای تعهدات ممکن است باعث ایجاد خسارت‌های مالی و غیرمالی شود و طرف مقابل می‌تواند با استفاده از ابزارهای قانونی مختلف مانند مطالبه خسارت، فسخ قرارداد و درخواست اجرای مجدد تعهد، به حل و فصل این مشکل پردازد. علاوه بر این، تأخیر در اجرای تعهدات، ممکن است خود به تنهایی نوعی نقض قرارداد محسوب شود که منجر به ایجاد مسئولیت برای متعهد تأخیرکننده خواهد شد. در این راستا، یکی از نکات مهم در این تحقیق، تمایز قائل شدن میان تأخیر در اجرا و سایر انواع نقض قراردادهاست. تأخیر در اجرا به‌طور ویژه به این معناست که متعهد، برخلاف انتظارات طرف مقابل، نتوانسته است تعهد خود را در زمان و مکان مقرر انجام دهد. این تأخیر ممکن است ناشی از دلایل مختلفی از جمله مشکلات مالی، اجرایی، یا حتی اجبارهای بیرونی باشد. در حالی که سایر انواع نقض قرارداد نظیر عدم انجام کامل یا جزئی تعهدات، به معنای ناتوانی در انجام تعهد است. این تفکیک بسیار مهم است، زیرا راهکارهای حقوقی مختلفی برای هر یک از این موارد وجود دارد و نحوه برخورد با آنها در نظام‌های حقوقی متفاوت متفاوت است. مقاله حاضر، به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف تأخیر در اجرای تعهدات در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. این تحلیل شامل مطالعه مفاهیم پایه‌ای مرتبط با تأخیر در اجرا، علل و عوامل بروز این پدیده، و پیامدهای آن برای طرفین قرارداد است. همچنین، مقایسه‌ای تطبیقی میان مقررات حقوقی ایران و مقررات بین‌المللی، به‌ویژه در چارچوب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) و دیگر اسناد بین‌المللی مشابه، انجام می‌شود. کنوانسیون CISG به‌عنوان یک مدل مهم در حقوق بین‌الملل، مقررات خاصی را برای رسیدگی به تأخیر در اجرای تعهدات مطرح کرده است که به‌ویژه در روابط تجاری بین‌المللی کاربرد زیادی دارد. در این مقاله، تلاش شده است تا با تحلیل این مقایسه‌ها، شیوه‌های حقوقی متنوعی که در نظام‌های مختلف برای برخورد با تأخیر در اجرای تعهدات وجود دارد، بررسی شده و پیشنهاداتی برای بهبود روندهای حقوقی و تجاری در داخل کشور و همچنین در روابط بین‌المللی مطرح گردد. این تحقیق همچنین به تحلیل تأثیرات تأخیر در اجرای تعهد بر روابط تجاری و اقتصادی می‌پردازد و چگونگی تأثیر این موضوع بر اعتماد طرفین قرارداد، اعتبار تجاری، و هزینه‌های ناشی از دیرکرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت، هدف از این مقاله، ارائه یک چارچوب تحلیلی جامع است که به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر موضوع تأخیر در اجرای تعهدات در سیستم‌های مختلف حقوقی و تجاری کمک کند و راهکارهایی عملی و مؤثر برای جلوگیری از بروز مشکلات حقوقی ناشی از تأخیر در تعهدات ارائه دهد. این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک منبع معتبر برای وکلای، قضات، و کارشناسان حقوقی در تحلیل مسائل مربوط به تأخیر در اجرای تعهدات در هر دو سطح ملی و بین‌المللی استفاده شود.

**کلیدواژه‌ها:** تأخیر در تعهدات، ضمانت اجرا، فسخ قرارداد، جبران خسارت، اجرای اجباری.

## ۱. مقدمه

در دنیای امروز که روابط تجاری و اقتصادی به طور فزاینده‌ای جهانی و پیچیده می‌شود، مسائل حقوقی مرتبط با قراردادهای نقش حیاتی در تحقق اهداف تجاری و حفظ منافع طرفین قرارداد ایفا می‌کنند. یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوقی که در این زمینه مطرح می‌شود، موضوع تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی است. تأخیر در انجام تعهدات، به‌ویژه در قراردادهای تجاری و بین‌المللی، می‌تواند تبعات و پیامدهای قابل توجهی به دنبال داشته باشد که نه تنها بر طرفین قرارداد، بلکه بر اقتصاد کلان نیز تأثیرگذار است. همانطور که در مطالعات مختلف نشان داده شده است، تأخیر در تعهدات ممکن است باعث کاهش اعتبار تجاری و آسیب به اعتماد میان طرفین شود (البرقاوی، ۲۰۱۸؛ العساف، ۲۰۲۰). تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی، که ممکن است به دلایل مختلفی همچون مشکلات اقتصادی، اجرایی، یا شرایط خاص غیرقابل پیش‌بینی به وقوع بپیوندد، می‌تواند اعتبار و اعتماد طرفین را تحت تأثیر قرار دهد و موجب ایجاد خسارت‌های مالی و غیرمالی گردد. در بسیاری از مواقع، این تأخیر ممکن است به‌عنوان نقض قرارداد قلمداد شود و طرف زیان‌دیده حق مطالبه خسارت یا حتی فسخ قرارداد را پیدا کند. به همین دلیل، شناخت دقیق ابعاد مختلف این موضوع و یافتن راهکارهای مؤثر برای حل و فصل آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این راستا، برخی محققان بر این باورند که باید تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی در تحلیل تأخیر در اجرا در کشورهای مختلف را مورد توجه قرار داد (العساف، ۲۰۲۰). در نظام حقوقی ایران، تأخیر در اجرای تعهدات همچنان یکی از مسائل پیچیده و مورد بحث در حقوق قراردادهای به‌شمار می‌رود. در این راستا، قانون مدنی ایران قواعد خاصی را برای مواجهه با تأخیر در اجرا و پیامدهای ناشی از آن پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران، هرگاه یکی از طرفین قرارداد نتواند به‌موقع تعهدات خود را انجام دهد، طرف مقابل می‌تواند درخواست فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت کند. این در حالی است که در سطح بین‌المللی، مقررات مختلفی در خصوص تأخیر در اجرای تعهدات وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) اشاره کرد. این کنوانسیون به‌عنوان یک سند معتبر بین‌المللی، مفاهیم و راهکارهای مختلفی برای مواجهه با تأخیر در اجرای تعهدات در سطح جهانی ارائه می‌دهد (البرقاوی، ۲۰۱۸). هدف از این تحقیق، بررسی دقیق و تحلیلی موضوع تأخیر در اجرای تعهدات در نظام حقوقی ایران است. در این پژوهش، به تحلیل علل، آثار و راهکارهای حقوقی مختلف در مقابله با تأخیر در اجرا پرداخته می‌شود. همچنین، مقایسه‌ای میان مقررات داخلی ایران و اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون CISG انجام خواهد شد تا جنبه‌های مختلف این موضوع در حقوق بین‌الملل روشن گردد. در نهایت، هدف اصلی این مقاله، ارائه راهکارهایی است که می‌تواند به تسهیل حل و فصل مسائل ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات در روابط تجاری و حقوقی کمک کند و به‌عنوان مبنای پژوهشی معتبر برای وکلا، قضات و کارشناسان حقوقی در تحلیل این موضوع قرار گیرد.

## ۲. تأخیر در اجرای تعهد در حقوق

تأخیر در اجرای تعهد به وضعیتی گفته می‌شود که متعهد نتواند تعهد خود را در موعد مقرر اجرا کند، اما همچنان امکان انجام آن وجود داشته باشد. این موضوع در حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی، تحت شرایط خاصی موجب اعمال ضمانت اجراهایی همچون الزام به اجرا، جبران خسارت و در مواردی فسخ قرارداد می‌شود. در این مقاله، مفهوم تأخیر در اجرای تعهد، عناصر تشکیل‌دهنده آن و تفاوت آن با سایر اشکال نقض قرارداد بررسی خواهد شد.

### ۲/۱. تعریف تأخیر در اجرای تعهد

بر اساس ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران، در صورتی که متعهد به صورت داوطلبانه و بدون عذر موجه، از اجرای تعهد خود در زمان مقرر خودداری کند، متعهدله حق خواهد داشت خسارت تأخیر را مطالبه نماید (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۳۴). این تأخیر ممکن است موجب ورود ضرر به متعهدله شود و بسته به شرایط، ضمانت اجراهایی مانند الزام به اجرا، مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد را به دنبال داشته باشد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۰). تفاوت تأخیر در اجرای تعهد با عدم اجرای تعهد (نقض قرارداد) در حقوق قراردادهای، میان تأخیر در اجرای تعهد و عدم اجرای تعهد تفاوت وجود دارد:  
- تأخیر در اجرای تعهد: تعهد همچنان قابل انجام است، اما در زمان مقرر انجام نشده است (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۸۵).  
- عدم اجرای تعهد (نقض اساسی): تعهد به طور کلی انجام نشده و ممکن است دیگر امکان اجرای آن وجود نداشته باشد (Bell, ۲۰۱۷: ۱۵۰).

### ۲/۲. عناصر تشکیل‌دهنده تأخیر در اجرای

بر اساس نظریه‌های حقوقی، برای تحقق تأخیر در اجرای تعهد، سه عنصر اصلی وجود دارد:  
وجود تعهد معتبر: باید تعهدی الزام‌آور میان طرفین وجود داشته باشد (Poole, ۲۰۲۰: ۱۹۸). تعهد معتبر تعهدی است که مطابق قوانین و مقررات، از نظر حقوقی الزام‌آور باشد. یعنی متعهد موظف به اجرای آن بوده و در صورت تخلف، متعهدله می‌تواند از ضمانت اجراهای قانونی استفاده کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۱۲). اگر تعهدی اساساً معتبر نباشد، عدم اجرای آن به عنوان تأخیر در تعهد تلقی نمی‌شود، بلکه از ابتدا تعهدی وجود نداشته که قابل اجرا باشد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۸۵). برای آنکه تعهدی معتبر و الزام‌آور تلقی شود، باید شرایط زیر را داشته باشد:

#### ۲/۲/۱. مشروعیت و قانونی بودن تعهد

تعهد باید مطابق با قوانین و مقررات باشد. اگر موضوع تعهد نامشروع یا خلاف قانون باشد (مثلاً تعهد به انجام یک عمل غیرقانونی)، تعهد از ابتدا باطل است و تأخیری در اجرای آن مطرح نمی‌شود (ماده ۲۳۲ قانون مدنی ایران؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۱۵). در حقوق تطبیقی نیز نامشروع بودن تعهد، باعث بی‌اعتباری آن می‌شود (Poole, ۲۰۲۰: ۴۵).



### ۲،۲،۲. وجود اراده جدی و قصد انشا

طرفین قرارداد باید قصد جدی برای ایجاد تعهد داشته باشند. اگر تعهد صرفاً به صورت صوری باشد، تأخیر در اجرای آن قابل بحث نخواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۷: ۹۲). در کامن‌لا، اصل "intention to create legal relations" ایجاب می‌کند که تعهدات باید با قصد الزام آور بودن ایجاد شده باشند (Bell, ۲۰۱۷: ۶۲).

### ۲،۲،۳. قابلیت اجرای تعهد

تعهد باید ماهیتاً قابل اجرا باشد. اگر تعهدی ذاتاً غیرممکن باشد، از ابتدا باطل تلقی می‌شود و در نتیجه، تأخیری در اجرای آن قابل تصور نخواهد بود (ماده ۲۳۳ قانون مدنی؛ صفایی، ۱۳۹۰: ۷۵). در حقوق بین‌الملل نیز، اگر اجرای تعهد غیرممکن باشد، متعهد از مسئولیت معاف خواهد شد (Schlechtriem & Schwenger, ۲۰۱۶: ۲۲۰).

### ۲،۲،۴. تعیین موضوع تعهد

موضوع تعهد باید مشخص و معین باشد. اگر تعهد مبهم باشد، اجرای آن ممکن نیست و در نتیجه، بحث تأخیر در اجرای آن نیز بی‌معنا خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)، اگر موضوع تعهد نامعین باشد، قرارداد ممکن است غیرقابل اجرا تلقی شود (Schlechtriem & Schwenger, ۲۰۱۶: ۱۴۵).

### ۲،۲،۵. آثار وجود تعهد معتبر در تأخیر اجرای

اگر تعهد معتبر باشد و متعهد آن را در موعد مقرر انجام ندهد، متعهدله می‌تواند مطالبه خسارت کند (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۷۸). در صورتی که تأخیر موجب از بین رفتن هدف قرارداد شود، ممکن است متعهدله حق فسخ داشته باشد (Poole, ۲۰۲۰: ۱۹۸). وجود شرط وجه التزام در قرارداد می‌تواند اجرای تعهد را تضمین کرده و تأخیر را کاهش دهد (Bell, ۲۰۱۷: ۱۵۰).

### ۲،۲،۶. تعیین مهلت اجرای تعهد

زمان اجرای تعهد باید در قرارداد مشخص باشد یا بر اساس عرف تعیین شود (Schlechtriem & Schwenger, ۲۰۱۶: ۳۴۰). وجود تعهد معتبر اولین شرط برای تحقق تأخیر در اجرای تعهد است. اگر تعهدی از ابتدا نامعتبر باشد، تأخیر در اجرای آن قابل تصور نیست. بنابراین، برای بررسی آثار تأخیر، ابتدا باید اعتبار و قابلیت اجرای تعهد اثبات شود.

## ۲،۲،۷. عدم اجرای تعهد در موعد مقرر

عدم اجرای تعهد در موعد مقرر به معنای این است که یکی از طرفین قرارداد تعهد خود را در زمان تعیین شده انجام ندهد. در این حالت، متعهد نه تنها تعهد خود را در موعد مقرر انجام نمی‌دهد، بلکه ممکن است این تعهد به طور کلی اجرا نشود یا به طور کامل انجام نشود. در نتیجه، طرف دیگر قرارداد (متعهدله) ممکن است از طریق مطالبه خسارت، الزام به اجرا یا حتی فسخ قرارداد اقدام کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۳۸). متعهد باید بدون داشتن عذر موجه، تعهد خود را در زمان تعیین شده اجرا نکند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۵۶).

### ۲،۲،۷،۱. تفاوت عدم اجرای تعهد با تأخیر در اجرای تعهد

عدم اجرای تعهد: در این حالت، تعهد از اساس انجام نمی‌شود و متعهد نمی‌تواند یا نمی‌خواهد تعهد خود را اجرا کند. این وضعیت می‌تواند ناشی از عدم آمادگی، غیرممکن بودن یا بی‌میل بودن به انجام تعهد باشد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). تأخیر در اجرای تعهد: در تأخیر، متعهد هنوز قصد اجرای تعهد را دارد، اما اجرای آن به دلایل مختلف (مثل شرایط خاص، تأخیر در تحویل مواد اولیه و غیره) به تعویق می‌افتد (صفایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

### ۲،۲،۷،۲. آثار عدم اجرای تعهد در موعد مقرر

در صورتی که یکی از طرفین تعهدات خود را در موعد مقرر اجرا نکند، ممکن است به طور مستقیم مسئول جبران خسارت شود. برخی از آثار این تخلف عبارتند از:

- **مطالبه خسارت:** متعهدله می‌تواند به دلیل عدم اجرای تعهد در موعد مقرر، مطالبه خسارت کند. بر اساس ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران، "اگر تأخیر یا عدم اجرای تعهد ناشی از تقصیر متعهد باشد، متعهدله می‌تواند جبران خسارت کند" (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۴۲).

- **الزام به اجرا:** متعهدله می‌تواند از دادگاه درخواست کند که متعهد به انجام تعهد خود ملزم شود. در این صورت، دادگاه ممکن است برای اجرای تعهد زمان جدیدی تعیین کند (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

- **فسخ قرارداد:** اگر عدم اجرای تعهد در موعد مقرر اساسی باشد (مثلاً تعهد به تحویل کالایی که برای طرف دیگر حیاتی است)، متعهدله ممکن است از حق فسخ قرارداد بهره مند شود. در این حالت، قرارداد به طور کلی از بین می‌رود و هر یک از طرفین موظف به بازگشت به وضعیت پیش از قرارداد خواهند بود (ماده ۲۳۹ قانون مدنی ایران؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۵۳). عدم اجرای تعهد در موعد مقرر ممکن است به اعتبار قرارداد لطمه وارد کند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، قراردادهایی که توسط یکی از طرفین به طور مداوم و بدون دلیل موجه نقض می‌شوند، به عنوان نقض حسن نیت و اعتماد متقابل ارزیابی می‌شوند. این امر می‌تواند به کاهش اعتبار قرارداد و روابط تجاری منجر شود (Bell, ۲۰۱۷: ۱۵۴).



### ۲،۲،۷،۳. شرایط و علل عدم اجرای تعهد در موعد مقرر

اگر عدم اجرای تعهد ناشی از شرایط غیرقابل پیش‌بینی یا فورس ماژور باشد (مانند بلایای طبیعی، جنگ، شورش)، در این صورت ممکن است متعهد از مسئولیت خود معاف شود. در این موارد، متعهد می‌تواند ادعا کند که اجرای تعهداتش غیرممکن بوده است (ماده ۲۳۳ قانون مدنی ایران؛ Schlechtriem & Schwenger, ۲۰۱۶: ۲۴۰). عدم تمایل به اجرا؛ اگر متعهد عمداً یا بدون دلیل موجه از انجام تعهد خودداری کند، مسئول خواهد بود و متعهدله حق دارد که علاوه بر خسارت، الزام به اجرا یا فسخ قرارداد را درخواست کند.

عدم آمادگی برای اجرا؛ اگر متعهد به دلایلی که قابل پیش‌بینی بوده‌اند (مثلاً ناتوانی در تأمین منابع یا تأخیر در تولید کالا) نتواند تعهد خود را در موعد مقرر انجام دهد، این وضعیت به‌عنوان نقض قرارداد محسوب می‌شود و ضمانت اجراهای قانونی به دنبال خواهد داشت.

### ۲،۲،۷،۴. بررسی تطبیقی در نظام‌های حقوقی مختلف

حقوق ایران: در قانون مدنی ایران، عدم اجرای تعهد در موعد مقرر به‌طور صریح پیش‌بینی شده است. ماده ۲۳۸ به‌صراحت بیان می‌کند که در صورت عدم اجرای تعهد، متعهدله می‌تواند خسارت مطالبه کند و در صورت نقض اساسی تعهد، حق فسخ قرارداد را دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۵۰). حقوق فرانسه: ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه به شرایط عدم اجرای تعهد اشاره کرده و در صورتی که عدم اجرا منجر به نقض اساسی قرارداد شود، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را خواهد داشت (Terré, Simler & Lequette, ۲۰۱۹: ۳۱۰). قانون تجارت بین‌المللی: طبق ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)، اگر تعهدات به‌طور اساسی نقض شوند، طرف مقابل حق فسخ و جبران خسارت را دارد (Schlechtriem & Schwenger, ۲۰۱۶: ۳۰۰). عدم اجرای تعهد در موعد مقرر یکی از نقض‌های مهم قرارداد است که می‌تواند به آثار حقوقی سنگینی برای متعهد به همراه داشته باشد. اگر تعهد در موعد مقرر اجرا نشود و دلیل موجهی وجود نداشته باشد، متعهد مسئول جبران خسارت خواهد بود و در موارد خاص، متعهدله ممکن است حق فسخ قرارداد را داشته باشد. علاوه بر این، اهمیت حسن نیت و اعتماد متقابل در اجرای تعهدات قراردادی باید مورد توجه قرار گیرد.

## ۲,۳. ضمانت اجرای تأخیر در اجرای تعهد

در حقوق ایران، اگر متعهد تعهد خود را در موعد مقرر اجرا نکند، متعهدله می‌تواند از ضمانت‌های اجرایی مختلفی مانند الزام به اجرا، مطالبه خسارت، فسخ قرارداد و وجه التزام استفاده کند. این ضمانت‌های اجرا در قانون مدنی و سایر مقررات مرتبط پیش‌بینی شده‌اند. در حقوق ایران، ضمانت‌های تأخیر در اجرای تعهد شامل موارد زیر است:

الزام به اجرای تعهد: اگر اجرای تعهد هنوز ممکن باشد، متعهدله می‌تواند متعهد را ملزم به اجرای تعهد کند (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۸۵). مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی، اگر متعهد از انجام تعهد امتناع کند، متعهدله می‌تواند الزام او را از دادگاه درخواست کند، مشروط بر اینکه اجرای تعهد همچنان ممکن باشد.

### ۲,۳,۱. شرایط الزام به اجرا:

تعهد باید ممکن باشد؛ اگر اجرای آن غیرممکن شده باشد، الزام به اجرا منتفی است (ماده ۲۲۷ قانون مدنی). الزام به اجرا منوط به تصریح در قرارداد یا عرفی بودن آن است. اگر اجرای تعهد توسط شخص دیگری ممکن باشد، دادگاه می‌تواند متعهد را ملزم کند که هزینه آن را بپردازد (ماده ۲۳۸ قانون مدنی). مثال: اگر شخصی تعهد به ساخت یک ساختمان داشته باشد اما از اجرای آن خودداری کند، دادگاه می‌تواند او را ملزم به تکمیل ساختمان کند یا دستور دهد که شخص ثالثی این کار را انجام دهد و هزینه آن از متعهد گرفته شود.

حق فسخ قرارداد: در صورتی که تأخیر، قرارداد را از هدف اصلی خود ساقط کند، متعهدله می‌تواند قرارداد را فسخ کند (ماده ۲۳۹ قانون مدنی؛ شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۱۰).

**مطالبه خسارت ناشی از تأخیر:** اگر تأخیر باعث ورود خسارت شود، متعهدله می‌تواند خسارت ناشی از آن را مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۵۶). مثال: اگر فروشنده متعهد باشد که یک دستگاه صنعتی را در تاریخ معینی تحویل دهد ولی با تأخیر این کار را انجام دهد، خریدار می‌تواند خسارت ناشی از این تأخیر را مطالبه کند. در حقوق ایران، تأخیر در اجرای تعهد دارای ضمانت‌های متعددی است که مهم‌ترین آنها شامل الزام به اجرا، مطالبه خسارت، فسخ قرارداد و وجه التزام می‌شود. انتخاب ضمانت اجرای مناسب بستگی به شرایط قرارداد، میزان خسارت و خواسته متعهدله دارد. اگر اجرای تعهد ممکن باشد دادگاه متعهد را ملزم به اجرا می‌کند. اگر تأخیر موجب خسارت شود متعهدله می‌تواند مطالبه خسارت کند. اگر تأخیر باعث بی‌اثر شدن قرارداد شود متعهدله می‌تواند قرارداد را فسخ کند. اگر وجه التزام در قرارداد تعیین شده باشد متعهد باید مبلغ مقرر را بپردازد. در نهایت، استفاده از ضمانت‌های اجرایی مناسب می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از تأخیر در اجرای تعهد جلوگیری کند و اجرای صحیح تعهدات را تضمین نماید.

## ۳. تأخیر در اجرای تعهد در حقوق تطبیقی

### ۳.۱. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) یکی از مهم‌ترین اسناد حقوقی در زمینه تجارت بین‌الملل است که برای هماهنگ‌سازی قوانین بیع بین‌المللی تدوین شده است. این کنوانسیون مقررات مشخصی برای تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی و ضمانت‌اجراهای آن ارائه می‌دهد. کنوانسیون CISG در ماده ۴۵ برای تأخیر در اجرای تعهد، ضمانت‌اجراهایی مانند الزام به اجرای تعهد، فسخ قرارداد، و مطالبه خسارت را پیش‌بینی کرده است (Schlechtriem & Schwenzler, ۲۰۱۶: ۳۴۰).

#### ۳.۱.۱. مفهوم تأخیر در اجرای تعهد

در چارچوب CISG، تأخیر در اجرای تعهد به معنای عدم انجام تعهدات قراردادی در زمان مقرر است. این تأخیر می‌تواند از سوی فروشنده در تحویل کالا (ماده ۳۰ CISG) یا از سوی خریدار در پرداخت ثمن یا تحویل گرفتن کالا (ماده ۵۳ CISG) باشد (Schwenzler, ۲۰۱۶, p. ۴۳۲).

#### ۳.۱.۲. ضمانت‌اجراهای تأخیر در اجرای تعهد در CISG

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در صورت تأخیر در اجرای تعهد، چندین ضمانت اجرا برای طرف زیان‌دیده پیش‌بینی کرده است.

#### ۳.۱.۳. الزام به اجرای تعهد

مطابق ماده ۴۶ CISG، خریدار می‌تواند در صورت عدم اجرای تعهد از سوی فروشنده، اجرای عین تعهد را مطالبه کند، مگر اینکه اجرای آن غیرممکن یا نامعقول باشد (Lookofsky, ۲۰۲۲, p. ۲۱۹). به‌طور مشابه، ماده ۶۲ CISG به فروشنده این حق را می‌دهد که در صورت عدم انجام تعهدات از سوی خریدار، اجرای تعهد را درخواست کند (Honold & Flechtner, ۲۰۱۸, p. ۳۱۰).

#### ۳.۱.۴. فسخ قرارداد

در صورتی که تأخیر در اجرای تعهد، نقض اساسی قرارداد تلقی شود، طرف زیان‌دیده می‌تواند قرارداد را فسخ کند. ماده ۴۹ CISG به خریدار اجازه می‌دهد که اگر فروشنده در اجرای تعهدات خود قصور کرده و این قصور ماهیت اساسی داشته باشد، قرارداد را فسخ کند (Schlechtriem & Schwenzler, ۲۰۲۲, p. ۳۷۸). به‌طور مشابه، ماده ۶۴ CISG این حق را برای فروشنده در نظر گرفته است، در صورتی که خریدار در پرداخت ثمن یا تحویل گرفتن کالا تأخیر جدی داشته باشد (Murray, Holloway & Timmer, ۲۰۲۰, p. ۴۵۵).

#### ۳.۱.۵. مطالبه خسارت

مطابق ماده ۷۴ CISG، طرف زیان‌دیده می‌تواند در صورت تأخیر در اجرای تعهد، خسارت ناشی از آن را مطالبه کند. این خسارات شامل ضررهای مستقیم، عدم‌النفع و هزینه‌های اضافی می‌شود (DiMatteo et al., ۲۰۱۶, p. ۵۸۷).

#### ۳.۱.۶. تعیین مهلت اضافی (Nachfrist)

بر اساس ماده ۴۷ CISG، خریدار می‌تواند مهلت معقولی برای اجرای تعهدات به فروشنده بدهد. در صورت عدم اجرای تعهد در این مهلت، خریدار می‌تواند از حقوقی مانند فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت استفاده کند (Mistelis, ۲۰۱۸, p. ۴۹۲). کنوانسیون CISG به طرف زیان‌دیده اجازه می‌دهد که اجرای عین تعهد، مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد را به‌عنوان ضمانت اجرا برای تأخیر در اجرای تعهد انتخاب کند. با توجه به این مقررات، فروشنندگان و خریداران در تجارت بین‌المللی باید نسبت به تعهدات زمانی خود دقت کافی داشته باشند تا از پیامدهای حقوقی ناشی از تأخیر جلوگیری کنند.

## ۳.۲. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، بر اساس ماده ۱۲۳۱-۱ قانون مدنی این کشور، اگر یکی از طرفین تعهد خود را در زمان مقرر انجام ندهد، طرف مقابل می‌تواند قرارداد را فسخ کرده یا مطالبه خسارت کند (Terré, Simler & Lequette, ۲۰۱۹: ۲۷۵).

### ۳.۲.۱. مفهوم تأخیر در اجرای تعهد

در حقوق فرانسه، تأخیر در اجرای تعهد به معنای عدم انجام تعهد در موعد مقرر است که می‌تواند منجر به اعمال ضمانت‌اجراهای مختلفی شود. مطابق ماده ۱۲۳۱-۱ قانون مدنی فرانسه، در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن، متعهدله می‌تواند خسارت مطالبه کند (Lando & Beale, ۲۰۰۰, p. ۲۰۱).

### ۳.۲.۲. ضمانت‌اجراهای تأخیر در اجرای تعهد

در صورت تأخیر در اجرای تعهد، قانون مدنی فرانسه ضمانت‌اجراهای متعددی را پیش بینی کرده است:

الزام به اجرای عین تعهد: مطابق ماده ۱۲۲۱ قانون مدنی فرانسه، متعهدله می‌تواند اجرای عین تعهد را درخواست کند، مگر اینکه اجرای آن غیرممکن باشد یا هزینه آن نسبت به نفع حاصل از آن نامتناسب باشد (Tunc, ۲۰۰۲, p. ۴۵).

فسخ قرارداد: بر اساس ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی فرانسه، در صورتی که عدم اجرای تعهد به حدی جدی باشد که هدف قرارداد را نقض کند، متعهدله می‌تواند قرارداد را فسخ کند (Friedrich, ۲۰۰۴, p. ۹۷).

مطالبه خسارت: مطابق ماده ۱۲۳۱-۵ قانون مدنی فرانسه، در صورت تأخیر در اجرای تعهد، متعهدله می‌تواند خسارت ناشی از این تأخیر را مطالبه کند (Renault, ۲۰۱۰, p. ۱۵۱).

### ۳.۲.۳. وجه التزام در حقوق فرانسه

وجه التزام یا شرط جزایی، مبلغی است که طرفین در قرارداد تعیین می‌کنند تا در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن، متعهد آن را به متعهدله بپردازد. مطابق ماده ۱۲۳۱-۵ قانون مدنی فرانسه، قاضی می‌تواند این مبلغ را کاهش دهد اگر آن را نامتناسب با خسارت واقعی بداند (Friedrich, ۲۰۰۴, p. ۱۰۱). در حقوق ایران نیز تأخیر در اجرای تعهدات مورد توجه قرار گرفته است. مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، در صورت تأخیر در پرداخت دین، متعهد موظف به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه است (کارگر، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۰). با این حال، تفاوت‌هایی در ماهیت و شرایط اعمال این ضمانت اجراها بین حقوق ایران و فرانسه وجود دارد که نیازمند بررسی‌های تطبیقی است.

## ۳، ۴. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، تأخیر در اجرای تعهدات به طور کلی به معنی عدم انجام تعهد در موعد مقرر است که می‌تواند به نقض قرارداد منجر شود. در این زمینه، حقوق انگلیس با دقت بیشتری مفهوم تأخیر را تعریف کرده است و بر اساس آن، تعهدات قابل تأخیر به طور دقیق در قراردادهای مختلف مشخص می‌شود. در نظام کامن‌لا، تأخیر در اجرای تعهدات بسته به ماهیت تعهد، می‌تواند موجب فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت شود. به عنوان مثال، در پرونده *Hong Kong Fir Shipping Co. Ltd v Kawasaki Kisen Kaisha Ltd* (۱۹۶۲)، دادگاه انگلیسی معیار «نقض اساسی» را برای بررسی تأخیر در اجرای تعهد مطرح کرد (Poole, ۲۰۲۰: ۱۹۸). مطابق قانون قراردادهای انگلیس، اگر یک طرف قرارداد نتواند در زمان مقرر به تعهدات خود عمل کند، طرف دیگر می‌تواند خسارات ناشی از این تأخیر را مطالبه کند (Beale, ۲۰۱۰: p. ۱۲۵). همچنین، بسته به ماهیت تعهدات، امکان فسخ قرارداد یا مطالبه اجرای عینی آن وجود دارد.

### ۳، ۴، ۱. ضمانت‌اجراهای تأخیر در اجرای تعهد در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، در صورت تأخیر در اجرای تعهد، چندین ضمانت‌اجرا وجود دارد: الزام به اجرای عین تعهد؛ همانطور که در حقوق فرانسه نیز مورد بررسی قرار گرفت، در حقوق انگلیس نیز ممکن است متعهد له خواهان اجرای عین تعهد باشد. در این زمینه، قانون انگلیس به طور خاص به شرایط مختلف قرارداد توجه دارد و درخواست اجرای عین تعهد باید منطقی و قابل اعمال باشد (Cheshire & Fifoot, ۲۰۱۷: p. ۲۰۰). فسخ قرارداد؛ در صورتی که تأخیر در اجرای تعهد به طور قابل توجهی قرارداد را نقض کند، طرف متضرر می‌تواند درخواست فسخ قرارداد کند. فسخ قرارداد در حقوق انگلیس تابع شرایط خاصی است و باید نشان داده شود که تأخیر تأثیر زیادی بر قرارداد داشته است (Miller, ۲۰۰۱: p. ۹۰). مطالبه خسارت؛ در حقوق انگلیس، در صورت تأخیر در اجرای تعهد، طرف متضرر می‌تواند خسارت ناشی از تأخیر را مطالبه کند. این خسارت‌ها ممکن است شامل خسارت‌های غیرمادی نیز باشد (Henderson, ۲۰۰۶: p. ۱۲۵).

### ۳، ۴، ۲. وجه التزام در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس نیز مشابه با حقوق فرانسه، طرفین قرارداد می‌توانند وجه التزام (شرط جزایی) را در صورت تأخیر در اجرای تعهد پیش‌بینی کنند. این مبلغ از پیش تعیین شده برای جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات است و در بسیاری از قراردادها استفاده می‌شود. در صورتی که این مبلغ نامتناسب با خسارت واقعی باشد، ممکن است توسط دادگاه کاهش یابد (Beale, ۲۰۱۰: p. ۱۳۰). در حقوق فرانسه نیز مشابه با حقوق انگلیس، اگر تأخیر در اجرای تعهد به نقض قرارداد منجر شود، طرف مقابل حق فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت را دارد. با این حال، در حقوق فرانسه توجه ویژه‌ای به اجرای عینی تعهدات شده است، در حالی که در حقوق انگلیس معمولاً به پرداخت خسارت یا فسخ قرارداد تمایل بیشتری وجود دارد (Tunc, ۲۰۰۲: p. ۵۵).

۴. بررسی راهکارهای کاهش آثار تأخیر در اجرای تعهدات  
برای کاهش آثار منفی تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی، می‌توان راهکارهای زیر را در نظر گرفت:

- تعیین ضمانت‌اجراهای دقیق در قرارداد؛ در قراردادها باید به طور مشخص ضمانت‌اجراهای تأخیر پیش‌بینی شود.

- استفاده از شرط وجه التزام؛ تعیین وجه التزام برای تأخیر می‌تواند موجب کاهش تخلفات شود (Bell, ۲۰۱۷: ۱۵۰).

- توسعه داوری و میانجی‌گری؛ استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف می‌تواند به حل سریع‌تر اختلافات کمک کند.

تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی یکی از مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز در حقوق است که تأثیرات عمیقی بر روابط تجاری، اقتصادی و حقوقی طرفین قرارداد می‌گذارد. این پدیده می‌تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زیادی داشته باشد و به‌ویژه در زمینه‌های تجاری و بین‌المللی، موجب کاهش اعتبار طرفین، افزایش هزینه‌ها و حتی فسخ قرارداد گردد. در حقوق ایران، بر اساس قانون مدنی، تأخیر در اجرا می‌تواند موجب مطالبه خسارت، الزام به اجرای تعهدات یا فسخ قرارداد گردد. تفاوت اساسی میان تأخیر در اجرا و سایر انواع نقض قرارداد، نظیر عدم اجرای کامل یا جزئی تعهدات اهمیت زیادی دارد و بر نوع واکنش حقوقی نسبت به این وضعیت تأثیرگذار است. تحلیل تطبیقی میان حقوق ایران و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) نشان می‌دهد که در حقوق بین‌الملل نیز مقررات خاصی برای برخورد با تأخیر در اجرای تعهدات وجود دارد که در روابط تجاری بین‌المللی کاربرد فراوانی دارد. این مقایسه‌ها می‌تواند به بهبود راهکارهای قانونی در سطح داخلی و بین‌المللی کمک کند و راه‌حلهایی مؤثر برای جلوگیری از بروز مشکلات حقوقی ناشی از تأخیر در تعهدات ارائه دهد. به‌طور کلی، توجه به علل و آثار تأخیر در اجرای تعهدات و تحلیل دقیق مقررات موجود در هر دو سطح ملی و بین‌المللی می‌تواند به پیشگیری از بروز این مشکلات کمک کند و از ایجاد خسارت‌های مالی و غیرمالی جلوگیری نماید. این تحقیق بر اهمیت شناخت ابعاد مختلف تأخیر در اجرای تعهدات تأکید دارد و می‌تواند به وکلا، قضات و کارشناسان حقوقی در تحلیل مسائل پیچیده مرتبط با این موضوع کمک نماید.



۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان. (ص. ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۳، ۲۳۴، ۲۵۶، ۲۳۸).
۲. کارگر، حسین. (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات دیدار.
۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۹۷). حقوق تعهدات. تهران: نشر سمت. (ص. ۸۵، ۹۲، ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۱۰).
۴. صفایی، حسین. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه تهران. (ص. ۷۵، ۱۸۵، ۲۲۵، ۲۳۰).

## المصادر والمقالات العربية

۵. البرقاوی، ناصر. (۲۰۱۸). "التأخیر في تنفيذ العقود في النظام القانوني السعودي". مجلة الدراسات القانونية، ۱۴(۲)، ۳۰-۴۵.
۶. العساف، عبدالله. (۲۰۲۰). "دور التأخیر في تنفيذ العقود في القانون العربي". مجلة القانون الدولي، ۲۲(۳)، ۱۲۳-۱۴۰.

## English sources and articles

- Oxford University. (15th ed) Cheshire, Fifoot and Furmston's Law of Contract. (۲۰۱۰). Beale, H. V. Press.
- .Contract Law in Context. Oxford University Press. (۲۰۱۷). Bell, A. A. (p. ۱۵۰, ۱۶۲).
- .Butterworths. (16th ed) Law of Contract. (۲۰۱۷). Cheshire, G. C., & Fifoot, C. H. S. ۹
- International Sales Law: A. (۲۰۱۶). DiMatteo, L. A., Janssen, A., Magnus, U., & Schulze, R. ۱۰. (p. ۵۸۷). Global Challenge. Cambridge University Press
- , French Contract Law: General Principles." The Cambridge Law Journal" (۲۰۰۸). Friedrich, M. ۱۱. (p. ۱۰۵-۹۰, ۲)۶۳
- .Contract Law and Legal Practice in the UK. Oxford University Press. (۲۰۰۶). Henderson, D. ۱۲
۱۹۸۰. Uniform Law for International Sales under the. (۲۰۱۸). Honnold, J., & Flechtner, H. M. ۱۳. (p. ۳۱۰). United Nations Convention. Kluwer Law International
- .Comparative Contract Law. Cambridge University Press. (۲۰۱۶). Katerina, N., & Paschalis, G. ۱۴. (p. ۲۱۹). Understanding the CISG. Kluwer Law International. (۲۰۲۲). Lookofsky, J. ۱۵
- .The Law of Contract in England and Wales. Routledge. (۲۰۰۱). Miller, R. ۱۶
- .CISG and Arbitration. Oxford University Press. (۲۰۱۸). Mistelis, L. ۱۷. (p. ۴۹۲)
- Schlechtriem & Schwenger: Commentary on the. (۲۰۲۰). Murray, C., Holloway, D., & Timmer, N. ۱۸. (p. ۴۵۵). UN Convention on the International Sale of Goods (CISG). Oxford University Press
- .Textbook on Contract Law. Oxford University Press. (۲۰۲۰). Poole, J. ۱۹. (p. ۱۹۸, ۴۵)
- The French Civil Code and Its Modern Applications." International Journal" (۲۰۱۰). Renault, J. ۲۰. (p. ۱۶۰-۱۴۰, ۳)۶, of Comparative Law
- Commentary on the UN Convention on the. (۲۰۱۶). Schlechtriem, P., & Schwenger, I. ۲۱. (p. ۳۰۰, ۲۴۰, ۲۲۰, ۱۴۵). International Sale of Goods (CISG). Oxford University Press
- Commentary on the UN Convention on the. (۲۰۲۲). Schlechtriem, P., & Schwenger, I. ۲۲. (p. ۳۷۸). International Sale of Goods (CISG). Oxford University Press
- .CISG Commentary. Oxford University Press. (۲۰۱۶). Schwenger, I. ۲۳. (p. ۴۳۲)
- The New French Civil Code and Contract Law." Journal of Private" (۲۰۰۲). Tunc, A. ۲۴. (p. ۵۰-۴۲, ۱)۱, International Law
- .Droit Civil – Les Obligations. Dalloz. (۲۰۱۹). Terré, F., Simler, P., & Lequette, Y. ۲۵. (p. ۳۱۰, ۲۷۵)
- Principles of European Contract Law (Part II). Kluwer Law. (۲۰۰۰). Lando, O., & Beale, H. ۲۶. International

# حقوق صاحبان علائم تجاری در ایران



**پریا نقی لو**

دانشجوی کارشناسی حقوق  
دانشگاه زنجان



**امیرحسین هاشمی**

دانشجوی کارشناسی حقوق  
دانشگاه زنجان

علائم تجاری یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناسایی و تمایز کالاها و خدمات در دنیای تجارت هستند که نقش بسزایی در پیشبرد رقابت سالم و حمایت از حقوق مالکیت معنوی ایفا می‌کنند. این علائم شامل کلمات، تصاویر، صداها، ترکیب رنگ‌ها و سایر نشانه‌هایی هستند که هویت برندها را تقویت کرده و اعتماد مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهند.

مطابق با قوانین ایران، علائم تجاری از طریق ثبت رسمی تحت حفاظت قرار می‌گیرند و حقوق انحصاری به مالک خود اعطا می‌کنند. این حقوق شامل استفاده انحصاری از علامت، جلوگیری از سوء استفاده دیگران، امکان انتقال یا واگذاری آن به اشخاص دیگر، و اعطای مجوز بهره برداری می‌شود. همچنین، مدت اعتبار علائم تجاری در ایران ۱۰ سال است و قابلیت تمدید برای دوره‌های مشابه را دارد.

ثبت و حمایت از علائم تجاری نه تنها به صاحبان برند امکان حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خود را می‌دهد، بلکه به مصرف‌کنندگان نیز کمک می‌کند تا محصولات یا خدمات اصل را از تقلبی تشخیص دهند. این امر در تقویت رقابت بین‌المللی شرکت‌های ایرانی و جلوگیری از رقابت ناعادلانه نقش مهمی دارد. این مقاله ضمن بررسی تعاریف و اهمیت علائم تجاری، به حقوق قانونی صاحبان این علائم در نظام حقوقی ایران پرداخته و بر ضرورت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی تأکید می‌کند. این هماهنگی می‌تواند زمینه ساز ارتقای کیفیت بازارهای داخلی و موفقیت در عرصه جهانی شود.

**کلیدواژه‌ها:** رقابت تجاری، ثبت علائم تجاری، حقوق انحصاری، حمایت قانونی، نظام حقوقی ایران، سوء استفاده از علائم تجاری، رقابت ناعادلانه، حفاظت از برند، استانداردهای بین‌المللی.





## مقدمه

در دنیای تجارت و کسب و کارهای امروزی، که رقابت در آن هر روز شدیدتر می شود، تمایز میان محصولات و خدمات مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این میان، علائم تجاری به عنوان ابزارهای کلیدی برای شناسایی، تمایز و حفاظت از هویت برند ها نقش حیاتی دارند. علائم تجاری که به شکل ها و نشانه های مختلفی نظیر کلمات، لوگوها، صداها، تصاویر، ترکیب رنگ ها و حتی بو ها ظاهر می شوند، به مصرف کنندگان این امکان را می دهند که محصولات یا خدمات یک شرکت را از دیگر رقبا تشخیص دهند. این علائم، نه تنها به عنوان ابزاری برای شناسایی منابع کالا و خدمات عمل می کنند، بلکه سرمایه گذاری های کلانی در برندینگ و بازاریابی به حساب می آیند. از آنجا که علائم تجاری نماد شناخته شده ای برای هویت یک برند هستند، حفاظت از آنها در برابر نقض و سوء استفاده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع، ثبت و محافظت از علائم تجاری، به صاحب برند این امکان را می دهد که حقوق انحصاری خود را در بازار حفظ کند و از رقابت نا عادلانه یا تقلب جلوگیری کند. این حقوق انحصاری نه تنها موجب ایجاد اعتماد و اعتبار برای مشتریان می شود، بلکه باعث می شود که برند ها بتوانند در فضای رقابتی به طور مؤثر و کارآمد حضور پیدا کنند. توسعه و ترقی صنعت و تجارت، افزایش فروش کارخانه ها، تولید محصولات مختلف، گسترش روابط در داخل کشور و در سطح بین المللی، اهمیت زیادی به علائم تجاری داده و کلیه کشورها مجبور شده اند تا برای حفظ حقوق و حمایت از تولید کنندگان و جلوگیری از فریب خوردن مصرف کنندگان مقرراتی برای علائم تجاری وضع کنند. به طوری که امروزه در همه کشورها برای ثبت و حمایت علائم تجاری و صنعتی مقرراتی تصویب شده است.

### با توجه به مطالب فوق، سوالات پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- علائم تجاری چیست و چه اهمیتی دارد؟
- ۲- مطابق قوانین و مقررات صاحبان علائم تجاری چه حقوقی دارند؟
- ۳- چگونه می توان علائم تجاری را ثبت کرد و فرایند ثبت آن به چه صورت است؟
- ۴- چه اقدامی باید در صورت مشابهت، نقض علائم تجاری، علائمی که شرایط ماهوی لازم ندارد و علامتی که تا مدت طولانی استفاده نشده است، انجام داد؟

## ۱- تعریف علائم تجاری:

**علائم تجاری (Trademark)** نشانه‌هایی هستند که برای شناسایی و تمایز کالاها یا خدمات یک فرد یا شرکت از دیگران به کار می‌روند. این علائم می‌توانند شامل کلمات، عبارات، نمادها، لوگوها، اسامی تجاری، طراحی‌ها، صداها یا حتی رنگ‌ها باشند. هدف از ثبت علامت تجاری، حفاظت از حقوق مالکیت معنوی و جلوگیری از سوء استفاده دیگران از برند و شهرت آن است.

ماده ۳ علامت، علامت جمعی و نام تجاری عبارت است از:

الف- علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد.

ب- علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبدا و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد.

ج- نام تجاری یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. (ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات، علائم جمعی و نام‌های تجاری)

### ماده ۱

علامت تجاری عبارت است از هر قسم علامتی که اعم از نقش، تصویر رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیر آن که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجاری یا فلاحتی اختیار میشود. ممکن است یک علامت تجاری برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی از زارعین یا ارباب صنعت یا تجار و یا محصول یک شهر و یک ناحیه از مملکت اختیار شود. تبصره- داشتن علامت تجاری اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قراردهد (ماده ۱ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوبه اول تیرماه ۱۳۱۰)

برای اینکه نام‌های تجاری، علائم تجاری، علائم خدماتی و اشکال تجاری در برابر نقض مورد حمایت قرار گیرند باید متمایز باشند. وقتی رقبا به طور فریب‌آمیزی از نام‌های تجاری، علائم تجاری، علائم خدماتی یا شکل تجاری مشابه استفاده می‌کنند، نقض اتفاق افتاده است. (علائم تجاری در حقوق ایران، توکلی کرمانی، سعید، مجله دادرسی، شماره ۱، ۱۳۷۶، ص ۱۹)

یکی از موضوعات و شاخه‌های اصلی مالکیت فکری بحث مربوط به علائم تجاری است. صاحب علامت تجاری پس از ثبت علامت می‌تواند به طور انحصاری از آن بهره‌برداری کند. علامت نشانه‌ای است، مشخص‌کننده که می‌تواند روی محصول قرارگیرد یا همراه با ارائه خدمات یا بازاریابی محصول مطرح شود؛ کاربرد آن آگاه‌سازی مردم در رابطه با مبدأ صنعتی یا تجاری کالا یا خدمات است. درواقع این گونه علائم، به طور غیر مستقیم ضمانتی هستند برای کیفیت، زیرا مصرف‌کننده انتظار دارد از کالا و خدمات همراه با علامت تجاری کیفیت و استاندارد پویایی را دریافت کند. به علاوه این علائم یکی از عناصر با ارزش دارایی و سرمایه (غیرمادی) متعلق به شرکت‌ها هستند. (شمس، ۱۳۸۲، ص ۳۱)





## ۱- تعریف علائم تجاری:

علائم تجاری به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در سیستم‌های حقوقی و تجاری، در ایران نیز اهمیت ویژه ای دارند. این اهمیت به چندین دلیل است که در زیر به آنها اشاره می‌شود، همراه با منابع مختلف برای اطلاعات بیشتر.

### ۱-۲- حفاظت از حقوق مالکیت معنوی

علائم تجاری به صاحبان کسب و کار این امکان را می‌دهند که از نام، علامت یا نشانه‌ای که نمایانگر برند یا محصولات آن‌ها است، در برابر استفاده غیرمجاز یا تقلبی توسط رقبا محافظت کنند. این مسأله به ویژه در بازاری که رقابت بالا است و خطر تولید محصولات تقلبی وجود دارد، اهمیت پیدا می‌کند.

### ۲-۲- تقویت اعتماد مصرف‌کنندگان

علائم تجاری به مشتریان کمک می‌کند تا کالاها و خدمات مورد نظر خود را شناسایی کنند و از کیفیت آن اطمینان یابند. این امر باعث ایجاد وفاداری به برند می‌شود و نقش مهمی در تصمیمات خرید دارد.

### ۳-۲- ایجاد تمایز در بازار

یک علامت تجاری منحصر به فرد می‌تواند به کسب و کار کمک کند تا در میان رقبا برجسته شود. این تمایز می‌تواند تأثیر زیادی در جذب مشتریان جدید و ایجاد هویت برای شرکت‌ها داشته باشد.

### ۴-۲- حفظ سرمایه‌گذاری و افزایش ارزش تجاری

زمانی که یک علامت تجاری ثبت می‌شود، می‌تواند به عنوان یک دارایی معنوی محسوب شود که می‌تواند در بازارهای مختلف به فروش رسد یا در صورت نیاز برای تأمین مالی استفاده شود. این امر به ویژه برای کسب و کارهای بزرگ و برندهای معروف اهمیت زیادی دارد.

### ۵-۲- نقش در رقابت‌های بین‌المللی

با توجه به جهانی شدن اقتصاد و تجارت، ثبت و حفاظت از علائم تجاری برای شرکت‌های ایرانی که قصد دارند وارد بازارهای بین‌المللی شوند، ضروری است. در صورتی که علائم تجاری به طور صحیح ثبت نشوند، ممکن است در بازارهای خارجی با مشکلات حقوقی مواجه شوند.

### ۶-۲- سهیل فرآیندهای تجاری و کاهش تقلب علائم تجاری

به عنوان ابزار شناسایی اصالت کالاها و خدمات عمل می‌کنند و به کاهش تقلب و کلاهبرداری در بازار کمک می‌کنند. با استفاده از علائم تجاری، مصرف‌کنندگان قادر به تشخیص محصولات اصلی از تقلبی خواهند بود.

### ۳- حقوق صاحبان علائم تجاری:

مهم‌ترین حقوق ناشی از ثبت علامت در ماده ۴۰ قانون تصریح شده اند. ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری حقوق ناشی از ثبت علامت، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است:

الف- استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت، مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد.

ب- مالک علامت ثبت‌شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه، موجب گمراهی عموم می‌گردد.

ج- حقوق ناشی از ثبت علامت، اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود.

د- مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است. یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تاخیر، در نظر گرفته می‌شود. (ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری)

#### ۳-۱- حق انحصاری استفاده از علامت تجاری

صاحب علامت تجاری پس از ثبت آن، حق انحصاری استفاده از علامت تجاری را در ارتباط با کالاها یا خدمات مشخص شده دارد. این بدان معناست که فقط صاحب علامت مجاز به استفاده از علامت تجاری خود در بازار است و هیچکس دیگری نمی‌تواند بدون اجازه او، از آن علامت استفاده کند. (محمد حسین کریمی، عباس، ۱۳۹۴، ص ۲)

#### ۳-۲- حق جلوگیری از تقلب و سوءاستفاده

صاحبان علائم تجاری می‌توانند از استفاده غیرمجاز یا تقلبی از علامت خود جلوگیری کنند. هرگونه استفاده از علامت مشابه یا مشابه به علامت تجاری ثبت شده، که باعث سردرگمی مصرف‌کنندگان شود، ممنوع است و صاحب علامت حق پیگیری قضائی در این زمینه را دارد.

#### ۳-۳- مدت زمان اعتبار علامت تجاری و تمدید آن

مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است.

#### ۳-۴- دعاوی قضائی و حق پیگیری در مراجع قانونی

صاحب علامت تجاری می‌تواند در صورت نقض حقوق خود، از طریق مراجع قضائی پیگیری کند. در صورتی که کسی از علامت تجاری ثبت شده سوء استفاده کند، صاحب علامت حق شکایت در دادگاه را دارد.

#### ۳-۵- حق برخورداری از حمایت قانونی

صاحبان علائم تجاری می‌توانند از حمایت قانونی در برابر هرگونه نقض حقوق خود برخوردار شوند. این حمایت شامل جلوگیری از تقلب، استفاده غیرمجاز از علامت، و جلوگیری از گمراهی مصرف‌کنندگان است.



### ۳-۶- اعطای مجوز بهره‌برداری

صاحب علامت تا جایی که باعث گمراهی مشتریان نباشد، می‌تواند به دیگران اجازه دهد که از آن علامت استفاده کنند. به عنوان مثال صاحب یک فروشگاه معروف، با دریافت مبالغی به فروشگاه‌های دیگر اجازه می‌دهد که از علامتش استفاده کنند یا یک خودرو ساز، ضمن انتقال تکنولوژی به کارخانه‌ای دیگر، اجازه می‌دهد که علامتی را روی بعضی از خودروهای خود درج کند.

صدور این مجوز به دیگران معمولاً تحت شرایط خاصی انجام می‌شود. مثلاً شاید این اجازه فقط برای استفاده از علامت در بعضی اماکن خاص (مثل استان تهران)، یا بعضی محصولات و خدمات خاص (مثلاً فقط در مورد یک مدل خاص از خودرو) صادر شود. همچنین ممکن است اجازه‌گیرنده با مالک علامت توافق کند که اجازه استفاده از آن را به شخص دیگری اعطاء نکند. در هر حال، مجموعه متنوعی از توافقات و تعهدات می‌توانند در قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری درج شوند. طبیعتاً اگر علامتی ثبت نشده یا مورد حمایت قانون‌گذار نباشد، شرایط برای انعقاد این نوع قراردادها مهیا نمی‌شود. ماده ۱۴۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مالک علامت می‌تواند اجازه بهره‌برداری از علامت ثبت‌شده خود را به هر شکل قانونی به دیگری اعطا نماید. در مجوز بهره‌برداری همچنین باید صریحاً به این نکته اشاره شود که آیا اجازه به صورت انحصاری صادر می‌شود یا خیر، و نیز این که آیا اجازه‌گیرنده فعلی حق اعطای اجازه‌های بعدی را دارد یا خیر اگر انحصاری یا غیر انحصاری بودن بهره‌برداری از علامت در مجوز ذکر نشود هر مجوز بهره‌برداری که به ثبت می‌رسد، غیر انحصاری تلقی می‌گردد. قراردادهایی که برای اعطای مجوز بهره‌برداری یا احیاناً انتقال حقوق مالکیت (مثل فروش علامت) منعقد می‌شوند باید کتباً به مراجع ذی صلاح اعلام شوند. یکی از موضوعاتی که این مرجع احراز می‌کند، نظارت مالک علامت بر کیفیت و مرغوب کالاها و خدمات شخصی است که از او مجوز می‌گیرد. اگر این نظارت نباشد، ممکن است مشتریان به اشتباه بیافتند و کارکرد اصلی علامت جهت «ایجاد تمایز» میان کالاها و خدمات مخدوش شود. ماده ۱۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مرجع ثبت مکلف است وجود شرایطی را در زمینه کنترل اجازه‌دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالاها یا خدمات موضوع علامت توسط اجازه‌گیرنده را در مجوز بهره‌برداری احراز کند، در غیر این صورت، مجوز بهره‌برداری قابل ثبت نخواهد بود. (ماده ۱۴۱ و ۱۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری)

## ۷-۳- حق انتقال یا واگذاری علامت تجاری

علاوه بر صدور مجوز بهره برداری، امکان انتقال مالکیت علامت نیز وجود دارد. با صدور مجوز، علامت در مالکیت صاحب قبلی می ماند و صرفاً اجازه استفاده از آن به دیگری اعطا می شود، اما با انتقال مالکیت تمام یا بخشی از حقوق علامت به شخص یا اشخاص دیگر واگذار می شود. انتقال مالکیت می تواند کلی یا جزئی باشد. در حالت اول تمام حقوق و امتیازات ناشی از علامت در اختیار شخص دیگری قرار می گیرد و مالک قبلی هیچ حقی (حق مالی) نسبت به آن نخواهد داشت. در حالت دوم، ممکن است امتیاز بهره برداری از علامت صرفاً برای بعضی از کالاها و خدمات، یا فقط در بعضی مناطق جغرافیایی به شخص دیگری واگذار شود.

ماده ۱۳۹ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری هرگونه انتقال مالکیت علامت ثبت شده باید در مرجع ثبت به ثبت برسد. در درخواست کتبی برای ثبت انتقال باید نکات زیر صریحاً قید شود:

۱- شماره و تاریخ ثبت علامت در ایران؛  
۲- اسم و نشانی و تابعیت منتقل الیه مالک جدید یا نماینده قانونی وی، در صورت وجود؛  
۳- در صورت انتقال جزئی، بیان کالاها و خدماتی که علامت نسبت به آنها منتقل شده است.

اصل آخرین گواهی نامه معتبر علامت، سند انتقال علامت که به امضا مالک پیشین علامت و منتقل الیه رسیده است، مدارک نمایندگی قانونی، در صورت وجود، و رسید مربوط به پرداخت هزینه ها باید ضمیمه درخواست شود.  
تبصره ۱- تا زمانی که انتقال انجام شده در دفتر مربوط ثبت نشده باشد، مرجع ثبت فقط شخصی را که علامت به نام او ثبت شده مالک خواهد شناخت.  
تبصره ۲- انتقال قهری علامت با رعایت مقررات این ماده توسط ورثه و با ارایه رونوشت مصدق گواهی انحصار وراثت با تعیین سهم الارث به ثبت می رسد.

## ۸-۳- حق تقدم

ایران مثل بسیاری از کشورهای دیگر عضو کنوانسیون پاریس است. مطابق این کنوانسیون، اگر شخصی علامت خود را در یکی از کشورهای عضو ثبت کند به مدت شش ماه برای ثبت آن علامت در سایر کشورهای عضو، حق تقدم خواهد داشت. یعنی در این مدت اگر متقاضی دیگری هم برای ثبت آن علامت وجود داشته باشد، این شخص در اولویت قرار می گیرد. به عنوان مثال، اگر شخص الف زمان ثبت علامت در ایران اعلام کند که خواستار برخورداری از حق تقدم در کشور ترکیه است و دو ماه بعد، شخص ب بخواهد همان علامت را در ترکیه ثبت کند، اولویت با شخص الف است در این حالت، تنها زمانی شخص ب می تواند آن علامت را در ترکیه ثبت کند که شخص الف از امتیاز خود برای ثبت علامت استفاده نکند. با توجه به این که حق تقدم از جمله حقوق مالی است، امکان انتقال آن وجود دارد بنابراین شخصی که در کشوری حق تقدم دارد، می تواند آن را در ازای دریافت مبلغی به شخص دیگر منتقل کند با این کار، شخص اول دیگر از این امتیاز برخوردار نیست و شخص دوم - که شاید قبلاً هیچ علامت مشابهی ثبت نکرده باشد - در اولویت قرار می گیرد. (ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری)

## ■ ۴- لغو علامت به درخواست اشخاص ثالث

مطابق قانون گاهی شخص ثالث - شخصی غیر از مالک علامت - می‌تواند به دادگاه مراجعه و با اثبات بعضی موارد، موجب لغو آن علامت شود.

**حالت اول:** علامتی که شرایط ماهوی لازم را ندارد با توجه به شرایط ماهوی ثبت علامت یک علامت تجاری باید حتماً شامل بعضی ویژگی‌ها باشد. ممکن است علامتی بدون داشتن این ویژگی‌ها، اشتباهاً ثبت شود یا شاید بعضی از ویژگی‌ها به مرور زمان از بین رفته باشند. مطابق ماده‌ی ۴۱ اگر علامتی فاقد شرایط ماهوی باشد هر شخص ذی‌نفعی می‌تواند به دادگاه مراجعه و برای لغو آن علامت درخواست کند. به عنوان مثال اگر مالک یک علامت متوجه شود که به تازگی علامتی شبیه آن برای کالاها یا خدمات مشابه ثبت شده است، یا یک اتحادیه‌ی کارگری متوجه شود که مضمون یک علامت تجاری توهین‌آمیز است، می‌توانند با استناد بر «فقدان قدرت ایجاد تمایز» یا «تعارض با اخلاق حسنه» تقاضای خود برای لغو این علائم را به دادگاه تسلیم کنند. همچنین ممکن است علامتی که قبلاً همه‌ی شرایط ماهوی را داشته است، حالا فاقد برخی از آن‌ها باشد.

ماده ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند مفاد بند الف ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن موثر است و آگهی مربوط به آن نیز در اولین فرصت ممکن منتشر می‌شود {۰۰۰}

**حالت دوم:** علامتی که تا مدت طولانی از آن استفاده نشده است.

مطابق ماده ۴۱ اگر از یک علامت تجاری تا سه سال بعد از ثبت شدن استفاده نشود، ذی‌نفع می‌تواند به دادگاه مراجعه و برای لغو آن درخواست کند. بعد از سه سال، اگر از علامت استفاده شود و تا یک ماه بعد از آن، هیچ درخواستی برای لغو آن وجود نداشته باشد، دیگر نمی‌توان علامت را به این دلیل لغو کرد. اما اگر از علامت استفاده شود و ظرف سی روز بعد از آن، درخواست لغو به دادگاه ارائه شود، این استفاده کردن تأثیری در تصمیم دادگاه نخواهد داشت. همچنین بدیهی است که اگر از علامت به کلی استفاده نشده و سه سال گذشته باشد، هر ذی‌نفعی می‌تواند لغو آن را از دادگاه بخواهد. در این خصوص نیازی نیست که علامت حتماً توسط مالک اصلی استفاده شده باشد، بلکه اگر شخص دیگری هم با موافقت او از علامت استفاده کند، لغو علامت منتفی است.

بار اثبات «عدم استفاده از علامت طی حداقل سه سال بعد از ثبت آن» با ذی‌نفعی است که به دادگاه مراجعه می‌کند اگر عدم استفاده از علامت اثبات شود، مالک علامت می‌تواند با اثبات این که عدم استفاده به دلیل قوه قهریه بوده است، از لغو آن جلوگیری کند به عنوان مثال شاید مالک طی سال‌های اخیر زندان بوده یا در بستر بیماری بوده باشد که در این حالت چون عدم استفاده به قوه قهریه منتسب است، دادگاه خواسته خواهان مبنی بر لغو علامت را نمی‌پذیرد.

بخش دوم ماده ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری: {۰۰۰} هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت شده شخصاً یا به وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده است، آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است، می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند در صورتی که ثابت شود قوه قهریه مانع استفاده از علامت شده است، ثبت علامت لغو نمی‌شود.

## ۵- فرایند ثبت علائم تجاری در ایران:

ثبت علائم تجاری مراحل خاصی دارد که طبق قوانین و مقررات مربوطه انجام می‌شود. در ادامه توضیحاتی در این زمینه آورده شده است:

**جستجو و بررسی پیشینه علامت تجاری:** قبل از ثبت علامت تجاری، ابتدا باید از ثبت نبودن آن علامت در سامانه مرکز مالکیت معنوی اطمینان حاصل کنید. این کار برای جلوگیری از تضاد با علائم تجاری قبلاً ثبت شده ضروری است.

**درخواست ثبت علامت تجاری:** پس از اطمینان از عدم وجود علامت مشابه، باید درخواست ثبت علامت تجاری را از طریق سامانه آنلاین مرکز مالکیت معنوی به ثبت برسانید. در این مرحله باید فرم درخواست تکمیل شده و هزینه های مربوطه پرداخت شود.

**بررسی درخواست و مدارک:** مرکز مالکیت معنوی درخواست و مدارک ارائه شده را بررسی می‌کند. این مدارک معمولاً شامل نمونه هایی از علامت تجاری، مشخصات متقاضی (شخص حقیقی یا حقوقی) و فهرست کالاها یا خدماتی است که علامت تجاری برای آن‌ها ثبت می‌شود.

**آگهی و اعلام نظر عمومی:** پس از تایید درخواست، علامت تجاری در روزنامه رسمی منتشر می‌شود تا عموم افراد فرصت داشته باشند اعتراض خود را در مدت ۳۰ روز اعلام کنند. اگر اعتراضی به ثبت علامت تجاری نشود، ثبت نهایی انجام می‌شود.

**صدور گواهی ثبت:** در صورتی که اعتراضات و موانع قانونی وجود نداشته باشد، گواهی ثبت علامت تجاری به نام متقاضی صادر می‌شود و علامت تجاری به مدت ۱۰ سال به ثبت می‌رسد. این مدت می‌تواند به صورت مداوم تمدید شود. (مرکز مالکیت معنوی)



علائم تجاری به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام های حقوقی و اقتصادی مدرن، نقشی اساسی در شناسایی و تمایز کالاها و خدمات ایفا می کنند. این ابزارهای حقوقی نه تنها برای ایجاد هویت و شخصیت برای برندها ضروری هستند، بلکه به عنوان عامل اصلی اعتماد سازی در میان مصرف کنندگان، به حفظ رقابت سالم و جلوگیری از تقلب و اغواگری در بازار کمک می کنند. در دنیای کنونی که رقابت های تجاری به سرعت در حال گسترش است، اهمیت ثبت و حفاظت از علائم تجاری هر روز بیشتر نمایان می شود. قوانین و مقررات حقوقی پیرامون علائم تجاری، با توجه به تحولات سریع فناوری و گسترش بازارهای بین المللی، به طور مستمر در حال به روزرسانی و پیچیده تر شدن هستند. در این راستا، ایجاد نظام های حقوقی جامع و کارآمد برای محافظت از حقوق صاحبان علائم تجاری، همچون حق استفاده انحصاری و امکان انتقال یا اعطای مجوز بهره برداری، نقش حیاتی در حفظ و توسعه برندها ایفا می کند. این امر نه تنها از تضییع حقوق مالکیت معنوی جلوگیری می کند، بلکه موجب ارتقاء جایگاه برندها در بازارهای داخلی و بین المللی می شود.

با توجه به این مسائل، ضرورت توجه کسب و کارها به فرآیند ثبت و حفاظت از علائم تجاری خود، بیش از پیش نمایان است. اقداماتی همچون ثبت به موقع و پیگیری حقوق قانونی می تواند زمینه ساز توسعه پایدار و موفقیت تجاری باشد. به طور خلاصه، قوانین علائم تجاری نه تنها ابزاری برای دفاع از برندها در برابر تخلفات است، بلکه به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تضمین بقای برند در دنیای پیچیده تجاری امروز عمل می کند.



### منابع و مأخذ فارسی:

- کتب

- ۱- حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، شمس، عبدالحمید، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، نوبت اول
- ۲- مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، میرحسینی، سید حسن، نشر میزان، شهریور ۱۴۰۳
- ۳- مقایسه حقوق ناشی از ثبت علائم تجاری در حقوق ایران و فرانسه، کریمی، محمدحسین؛ کریمی، عباس، ۱۳۹۴
- ۴- حقوق مالکیت معنوی، ثاقب فر، رضا

- مقالات

- ۵- مقایسه حقوق ناشی از ثبت علائم تجاری در حقوق ایران و فرانسه، کریمی، محمدحسین؛ کریمی، عباس، ۱۳۹۴
  - ۶- علائم تجاری در حقوق ایران، توکلی کرمانی، سعید
- قوانین
- ۱- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری - جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۶
  - ۲- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری - جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۱۰
  - ۳- آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

### منابع و مأخذ انگلیسی:

۱. Alavi, M., & Shariati, M. (۲۰۲۰). Legal framework of commercial law in Iran: A review. *Journal of Iranian Legal Studies*, ۱۱۸(۲), ۱۳۴-۱۱۸.
۲. Jafari, S. (۲۰۱۸). The role of company law in protecting the rights of business owners in Iran. *Iranian Journal of Business Law*, ۱۲(۳), ۶۸-۵۵.

# حق پناهندگی در بحران اوکراین: تحلیل حقوقی و واکنش‌های بین‌المللی



**غزل حاج اسماعیل زاده**  
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق  
بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران

پناهندگی حقی انسان، در پناه حمایت بین‌المللی در جهانی که متأسفانه سایه جنگ بسیاری از انسان‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد. پناهندگی و حمایت از افراد آواره، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری و نظام‌های حقوقی است و از دیرباز بنیان‌گذاران حقوق بین‌الملل بر لزوم این کمک‌ها به انسان‌هایی که در معرض خطر قرار دارند تأکید داشته‌اند. فیلسوف‌هایی مثل کانت پوندرف و ریتوریا هریک به نوعی بر مفهوم ضرورت حمایت از بیگانگان و پناهجویان تأکید داشتند. یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های حقوق بشری و جهانی که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، بحران جنگ روسیه و اوکراین می‌باشد که تأثیرات این جنگ همچنان در جامعه جهانی در حال گسترش است، این جنگ که در فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شده است، باعث شده تا میلیون‌ها اوکراینی به کشورهای مختلف جهان پناه ببرند و از خانه‌های خود آواره شوند. طبق گزارش‌هایی، بیش از ۶.۳ میلیون اوکراینی به کشورهای اروپایی پناهنده شدند. از بین این کشورهای اروپایی می‌توان به لهستان و آلمان اشاره کرد. در واقع لهستان با ۱/۸ میلیون پناهنده بزرگ‌ترین میزبان پناهندگان اوکراینی است و آلمان با ۱/۴ میلیون پناهنده به‌عنوان مقصد اصلی پناهندگان اوکراینی شناخته شده است و براساس گزارش‌ها در سال ۲۰۲۴ در کمال تأسف، آمار و ارقام ارائه شده در خصوص تلفات غیرنظامیان، آوارگان و خسارات وارده به زیرساخت‌های اوکراین، به‌وضوح نمایانگر فاجعه‌ای انسانی و نقض حقوق بین‌الملل است، تجاوز نظامی روسیه به اوکراین، منجر به کشته شدن بیش از ۳۵ هزار نفر از غیرنظامیان، از جمله ۱۵ هزار نفری که مرگ آن‌ها توسط سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است. با این حال، اذعان می‌شود که این آمار، به دلیل شرایط جنگی و موانع موجود در ثبت دقیق وقایع، کمتر از میزان واقعی است؛ علاوه بر این، بیش از ۶/۴ میلیون نفر از شهروندان اوکراینی به کشورهای دیگر پناهنده شده و در حدود ۳/۷ میلیون نفر نیز در داخل اوکراین آواره گشته‌اند. این بدان معناست که تقریباً یک‌سوم از جمعیت اوکراین، از جمله بیش از نیمی از کودکان این سرزمین، مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند.

سازمان بین‌المللی مهاجرت برای کمک به آوارگان، پناهندگان و جوامعی که در این جنگ آسیب دیده‌اند. کمک‌های اولیه ارائه می‌دهد و برای حل مشکلات بلند مدت اجتماعی-اقتصادی آن‌ها نیز کمک‌های شایانی کرده است و حفاظت از افراد و دسترسی آن‌ها به این کمک‌ها در اولویت این سازمان قرار دارد. وضعیت پناهندگان اوکراینی در سال ۲۰۲۵ ساز هم اکنون بسیار پیچیده و تحت تأثیر تحولات جنگ و محدودیت‌های قانونی در کشورهای میزبان قرار دارد. به‌عنوان مثال آلمان و سایر کشورهای اروپایی به پناهندگان اوکراینی وضعیتی به نام حفاظت موقت اعطا کردند تا از آن‌ها در برابر تهدیدات جنگی و نظامی محافظت کنند و با این حال پس از پایان مدت این حمایت‌ها، بسیاری از پناهندگان با مشکلات جدیدی از جمله تمدید وضعیت اقامت و دسترسی به منابع اساسی مثل مسکن، اشتغال و خدمات بهداشتی مواجه هستند. علاوه بر این موارد مشکلات اجتماعی و روانی مانند استرس آسیب‌های روانی که از جنگ به جا مانده است، همچنان برای پناهندگان باقی مانده و بسیاری از آن‌ها نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای در زمینه سلامت روان و ادغام اجتماعی هستند.

در این شرایط رعایت حقوق بین‌المللی پناهندگان و اصول حقوق بشری مانند اصل عدم بازگرداندن پناهندگان به مکان‌های خطرناک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حال باید به این اشاره کرد که حق پناهندگی ریشه در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد که شامل حق اقامت و رفتار انسانی است، اما تصمیم نهایی در مورد اعطای آن با دولت میزبان است. در مورد اوکراین بسیاری از کشورها با ارائه حفاظت موقت، رویکردی بشردوستانه در پیش گرفتند؛ در این شرایط همکاری بین‌المللی و تقویت سازوکارهای حمایت از پناهندگان بیش از هر زمان دیگری ضروری است و جامعه جهانی باید با ارائه کمک‌های مالی و فنی کشورهای میزبان را در این مسیر یاری کند و از حقوق پناهندگان اوکراینی از جمله حق عدم بازگشت به مناطق جنگی حمایت کند.

در این جا می‌خواهیم به بررسی وضعیت حقوقی و اجتماعی پناهندگان اوکراینی لش‌هایی که در افق دید آن‌ها است و واکنش‌های بین‌المللی که دولت‌ها وظیفه دارند، این بحران‌ها نشان دهند بپردازیم.

در پاسخ به بحران پناهندگان اوکراینی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اقدامات گسترده‌ای انجام دادند. این سازمان‌ها از طریق تامین حمایت‌های مادی و حقوق بشری شامل مواد غذایی، دارو، مسکن و همینطور کمک‌های مالی به کشورهای پذیرنده نقش موثری در کاهش مشکلات پناهندگان ایفا کردند. همچنین اتحادیه اروپا با اعطای وضعیت پناهندگی موقت به اوکراینی‌ها به آن‌ها این اجازه را داده است تا به مدت مشخص در کشورهای اروپایی اقامت داشته باشند و از حقوقی مانند دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزش و بازارکار بهره‌مند شده و کشورهای همسایه اوکراین مانند لهستان، مجارستان، رومانی و اسلواکی با پذیرش تعداد زیادی از پناهندگان و فراهم کردن نیازهای اولیه مانند سرپناه و غذا، نشان دادند که در این شرایط بحران‌زده، تعهدات انسانی برای آن‌ها امری جدی است.

برای تحلیل حقوقی مبحث پناهندگی در این کیس باید به منابع حقوق بین‌الملل مراجعه کرد، که این منابع حقوق و تکالیف پناهجویان دولت‌های پذیرنده را مشخص می‌کند. این منابع به دو دسته ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که در سطح ملی قوانین داخلی هر کشور شامل فرمان‌ها، آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی نحوه پذیرش و حمایت از پناهندگان را تعیین می‌کنند، همچنین در سطح بین‌المللی اسناد مهمی چون اعلامیه حقوق بشر به عنوان یکی از اسناد کلیدی که شامل ماده ۳۰ حقوقی است که اصولی را تبیین می‌کنند، همانند حق زندگی، امنیت، برابری در برابر قانون، منع شکنجه، آزادی تردد و حق کار برای همه انسان‌ها از جمله پناهندگان، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۴ خود صراحتاً بر حق پناهندگی تاکید می‌کند. این اعلامیه با گسترش بحران‌های انسانی در جامعه بین‌المللی تلاش کرده است که حمایت از پناهندگان را در چارچوب‌های حقوق بشری تقویت کند و زمینه اجرای آن را فراهم سازد. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ آن به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل پناهندگی شناخته می‌شود و به‌طور خاص به حمایت از افرادی پرداخته است که به دلایلی همچون نژاد، مذهب، ملیت و یا عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا نظر سیاسی، مجبور به ترک کشور خود شدند. در زمینه بحران اوکراین این کنوانسیون‌ها قطعاً می‌توانند مبنای حقوقی برای پذیرش و حمایت از پناهندگان اوکراینی باشند. همچنین پروتکل ۱۹۶۷ با حذف محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی گستره حمایت‌ها را برای پناهندگان در شرایط خاص افزایش داده است، به همین ترتیب، پناهندگان اوکراینی به‌ویژه کسانی که در کشورهای همسایه مانند لهستان و مجارستان اسکان گزیده‌اند، می‌توانند تحت شرایطی مانند پناهندگی موقت و دسترسی به خدمات اساسی از جمله مسکن، بهداشت و آموزش قرار گیرند. کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، میثاق‌های ۱۹۶۶ حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ و موافقت‌نامه دوبرلین ۱۹۹۰ از جمله منابع اساسی هستند، ولی باید اشاره کرد که موافقت‌نامه دوبرلین و رهنمود شورای اروپا اگرچه به جنبه‌هایی از حقوق پناهندگی پرداختند اما پاسخگوی نیازهای ویژه پناهندگان در شرایط بحرانی مانند اوکراین نیستند.

یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت از پناهندگان، اصل عدم بازگشت اجباری یا عدم استرداد است که در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ به آن پرداخته شده است و به صراحت بیان می‌کند که هیچ کشوری نباید پناهنده‌ای را به سرزمینی که در آن جازندگی یا آزادی‌اش به خطر می‌افتد بازگرداند. این اصل، فارغ از نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی است که شامل همه پناهندگان می‌شود. حتی کسانی که هنوز رسماً به عنوان پناهنده شناخته نشده‌اند، از این حق برخوردارند که به سرزمین امنی پناه ببرند و از بازگشت اجباری در امان باشند. این اصل در ماده (۱) ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است که بیان می‌کند: «هیچ دولتی نباید پناهنده‌ای را تحت هیچ شرایطی به مرزهای سرزمین‌هایی که زندگی یا آزادی او به‌خاطر نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی تهدید می‌شود، اخراج یا بازگرداند». عنوان «تحت هیچ شرایطی» به این معنا است که اصل عدم استرداد به هر نوع رفتار از سوی دولت که پناهنده را در معرض خطر بازگشت قرار دهد، چه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، اعمال می‌شود؛ همچنین این موضوع شامل رد ورود در مرزها و همچنین اخراج از داخل کشور می‌شود. در ماده (۲) ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ دو استثنا برای این اصل آورده شده است؛ اولاً این ماده اجازه می‌دهد تا پناهنده‌ای که به‌عنوان تهدیدی برای امنیت کشور یا جامعه شناخته شود یا کسی که مرتکب جرم سنگینی شده باشد، بازگردانده شود. با این حال، ماده (۲) ۳۳ کشورهای عضو را از تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر معاف نمی‌کند و ثانیاً در حقوق بین‌الملل پناهندگی، با مقررات بسیاری از اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای که از بازگشت به کشوری که فرد در معرض خطر شکنجه، رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار دارد، جلوگیری می‌کند، تکمیل شده است. عمومیت این اصل در حقوق عرفی پذیرفته شده است که این بدین معناست که حتی کشورهایی که عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ نیستند، موظف هستند به این اصل مهم پایبند باشند. این اصل به کشورهای پناهنده‌پذیر این اطمینان را می‌دهد که تا زمانی که وضعیت پناهندگی پناهجویان بررسی نشده است و خطرات احتمالی تهدیدکننده زندگی یا آزادی آنان همچنان باقی است، نباید به آن‌ها اجازه بازگشت به مناطق خطرناک داده شود. در بحران اوکراین این اصل به‌طور موثری در بسیاری از کشورهای پذیرنده مورد استفاده قرار گرفته است تا از این پناهندگان در برابر خطرات احتمالی بازگشت به مناطق جنگی یا تحت سلطه نظامی روسیه محافظت کند، این اصل عدم استرداد نه تنها در راستای تعهدات حقوق بشری کشورها در برابر پناهندگان عمل می‌کند بلکه نقش حیاتی در فراهم آوردن امنیت و حمایت برای میلیون‌ها اوکراینی که به دنبال پناه هستند دارد.





## ■ مشکلات حقوقی و عملی در مواجهه با سیل جمعیت پناهنده

یکی از دغدغه‌های اصلی، محدودیت ظرفیت کشورهای پذیرنده در پذیرش جمعیت پناهنده است. این مسئله به‌ویژه در کشورهای همسایه اوکراین مانند لهستان، مجارستان و رومانی که جمعیت‌های زیادی از پناهندگان اوکراینی را پذیرش کرده‌اند، محسوس است. ظرفیت محدود در زمینه مسکن، بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی موجب فشار بر منابع داخلی و کاهش کیفیت خدمات می‌شود. از نظر حقوقی نیز، مسائل مربوط به فرآیند درخواست پناهندگی، ارزیابی سریع و عادلانه وضعیت پناهندگان و تأمین حقوق آن‌ها در برابر نقض حقوق بشر می‌تواند بحث‌برانگیز باشد و با توجه به این موضوعات، کشورهای پذیرنده باید با توجه به حجم بالای درخواست‌ها، سیستم‌های مدیریتی خود را تقویت کنند و هماهنگی بیشتری با نهادهای بین‌المللی داشته باشند. مسائل موجود در فرآیند پذیرش و حفاظت از پناهندگان شامل محدودیت‌های منابع، نیاز به هماهنگی مؤثر میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و مدیریت بحران‌های بشردوستانه است. به‌ویژه، در کشورهای با جمعیت‌های مهاجر قبلی و شرایط اقتصادی حساس، نگرانی‌های امنیتی و فرهنگی نیز به دغدغه‌های این کشورها افزوده است. در کنار این دشواری‌ها، برخی از پناهندگان ممکن است با مشکلات حقوقی و بوروکراتیک در فرآیند ثبت‌نام و تعیین وضعیت پناهندگی روبه‌رو شوند. در این شرایط، تلاش برای تسریع درانجام فرآیندهای اداری و همکاری بین‌المللی جهت تأمین منابع و خدمات حمایتی از اهمیت زیادی برخوردار است. در نهایت، حمایت مستمر از پناهندگان اوکراینی و بهبود فرآیندهای پذیرش، نیازمند هماهنگی بیشتر میان کشورهای پذیرنده و سازمان‌های بین‌المللی مانند UNHCR است تا به این افراد آسیب‌دیده از جنگ و درگیری‌ها کمک شود تا به زندگی با امنیت دست یابند. برای مقابله با این معضلات، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در تأمین مالی و تسهیل جابه‌جایی پناهندگان ضروری است و تسریع رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و ارائه اطلاعات لازم و کافی به پناهندگان از دیگر راهکارهای حقوقی است؛ همچنین توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر، تضمین حقوق اساسی پناهندگان و یافتن راه‌حل‌های بلندمدت از جمله ادغام، بازگشت داوطلبانه و اسکان مجدد نیز برای این قشر آسیب‌پذیر حائز اهمیت است. جامعه جهانی باید با حمایت از کشورهای میزبان و تضمین حقوق پناهندگان، به این بحران انسانی پاسخی شایسته دهد.

# دادگاه نشریه



تأسیس  
۱۴۰۲

دادگاه

نشریه علمی دانشجویی

شماره سوم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۴